

برترین‌های کنکور ۹۵ معرفی شدند

نتایج قطعی کنکور سال ۹۵ امروز ساعت ۹ صبح در سایت سازمان

سنجش آموزش کشور اعلام می‌شود. به گزارش خبرنگار ما، ابراهیم خدایی رئیس سازمان سنجش آموزش کشور دیروز در جمع خبرنگاران با اعلام این خبر افزود: از تعداد ۷۷۲۹۸۲ داوطلب، تعداد ۵۳۱۹۰۶ داوطلب مجاز به انتخاب رشته دوره‌های روزانه و نوبت دوم (شبانه) هستند. از این تعداد ۱۴۰۱۸۹ نفر در گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی، ۱۷۳۴۸۲ نفر در گروه آزمایشی علوم تجربی، ۱۳۵۲۱۹ نفر در گروه آزمایشی علوم انسانی، ۲۲۳۲۴ نفر در گروه آزمایشی هنر و ۴۰۷۸۲ نفر در گروه آزمایشی زبانهای خارجی مجاز به انتخاب رشته خواهند بود.

وی افزود: براساس برنامه زمانی پیش‌بینی شده، دفترچه راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی (دفترچه شماره ۲) آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ از روز دوشنبه ۱۸ مردادماه به تدریج بر روی سایت سازمان سنجش آموزش کشور قرار گرفته است و دفترچه‌های چاپ شده هم از روز شنبه ۲۳ تا روز پنج‌شنبه ۲۸ مرداد از طریق باجه‌های

خدایی با اعلام این‌که کارنامه کلیه داوطلبان شرکت‌کننده در این آزمون از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۰ مردادماه ۹۵ بروی سایت سازمان سنجش آموزش کشور کشور قرار داده می‌شود، افزود: داوطلبان می‌توانند به منظور اطلاع از نتیجه آزمون خود و مشاهده کارنامه نتایج اولیه و پرینت آن، از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه به سایت سازمان سنجش آموزش کشور مراجعه نمایند.

وی اضافه کرد: براساس اطلاعیه سازمان سنجش آموزش کشور برای رشته‌های بدون آزمون، ثبت‌نام و انتخاب رشته توسط داوطلبان علاقه‌مند و واجد شرایط از روز چهارشنبه ۲۰ مرداد و از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور خواهد شد.

تمامی مجازین به انتخاب رشته هم حداکثر ۱۵۰ رکت شده محل از کد رشته محل‌های مورد نظر خود را برابر ضوابطی که در دفترچه راهنمای انتخاب رشته درج شده است، استخراج و آنها را به ترتیب تقدم علاقه مرتب و از روز شنبه ۲۳ مردادماه و حداکثر تا پنج‌شنبه ۲۸ مردادماه ۹۵ براساس دستورالعمل نحوه انتخاب رشته اینترنتی، در فرم انتخاب رشته اینترنتی ثبت نمایند.

اسامی نفرات برتر کنکور ۹۵

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور اسامی نفرات برتر کنکور سراسری سال ۱۳۹۵ اعلام کرد.

دکتر ابراهیم خدایی با بیان اینکه ۳۶ نفر به عنوان نفرات برتر کنکور برگزیده شده‌اند افزود: از این تعداد ۲۶ نفر آقا و ۱۰ نفر خانم هستند.

به گفته وی احسان شمریانی از تهران، امیرمحمد فرزانه از شمریرات، کوشا جالریان از تهران، حسین مقدس از سیرجان، فراز فرح وش از تبریز، امیرعلی محمدحسینی از تهران، امیرحسین افشارداد از تهران، محمدامین سالار کیا از تهران، محمدرضا صالحی از تهران، سیدعلیرضا سمیعی گلپان از تهران ارتبه برتر گروه علوم ریاضی و فنی هستند.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور دمرود ۱۰نفر برتر گروه علوم تجربی اظهار داشت: محمد احمدی از تربت جام، محمد امین روان بخش از تربت حیدریه، سهیل محمدی از شیراز، پارسا خلفی از اردبیل، مهنا ستاربان خضرولو از مراغه، امیرحسین طیبیان از اصفهان، آرمین گلچین از تبریز، مهشاد افشارزاده از اصفهان، عرفان پاکزی از تهران و پارسا سیفی از نور نفرات برتر این گروه آزمایشی هستند.

دکتر خدایی با اشاره به نفرات برتر گروه آزمایشی علوم انسانی نیز گفت: زهرا سادات موسی از تهران، سجاد قاسمی از قم، انوشه بابایی از تهران، حسین حاجیلوی از تهران،محمدجواد صرافلی از شمریرات، سیدمحمد علوی مقدم از مشهد، نیکو صبوری از تهران، علی طهرانچی از شمریرات، سجاد کرپاشی از شمریرات و فاطمه ذابری قوجان عتیق از مشهد نفرات برتر علوم انسانی هستند.

رئیس سازمان سنجش آموزش کشور ادامه داد: الهه اسماعیلی حسین آباد از تهران، مریم گلپایگانی از تهران و عطیه و جهانبخش از تهران نفرات برتر گروه آزمایشی هنر و نسترن ریسی دهکردی از تهران، امیرحسین بلوری از تهران و امیرحسین کاظمی پور اشکدری از تهران سه نفر برتر زبان‌های خارجی هستند.

وی اظهار داشت: به طور کلی ۲۱نفر از رتبه‌های برتر از تهران

و شمریرات و ۱۵ نفر از شهرستان‌ها هستند.

رخشان بنی اعتماد: خارج از مرز ایران حرفی برای گفتن ندارم

پایین بود. بنسی اعتماد روی کپی فیلم کار بر نامه بزرگداشت یکی از ساخته‌های قدیمی اش به نام «ورسری آبی» گفت : فیلم‌های سینمایی ایران سرمایه ملی ما هستند.

به گزارش روابط عمومی خانه هنرمندان ایران، در ادامه برنامه‌های سینماکنانه خانه هنرمندان ایران که دوشنبه ۱۸ مرداد در تالار استاد ناصری برگزار شد،فیلم «ورسری آبی» به کارگردانی رخشان بنی اعتماد به روی پرده رفت. از چهره‌های حاضر در این برنامه می‌توان به رخشان بنی اعتماد، احمد مسجد جامعی، حجّت الاسلام احد آزادپناه، عزیز ساعتی، هوشنگ گلمکانی، جهانگیر کوثری، باران کوثری، خسرو دهقان، عیسی کنسوری، رضا قیاضی، بنی اعتماد، شایهان این ، سید محمود دعایی و… راره کرد. پس از نمایش فیلم جمعی از عوامل تولید فیلم و دیگر حاضران در مراسم، به بیان نظرات و خاطرات خود از این فیلم پرداختند.

در ابتدا رضا قیاضی از سلفقه همکاری خود با رخشان بنی اعتماد در ادامه داد: بنی اعتماد ما صرافا

به مثابه بازیگر بر خیزم در فیلم، بلکه با هم صحبت می‌کردیم و نظرات ما و راجوای می‌شد. همین امر کار با او را لذت بخش می‌کرد. پس از ساخت و وقتی به فیلم فرستادم، بنی اعتماد خراجی به آن کشور داد، بنی اعتماد نداده است اما هر زمان، حق زمانی که دندان‌هایم ریخته باشد، با کمک میل حاضر در فیلمی به کارگردانی او بازی کنم.

پس از آن پرویز آیتار ضمن اشاره به خاطراتی از ساخت «ورسری آبی» گفت: بنی اعتماد در پاسخ به تقاضای هدایت فیلم برای دخل و تصرف در فیلم، مخالفت کرده بود و به همین دل با مدرسی تماس گرفتم. مدرسی از سختی و تنگ و تنگ بودن خواندن فیلمنامه، موافقت کرد که تهیه‌کننده فیلم باشد. یکی از ویژگی‌های کار بنی اعتماد این است که تمام مراحل ساخت فیلم با به پای شما پیش می‌آید و از قبل نیز به شما می گوید قصد انجام چه کاری دارد.

در ادامه امیر اسفندیاری طی سخنانی گفت: پس از ۲۲ سال، باز هم با تماشای فیلم تحت‌تاثیر قرار گرفتم. متأسفانه کیفیت نمایش فیلم

گفت‌وگو با آمورثی

دانشگاه آزاد رتبه اول ۴ شاخه علمی کشور

دانشگاه آزاد اسلامی در تازه‌ترین رتبه‌بندی موسسه تامسون رويترز، در چهار شاخه مهندسی، شیمی، علم مواد و ریاضی رتبه نخست را در بین دانشگاه‌های کشور کسب کرد.به گزارش ایسنا در این رتبه‌بندی، دانشگاه آزاد اسلامی در چهار شاخه مهندسی، شیمی، علم مواد و ریاضی در بین دانشگاه‌های کشور رتبه نخست و در شاخه کامپیوتر هم رتبه دوم را کسب کرده است. بنا بر همین گزارش ،دانشجوی دکتری مهندسی

وزیر فرهنگ: ماندگاری شعر ربطی به جنسیت شاعر ندارد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: دیوان پروین اعتصامی پرمایه و استوار است. پروین اعتصامی را باید بزرگ‌ترین شاعره فارسی زبان در همه اعصار دانست.

آئین پایانی هفتمین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی عصر دیروز در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و معماری برگزار شد و برگزیدگان با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی شدند. علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این برنامه اظهار داشت:شعر فارسی قرن‌هاست که سنگخوری معنوی هستی بوده و کلمات شاعران همواره به واگشایی عالم غیب مترنم شده است. او این منظر شعر فارسی به مباحث سر به آسمان بر می‌افرازد. وزیر ارشاد بیان کرد: دیوان پروین اعتصامی پرمایه و استوار است. پروین اعتصامی را باید بزرگ‌ترین شاعره فارسی زبان در همه اعصار دانست. شعر پروین در گذر سالیان پویا ماند و در ذهن و جان مردم جای گیرد. وزیر ارشاد به شعر پروین اشاره کرد و سروده‌های او را در قالب گوهر ناب ز من معرفی می‌کند.

چهاردهمین شب آواز ایرانی بر گزار خواهد شد

چهاردهمین شب آواز ایرانی، شنبه ۲۰مرداد با حضور استادان و هنرمندان عرصه آواز و موسیقی ایرانی ساعت ۱۸ در تالار آندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود.

به گزارش حوزه هنری، در س سری جدید شب آواز ایرانی در هر برنامه، همانند گذشته ۶ گروه به اجرای برنامه خواهند پرداخت که همچون گذشته یک گروه با عنوان میهان روزه از چهره‌های شناخته شده آواز و موسیقی اجرا دارند و پنج گروه جوان منتخب دیگر به شکل رقابتی به روی صحنه می‌روند.

اجرای این گروه‌ها توسط هیأت داوران که از اساتید صاحب‌نام عرصه موسیقی و آواز ایرانی‌اند ارزیابی می‌شود.

در چهاردهمین شب آواز ایرانی خلیل پوسنتی به همراه علی اصغر فروزافر یکی از گروه‌های شرکت کننده در مراسم خواهند بود که به اجرای آوازی در مایه آواز اصفهان با استفاده از غزل های ا حافظ می پردازد.

از دیگر بخش‌های این برنامه می‌توان به اجرای پوریا عادلینی به همراه محمدرضا عزیزی (نوازنده تار) اشاره کرد که به اجرای آوازی در مایه دشتی با استفاده از شعرهای عطار نیشابوری می پردازد.

رخشان بنی اعتماد: خارج از مرز ایران حرفی برای گفتن ندارم

سرخان مختلف دوستان در مورد کار سن آن نقش را بازی باوراد تا بتوانم این نقش را بازی کنم. هنوز لحظاتی بازی عزت الله نظامی و گلاب آدینه را به خوبی به یاد دارم و آنچه از آنها آموختم، پایه تمام چیزهایی بود که بعدها یاد گرفتم.

در ادامه شایهان امین به وی صحنه آمد و در توضیح ویژگی‌های فیلم گفت: کمان می‌کنم علاوه بر جاهایی که برای ترمیم فیلم‌ها حقوق می‌گیرند، خود تهیه‌کننده‌ها هم باید پیرای مرمت آنها همت کنند و این کار واقعا ارزشش را دارد.

کرم و مسادرم را مجبور کردم که من آن نقش را بازی کنم ولی ظاهرا این کار نیز به نتیجه مانده است. امیدوارم همچون فیلم‌های «گاو» یا «کلوز آپ»، نسخه‌ای با کیفیت از این فیلم در دسترس قرار بگیرد. زنده‌یاد عباس کیارستمی گفته بود کاری که در ایران برای فیلم «کلوز آپ» انجام شد، در فرانسه هم قابل انجام نبود. امیدوارم این کار برای «ورسری آبی» و دیگر فیلم‌ها نیز انجام شود.

وی سپس به بیان ویژگی‌های سینمایی بنی اعتماد پرداخت و گفت: به جرأت می‌گویم بنی اعتماد هرچا که در واقعاً ارزشش را دارد.

از تهیه‌کنندگان فیلم‌ها خواش می‌کنم در این مسیر حرکت کنند. زمانی که «ورسری آبی» ساخته شد، فرضی برای مصاحبه با باران کوثری پیش آمد. کوثری در میان زمان که حدوداً ۱۰ ساله بود، مدفقه کورکاتی را داشت که در محل ساخت فیلم زندگی می‌کردند. او بعدها در تلویزیون مصاحبه‌ای داشت و زمانی که فیلم با پاسخ‌های او را «شعاری» دانست، کوثری این حرف را تأیید کرد و گفت برای زندگی کار کردن باید شعار داشته باشی و مجری برنامه‌متوجه ازمانخواهی. باران کوثری نبود و داشت شعار را چیز دیگری می‌دانست. در حقی که کسی به جای رسیده، حتما دارای پیش و اندیشه و ایده‌آل بوده است. هیچ‌کس صرفاً بر اساس شانس به موفقیت نمی‌رسد، در مورد باران کوثری نیز همین‌طور است.

دورن بخشنی در این برنامه نیز عوامل رخشان بنی اعتماد به خاطرات خود

از فیلم «ورسری آبی» اشاره کرد و ضمن یادی از تمامی همکاری‌اش در این فیلم، گفت: تماشای فیلم بعد از این همه سال حال غریبی دارد. وقتی

مصابع احاد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی میله ای جی.آر.آر.(JIJRST) که کسب

رتبه دوم انستیتو فنانوردی آمریکا به دانشگاه صنعتی شریف رسید تیم انستیتو هوانوردی و فضانوردی شریف موفق به کسب رتبه دوم مسابقات تیم شش‌گانه Shads از دانشگاه مهندسی هوافضای این دانشگاه در مرحله نهایی مسابقات بین المللی و معتبر AIAA از بین ۹ تیم در ۵ دانشگاه کشورهای مختلف با ارائه پروپوزال خود، رتبه دوم را به دست آورد. انستیتو هوانوردی و فضانوردی آمریکا سازمانی پیشرو در عرصه هوافضاست که ۸۰ سال از تأسیس آن می‌گردد و حدود ۳۳ هزار عضو در ۸۸ کشور دنیا دارد.

وزیر جانی: مسأله هسته‌ای بدون وفاق مجموعه نظام قابل حل نبود

آموزه‌های دینی ما هرگز از شأن زنان نکاسته و به زن و مرد یکسان احترام گذاشته و به هر دوی آنها مسئولیت داده است. امیدوارم آنان که به نام دین حرف می‌زنند نیز این مسئولیت را در عرصه احساس کنند و مسئولانه تر به اظهار نظر بپردازند.

بر اساس آراء هیأت داوران در بخش پژوهش و نقد ادبی کتاب «تاریخ شعر زنان ایران از آغاز تا سده هشتم هجری»، نوشته روح انگیز کراچی به عنوان اثر برگزیده انتخاب و جایزه ۱۲ سکه طلا را دریافت کرد.

در بخش ادبیات کودک، کتاب «آب و تاب» سروده مهدی موسوی زاده برنده جایزه ۱۲ سکه‌ای از پروین اعتصامی شد.

در بخش ترجمه «کتاب فشرده فرهنگ لغات چینی به انگلیسی برای عشاق» با ترجمه ریحانه وادی یکی از کتاب «بیرون ذهن من» با ترجمه آیتا یارمحمدی به عنوان شایسته‌گن تقدیر معرفی و جایزه ۴ سکه ای را دریافت کرد.

در بخش ادبیات نمایشی نیز دو اثر «تاج ماه» نوشته فریده فرجام و «مرد رنگ» نوشته تهیمنه محمدی به

عنوان شایسته‌گان تقدیر معرفی و جایزه ۴ سکه ای را دریافت کردند. در بخش شعر جایزه ۱۲ سکه ای به مجموعه شعر «دایره» سروده مریم جعفری آذرملی رسید. پشرفت کمی و کثی ادبیات را در میان زنان به رونق بیشتر این جایزه کمک خواهد کرد؛ او هم در زمانی که در ایران از هر نویسنده یکی زن است و آثار نویسندگان زن در بسیاری از حوزه‌های ادبی اثر نویسندگان مرد پرتوانند. اثر «تاریخ ادبیات» از آناهیتا شایسته‌گان تقدیر معرفی و جایزه ۴ سکه ای را دریافت کردند.

به مجموعه شعر «دایره» سروده مریم جعفری آذرملی رسید.

پشرفت کمی و کثی ادبیات را در میان زنان به رونق بیشتر این جایزه کمک خواهد کرد؛ او هم در زمانی که در ایران از هر نویسنده یکی زن است و آثار نویسندگان زن در بسیاری از حوزه‌های ادبی اثر نویسندگان مرد پرتوانند. اثر «تاریخ ادبیات» از آناهیتا شایسته‌گان تقدیر معرفی و جایزه ۴ سکه ای را دریافت کردند.

گردهمایی عکاسان مطبوعاتی ایران در خانه هنرمندان



اولین گردهمایی عکاسان مطبوعاتی از اعضای انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران به بهانه روز خبرنگار روز دوشنبه ۱۸مرداد در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. هاشم طالب اولین سخنران این گردهمایی بود که به گرامیداشت یاد شهدای رسانه پرداخت و گفت: آنچه به عنوان سند انقلاب از آن می‌گذرد، حاصل سترنج شما پنج نفر از دوستان ما در این جمع نیستند. زیبایی آن به خاطر دیدار دوستان است. امروز اتفاق بزرگی در جهان رخ داده و آن انقلاب ارتباطی است که جایگاه عکس اعتلا پیدا کرده است. به عبارتی این روزها کمتر کسی مقاف، تحلیل و خبر را می‌خواند. ولی عکس را می‌بینند.

گدرش سبایت‌اللهی اجتماعی بر اساس عکس است و محوریت عکس روز به روز در فضای مجازی بیشتر می‌شود و این موقعیت خوبی است، به شرط اینکه عکاس ما در مدیریت فضاهای مجازی مشارکت داشته باشد.

او در ادامه سخنان خود وضعیت عکاسان تهران را و گفت: مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد ایران تلاش دارند تا به عکاسان کمک کنند تا به جایگاه خود برسند.

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

محمد نوروزی، عضو هیأت‌مدیره انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ایران

در حاشیه جلسهٔ رونمایی از کتاب عشق و تلاش مورخه ۱۳۹۵/۵/۱۴

تشکر و اعتذار



خاکي فرهنگيه ارجمند و متواضع که درواغ سخنگوي شوراي علمي دائره‌المعارف بزرگ اسلامي هستند و قطعه شعري را در قاب گرفته و به من مرحمت فرمودند و حق بود که در جلسه از ایشان برای قرائت شعرشان دعوت شود. با تشکر و اعتذار از حضرات آقایان:

۱-حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدهای خسروشاهی دامت برکاته

۲-حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد محمدی‌گلپایگانی دامت برکاته

۳-حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالمجید معادیخواه دامت برکاته

۴-حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباسعلی سرفرازی

۵-دانشمند ارجمند جناب آقای سیدمحمدکاظم موسوی‌پنجبندی

۶-جناب آقای دکتر مهدی رفیع عضو ارشد شوراي علمي دائره‌المعارف بزرگ اسلامي

۷-فرهیخته گرامی جناب آقای محمد خاکی (سراپنده شعر تعلیمی)

۸- برادر ارجمند جناب آقای دکتر علی داستانی

۹- برادر عزیز و هنرمند خوش‌ذوق جناب آقای رضا گنجی

۱۰- همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۱-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۲-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۳-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۴-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۵-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۶-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۷-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۸-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۱۹-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۰-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۱-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۲-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۳-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۴-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۵-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۶-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۷-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۸-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۲۹-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۰-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۱-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۲-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۳-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۴-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۵-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۶-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۷-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۸-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۳۹-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۰-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۱-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۲-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۳-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۴-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۵-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۶-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۷-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۸-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۴۹-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۰-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۱-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۲-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۳-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۴-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۵-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۶-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۷-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۸-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۵۹-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۰-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۱-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۲-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۳-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۴-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۵-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۶-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۷-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۸-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

۶۹-همه عزیزانی که احیانا نام و تصویرشان در این یادداشت فراموش شده است!

همکار گرامی

جناب آقای دکتر حمیدارشدی

مصیبت جانگداز را به جنابایی و خانواده محترم متان تسلیت عرض می‌کنیم و خود را در غم شما شریک می‌دانیم.

انجمن رولوزوی ایران

اطلاعات

آیا میا مهمانان ناخوانده غذاهای غربی هستیم، یا غذاهای غربی، ناخوانده‌های سفره ایرانی‌اند؟

بی گمان در مصرف همه آنچه از غرب می‌رسد، زیاده‌روی می‌کنیم- تا دیروز نوبت‌های سه‌گانه غذای ما، دربرگیرنده نان‌سنگک سوسدار، سبزی‌زمینی تنوری، کره محلی و سبزی‌کوکو بود، اما امروز برگرها جایشان را گرفته‌اند. پیتزرها به سفره ما نان بربری سیاه، سبزی تازه، گردو و کمی پنیر ایرانی بود، ولی اینک چاست و ناهار و عصرانه و شام ما را پیتزا تشکیل می‌دهد!

در گذشته، از پنیر تریز و لیقوان فرانس نمی‌رفتیم، ولی

اینک(در رویاه) تسا ایتالیا و ده‌س‌های فرانسه هم می‌رویم و بی آنایم که پیتزای ما از پیتزای ایتالیایی‌ها بیشتر کش بیاید!

پیتزا به جای نان و پنیر و گردو!

در گذشته، می‌چینید از چاقی منجر می‌شدید. کپ‌هایم را به پشیزی نمی‌گرفت، بنابراین به زور فرستادمش پیش دکتر، تا بلکه به سفارش‌های او گوش کند.
با چهره‌ای ذم، به سختی از پله‌های مطب پایین آمد. چنان داغان بود که گمان کردم دکتر گفته است که هفته پیشتر زنده نخواهد ماند! با ترس و لرز گفتم: چی شد؟ با اندوه گفت:«دکتر گفت پیتزا از لیست غذایت قلم بگیر!»

کسانی که برای یکبار، خوردن پیتزا را می‌آزمایند، خواهان همیشگی آن می‌شوند و حتی اگر بیمار شوند، یا در مسیر بیماری قرار گیرند، بساز نمی‌توانند از آن دل بکنند!

بر گردی این غذای دایره‌ای شکل، چه موادی جاشوش کرده است: نان سفید، پنیر پرچرب، گوشت گوساله یا گاو چرخ‌شده، و گاه نیز تکه‌های پاپریکا، قارچ، کوجه و نخودفرنگی در سوسیس و کالباس آن نیز آمیخه که گوشت باشد و نه دورریختنی‌های گوشت! حتی اگر گوشت داشت باشند، «نیزروآمیسن» آن که از آمیختن، نینزات سوسیس و کالباسی پیتزا با اسیدآمینه بدن پدید می‌آید، به سرطان می‌انجامد.
در جنوب پایتخت، سبزی‌های سفارشی پیتزا را کارگران ماسک به دهن، موسسه، کافه به سر و دستکش به دست و رویوش به تن و چکمه به پا، می‌کنند و با آب بهداشتی و با دستکاه‌های تمام خودکار شستشو می‌دهند و بدون کاربرد مواد شیمیایی(بلکه با نمک و سرکه مرغوب) ضدعفونی می‌کنند و در بسته‌بندی بهداشتی(و نه با وانت‌های باربدن زنگاری،

تحويل پیتزافروشی‌های شهر می‌دهند.

اگرچه این‌ها همه رویاست و حقیقت ندارد و گمان هم نمی‌رود که در بستوهای پیتزایی‌های شهر ما چنین فرایندی پیمایش شود، ولی به هررو، آبی به سبزی‌ها زده می‌شود! مانند خودروسازانی که سود بنیادی آنان در فروش قطعه‌های یدکی است، پیتزای ایتالیایی نیز با پنیرش(موزارالای پرچرب) وارد کشور شده است. در ایران، تا چندزمان پیش، پنیر فقط با نان سیاه، مصرف می‌شد، ولی

اینک با سبزی به سالاد، شیرینی، پساغذا(دسر) و برگرها، پیتزا، تیرامیسو و chees cake، دامنه

در گذشته، از پنیر تریز و

لیقوان فرانس نمی‌رفتیم، ولی

اینک(در رویاه) تسا ایتالیا و

ده‌س‌های فرانسه هم می‌رویم و

بی آنایم که پیتزای ما از پیتزای

ایتالیایی‌ها بیشتر کش بیاید!

پیتزا به جای نان و پنیر و

گردو!

در گذشته، می‌چینید از چاقی

منجر می‌شدید. کپ‌هایم را به

پشیزی نمی‌گرفت، بنابراین به زور

فرستادمش پیش دکتر، تا بلکه به

سفارش‌های او گوش کند.

با چهره‌ای ذم، به سختی

از پله‌های مطب پایین آمد. چنان

داغان بود که گمان کردم دکتر

گفته است که هفته پیشتر زنده

نخواهد ماند! با ترس و لرز گفتم:

چی شد؟ با اندوه گفت:«دکتر

گفت پیتزا از لیست غذایت

قلم بگیر!»

کسانی که برای یکبار، خوردن

پیتزا را می‌آزمایند، خواهان

همیشگی آن می‌شوند و حتی اگر

بیمار شوند، یا در مسیر بیماری

قرار گیرند، بساز نمی‌توانند از آن

دل بکنند!

بر گردی این غذای دایره‌ای

شکل، چه موادی جاشوش کرده

است: نان سفید، پنیر پرچرب،

گوشت گوساله یا گاو چرخ‌شده،

و گاه نیز تکه‌های پاپریکا، قارچ،

کوجه و نخودفرنگی در سوسیس

و کالباس آن نیز آمیخه که گوشت

باشد و نه دورریختنی‌های گوشت!

حتی اگر گوشت داشت باشند، «نیزروآمیسن» آن که از آمیختن، نینزات سوسیس و کالباسی پیتزا با اسیدآمینه بدن پدید می‌آید، به

سرطان می‌انجامد. در جنوب پایتخت، سبزی‌های سفارشی پیتزا را کارگران ماسک

به دهن، موسسه، کافه به سر و دستکش به دست و رویوش به تن و چکمه به پا، می‌کنند و

با آب بهداشتی و با دستکاه‌های تمام خودکار شستشو می‌دهند و

بدون کاربرد مواد شیمیایی(بلکه با نمک و سرکه مرغوب) ضدعفونی

می‌کنند و در بسته‌بندی بهداشتی(و نه با وانت‌های باربدن زنگاری،

برچسب ۹۰ درصدگوشت، بسیار ارزان در دسترس مردم قرار می‌گیرد.

اگرچه این‌ها همه رویاست و حقیقت ندارد و گمان هم نمی‌رود که در بستوهای پیتزایی‌های شهر ما چنین فرایندی پیمایش شود، ولی به هررو، آبی به سبزی‌ها زده می‌شود!

مانند خودروسازانی که سود بنیادی آنان در فروش قطعه‌های یدکی است، پیتزای ایتالیایی نیز با پنیرش(موزارالای پرچرب) وارد کشور شده است. در ایران، تا چندزمان پیش، پنیر فقط با نان سیاه، مصرف می‌شد، ولی

اینک با سبزی به سالاد، شیرینی، پساغذا(دسر) و برگرها، پیتزا، تیرامیسو و chees cake، دامنه

در گذشته، از پنیر تریز و

لیقوان فرانس نمی‌رفتیم، ولی

اینک(در رویاه) تسا ایتالیا و

ده‌س‌های فرانسه هم می‌رویم و

بی آنایم که پیتزای ما از پیتزای

ایتالیایی‌ها بیشتر کش بیاید!

پیتزا به جای نان و پنیر و

گردو!

در گذشته، می‌چینید از چاقی

منجر می‌شدید. کپ‌هایم را به

پشیزی نمی‌گرفت، بنابراین به زور

فرستادمش پیش دکتر، تا بلکه به

سفارش‌های او گوش کند.

با چهره‌ای ذم، به سختی

از پله‌های مطب پایین آمد. چنان

داغان بود که گمان کردم دکتر

گفته است که هفته پیشتر زنده

نخواهد ماند! با ترس و لرز گفتم:

چی شد؟ با اندوه گفت:«دکتر

گفت پیتزا از لیست غذایت

قلم بگیر!»

کسانی که برای یکبار، خوردن

پیتزا را می‌آزمایند، خواهان

همیشگی آن می‌شوند و حتی اگر

بیمار شوند، یا در مسیر بیماری

قرار گیرند، بساز نمی‌توانند از آن

دل بکنند!

بر گردی این غذای دایره‌ای

شکل، چه موادی جاشوش کرده

است: نان سفید، پنیر پرچرب،

گوشت گوساله یا گاو چرخ‌شده،

و گاه نیز تکه‌های پاپریکا، قارچ،

کوجه و نخودفرنگی در سوسیس

و کالباس آن نیز آمیخه که گوشت

باشد و نه دورریختنی‌های گوشت!

حتی اگر گوشت داشت باشند، «نیزروآمیسن» آن که از آمیختن، نینزات سوسیس و کالباسی پیتزا با اسیدآمینه بدن پدید می‌آید، به

سرطان می‌انجامد. در جنوب پایتخت، سبزی‌های سفارشی پیتزا را کارگران ماسک

به دهن، موسسه، کافه به سر و دستکش به دست و رویوش به تن و چکمه به پا، می‌کنند و

با آب بهداشتی و با دستکاه‌های تمام خودکار شستشو می‌دهند و

بدون کاربرد مواد شیمیایی(بلکه با نمک و سرکه مرغوب) ضدعفونی

می‌کنند و در بسته‌بندی بهداشتی(و نه با وانت‌های باربدن زنگاری،

گزارش

حرارتی، همه روغن‌های سالتو. رنی‌تد(saturated)هیدروژنه یا اشباع)، اسید چرب ترانس دارند، که سبب پارگی مویرگ‌های قلب

پنیرهای کهنه، دارای «آمین» است و واکنش بدن انسان در برابر آن، خارش و سردرد و افزایش فشارخون!



غذاهای آماده؛ ارمغان رژیم‌های تغذیه‌ای آن‌سوی آب‌ها

این خوشمز ه‌های مضر!

از منظر گاه طب ایرانی

با چه مواد غذایی، پیتزا را بار می‌گذارند و نگره پزشکی سنتی/ ایرانی در باره این مواد چیست؟

پرتقال(ویتامین C) را که برخی کسان، مصلح پیتزا می‌کنند، رد می‌کنند و آنرا جایگزین خوبی ندارد و آن‌زیه‌های دستگاه گوارش را به سردرگمی می‌اندازد؛ میوه با گوشت در دستگاه گوارش می‌کند، از این‌رو باید ۳ ساعت پس از غذا خورده شود.

پنیر در همه پیتزاها از دیگر مواد بیشتر است و تا ۵ برابر چیرتر از دیگر پنیرهای موجود در بازار؛ و رآوردی مگر تنگی رگ، دیابت و چربی خون ندارد. اما ایراد بنیادی بر پنیر پیتزا، پخت آن است، که از دیدگاه پزشکی سنتی، با بغم‌زا و به ویژه برای بلغمی‌ها زیانبار است.

*** حسن اکبری – متخصص**

آسیب‌شناسی و طب سنتی:

پیامد خوردن پنیر سرد با

کوجه‌سرد، دچار شدن به

«اواس» است و از این رو

بهتر است پنیر با گـردو و

خرما و نعناع و ترخون

خورده‌شود

*** دکتر غلامرضا**

کرد افشاری– استاد

دانشکده طب سنتی دانشگاه

علوم پزشکی تهران؛ لـبنیات

و پنیر در فرایند تولید،

تغییر ماهیت می‌دهند و

نگهدارنده‌هایی افزوده

می‌شود که آن‌ها را سردتر

می‌کند و انسان را به کولیت

روده‌دچار می‌سازد

*** دکتر غلامرضا**

لبنیات و پنیر در فرآیند تولید،

ماهیت می‌دهند و نگهدارنده‌هایی

افزوده می‌شود که آن‌ها را سرد

تر می‌کند و انسان را به کولیت

روده دچار می‌سازد. اما ابوعلی‌سینا–

پزشک ایرانی، زمان مناسب خوردن

پنیر(با زیره و سیاه‌دانه و گردو)

را نه در بامدادان، بلکه غروبگاهان

می‌داند، زیرا بیشترین میزان

ترشح غده پاراتیروئید(تنظیم‌کننده

کلسیم و فسفر) در هنگام شب

است، و این برای کساک

چاست‌شان را نیز پیتزا تشکیل

می‌دهد، خبر خوبی نیست!

ع. درویشی

آکهی تغییرات شرکت مدیریت توسعه برهان مبین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۴۰۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۱۲۲۸۵ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
مرئی شرکت معصوم به شماره ملی ۰۰۴۴۴۳۰۲۲ به نمایندگی از شرکت مهر اقتصاد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ و ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به سمت رئیس هیات مدیره و سید محمدحسین سجادی نیری به شناسه ملی ۰۰۶۱۸۴۱۸۸ به نمایندگی از شرکت دانشگاهی توسعه بازار صنایع خلاق برهان به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۱ و ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۱ به سمت نایب رئیس هیات‌مدیره و امین کلاه دوزان به شماره ملی ۱۲۸۷۳۷۴۳۶۶ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۷۸۴۱۰۱۰ شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۱ به نمایندگی از شرکت دانشگاهی توسعه بازار صنایع خلاق برهان به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به سمت اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
با ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها و به مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد:
نله‌های اداری و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد؛با ثبت این مستند تصمیات تعیین مستند مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی مسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آکهی تغییرات شرکت مدیریت توسعه برهان مبین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۴۰۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۱۲۲۸۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
امین کلاه‌دوزان به شماره ملی ۱۲۸۷۳۷۴۳۶۶ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ و ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به سمت رئیس شرکت معصوم به شماره ملی ۰۰۴۴۴۳۰۲۲ به نمایندگی از شرکت مهر اقتصاد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به نمایندگی از شرکت دانشگاهی توسعه بازار صنایع خلاق برهان به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به سمت اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
با ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها و به مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد:
نله‌های اداری و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد؛با ثبت این مستند تصمیات تعیین مستند مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی مسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آکهی تغییرات شرکت مدیریت توسعه برهان مبین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۴۰۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۱۲۲۸۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
امین کلاه‌دوزان به شماره ملی ۱۲۸۷۳۷۴۳۶۶ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ و ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به سمت رئیس شرکت معصوم به شماره ملی ۰۰۴۴۴۳۰۲۲ به نمایندگی از شرکت مهر اقتصاد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به نمایندگی از شرکت دانشگاهی توسعه بازار صنایع خلاق برهان به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به سمت اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
با ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها و به مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد:
نله‌های اداری و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد؛با ثبت این مستند تصمیات تعیین مستند مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی مسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آکهی تغییرات شرکت توسعه برهان مبین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۴۰۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۱۲۲۸۵ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۸ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
امین کلاه‌دوزان به شماره ملی ۱۲۸۷۳۷۴۳۶۶ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ و ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به سمت رئیس شرکت معصوم به شماره ملی ۰۰۴۴۴۳۰۲۲ به نمایندگی از شرکت مهر اقتصاد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۴۶۱۲۳۸ به نمایندگی از شرکت توسعه اعتماد مبین به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به نمایندگی از شرکت دانشگاهی توسعه بازار صنایع خلاق برهان به شناسه ملی ۱۰۲۲۰۵۶۷۵۱۹ به سمت اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.
با ثبت در دفتر ثبت شرکت‌ها و به مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد:
نله‌های اداری و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد؛با ثبت این مستند تصمیات تعیین مستند مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی مسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آکهی تغییرات شرکت مهر و ماه هزاره موس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۸۰۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۱۹۰۱ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
سمت اعضا هیئت مدیره بشمر ذیل می‌باشد:
آقای فیروز سلیمی خلیق به شماره ملی ۱۳۷۸۸۲۳۲۹۱ به سمت رئیس هیات مدیره آقای محسن عدالت به شماره ملی ۱۲۶۱۴۶۱۳۱ به سمت نایب رئیس هیات مدیره آقای محمدحسین معین‌الدین به شماره ملی ۲۵۵۹۲۸۳۳۵۱ به سمت عضو هیات مدیره آقای محمدرحیم معماریان به شماره ملی ۲۲۹۹۱۲۵۵۳۲ به سمت عضو هیات مدیره آقای سیدرضا رفیعی طباطبایی به شماره ملی ۱۳۳۹۶۸۶۱۹۶ به سمت عضو هیات مدیره آقای میرحسین اترابی حسینی به شماره ملی ۵۶۸۹۲۶۹۵۳ به سمت مدیرعامل (خارج از سازمانداران) انتخاب گردیدند.
کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بورات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیات مدیره و یکی از اعضای هیات مدیره به نام همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
با ثبت این مستند تصمیات انتخاب و تعیین مستند مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین مست مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی مسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آکهی تغییرات شرکت مهر و ماه هزاره موس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۸۰۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۱۹۰۱ به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
سمت اعضا هیئت مدیره بشمر ذیل می‌باشد:
آقای فیروز سلیمی خلیق به شماره ملی ۱۳۷۸۸۲۳۲۹۱ به سمت رئیس هیات مدیره آقای محسن عدالت به شماره ملی ۱۲۶۱۴۶۱۳۱ به سمت نایب رئیس هیات مدیره آقای محمدحسین معین‌الدین به شماره ملی ۲۵۵۹۲۸۳۳۵۱ به سمت عضو هیات مدیره آقای سیدرضا رفیعی طباطبایی به شماره ملی ۱۳۳۹۶۸۶۱۹۶ به سمت عضو هیات مدیره آقای میرحسین اترابی حسینی به شماره ملی ۵۶۸۹۲۶۹۵۳ به سمت مدیرعامل (خارج از سازمانداران) انتخاب گردیدند.
کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بورات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیات مدیره و یکی از اعضای هیات مدیره به نام همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
با ثبت این مستند تصمیات انتخاب و تعیین مستند مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین مست مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی مسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

آکهی تغییرات شرکت مهر و ماه هزاره موس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۸۰۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۸۱۹۰۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۹ تصمیات ذیل اتخاذ شد:
امضاء هیئت مدیره به شرح ذیل می‌باشد:
آقای فیروز سلیمی خلیق به شماره ملی ۱۳۷۸۸۲۳۲۹۱ و آقای محسن عدالت به شماره ملی ۱۲۶۱۴۶۱۳۱ و آقای محمدحسین معین‌الدین به شماره ملی ۲۵۵۹۲۸۳۳۵۱ و آقای سیدرضا رفیعی طباطبایی به شماره ملی ۱۳۳۹۶۸۶۱۹۶ و راری مدت دو سال انتخاب گردیدند.
آقای حمید قلی‌آزاد به شماره ملی ۱۳۷۸۸۲۳۲۹۱ به سمت بازرس اصلی آقای احمد محمد خاتوله به شماره ملی ۱۳۷۶۹۲۷۰۲۹ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترانزانه حسابد و امور مالی شرکت منتهی به سال ۱۳۹۲ امور تصویب قرار گرفت.
با ثبت این مستند تصمیات تصویب ترانزانه و صورت‌های مالی انتخاب گردید.
مدیران انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترسی می‌باشد.

</

اطلاعات

آلفانسیو پالازین هشتاسان

زنهارد دورن

نادر حقانی

یوهسان آلېسرت برنهارد دورن،ایران‌شناس آلمانی، پیشگام در قوم‌شناسی و فرهنگ و زبان‌های ایرانی و صاحب آثار ارزشمند در زمینه‌های زبان و تاریخ محلی افغانستان و ایالات شمالی ایران، فهرست‌نویسی-نسخ خطی و واژه‌شناسی تطبیقی در ۱۱ مه ۱۸۵۰ در خانواده‌ای روحانی، در شورفلدٔ آلمان، متولد شد. در ۱۸۲۹ در روسیه رفت و در ۳۱ مه ۱۸۸۱ در سن پترزبورگ درگذشت.

پورت‌ترتیر در شورفلد

موطن اقوام هند و اروپایی در دهه سوم قرن نوزدهم تحقیقات شرق‌شناسان آلمانی، برای یافتن موطن اصلی اقوام هند و اروپایی، مورد توجه آکادمی علوم روسیه، که «علاقه راهبردی به ترسیم زبان‌شناختی و قوم‌شناختی مناطق مرزی امپراتوری روسیه داشت» واقع شد. این آکادمی برای تحقیق در کشف ارتباط زبانی اقوام منطقه خزر و قبایل آسیای مرکزی، توانست همکاری شرق‌شناسانی مانند فرنٔ اشمنیت، کلارنٔ و دورن را که در منابع روسی از او با نام بوریس آندروپوچ یاد می‌شود، جلب کنند. دورن که پدرش کنشینی پروستان بود، از ۱۸۲۲ در دانشگاه هاله و لایپزیگ به تحصیل الهیات و سپس زبانهای شرقی پرداخت و با زبان‌های عبری، عربی، سریانی، فارسی، ترکی، پشتو، سنسکریت و حبشی آشنا شد و در ۱۸۲۵ رساله استادی خود را تحت عنوان شرحی بر سرودهای روحانی حبشی در دانشگاه لایپزیگ عرضه کرد. در سال ۱۸۲۶ قرن که مدیر موزه آسیایی فرهنگستان علوم پترزبورگ بود، پیشنهاد کرد که تدریس رشته تازه تأسیس شده زبانهای شرقی دانشگاه خارکوف به عهده دورن گذاشته شود. نشریفات این کار مدتی وقت گرفت؛ دورن در طی این مدت به هامبورگ و لندن سفر کرد و به کار تحقیق و مطالعه نسخ خطی پرداخت.

در سال ۱۸۲۷ در مقاله‌ای با عنوان «در باب خویشاوندی زبان فارسی» نشان داد که «زبان‌های آلمانی و فارسی به دو رودخانه می‌مانند که خون یکسانی در آنها جریان دارد» و نتیجه گرفت که این دو زبان یا در اصل یک زبان‌اند، و یا هر دو از یک زبان واحد سرچشمه گرفته‌اند.

در سال ۱۸۲۹ دانشگاه خارکوف او را دعوت به همکاری کرد و او تا سال ۱۸۳۵ در این دانشگاه به کار تدریس مشغول بود. در ۱۸۳۵ به عنوان استاد تاریخ و جغرافیای آسیا به مؤسسه زبانهای شرقی پترزبورگ – وابسته به وزارت خارجه – منتقل شد و از ۱۸۳۸ تا ۱۸۴۲ علاوه بر تدریس آثار و جغرافیا، به تدریس زبان سنسکریت پرداخت و از ۱۸۵۵ تا ۱۸۵۷ نیز تدریس زبان پشتو را در این مؤسسه برعهده گرفت. این نخستین بار بود که این زبان در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد. در ۱۸۳۶ به معاونت فرهنگستان علوم پترزبورگ، و در ۱۸۴۲ به جای فرن، به مدیریت موزهٔ آسیایی این فرهنگستان و سال بعد به ریاست کتابخانهٔ سلطنتی منصوب شد.

فهرست نسخ خطی و کتابداری شرقی کتابخانهٔ سلطنتی که در ۱۸۵۲ در پترزبورگ انتشار یافت، به اهتمام او و در زمان مدیریت او در کتابخانه و موزه صورت گرفت. یوهان فوک ادعا می‌کند که تحقیقات او، هرچند وسیع بوده ولی حاصل آنها به سبب اشتغال او به کار در این مؤسسات چندان عمیق نیست.



دورن به پیروی از فرن، به تحقیق و مطالعه در سکشناسی پرداخت و کتاب «جزوات به جا ماندهٔ او را تصحیح و منتشر کرد و مقدمه‌ای در خصوص تصاویر دقیق مدرج در اثر بی‌نظیر مجموعهٔ سکه‌های ساسانی بارتولومه، به آن افزود.

دورن در فاصلهٔ سالهای ۱۸۲۷ تا ۱۸۸۱ با ترجمه، تألیف، به‌ترتیب‌نگاری و نشر آثارِ او جمله در باب قرابت ریشه‌ای زبان‌های فارسی، ژرمنی و لاتینی و یونانی، موزهٔ آسیایی آکادمی سلطنتی علوم سن-پترزبورگ و نشر جاتی لذت‌بخش در گلستان سعدی، انتخابات البهیم من الکتاب العربیه و الفارسیه و ترکیه، مشتمل بر متون مختلف دربارهٔ تاریخ طبرستان و گیلان در پیش از اسلام و بعد از آن همچنین فهرست‌نگاری آثار عربی، ترکی، تاتاری و فارسی چاپ شده در قازان از سال ۱۸۰۱ تا ۱۸۶۶، و نشر فهرست نامه‌هایی در خصوص تولید کتاب چاپ سنگی در تهران و تبریز در دورهٔ قاجار و نیز اشاراتی به ادبیات داستانی ایران از قبیل «نورافین»، «چهل طوطی» و «دزد و قاضی» علاقهٔ واف خود را به فرهنگ و زبان ایرانی نشان داد. است. تسیسکا دورن را به سبب تحقیقات جامع و مبسوطش، پایه‌گذار مطالعات علمی زبان افغانی می‌داند. نکات دستوری زبان پشتو (۱۸۴۰)، تحقیقات زبان پشتو (۱۸۴۷) و ترجمه و فرهنگ کتاب مخزن افغانی (۱۹۲۱ق) نعمت‌الله هروی، با عنوان تاریخ افغان‌ها، در دو جلد به زبان انگلیسی (لندن، ۱۸۲۹-۱۸۳۶) در زمرهٔ آثار او در این زمینه است.

وقایع تاریخی و جغرافیای انسانی

اعتقاد دورن به ارتباط بین وقایع تاریخی و زبان و جغرافیای انسانی منجر به گسترش مطالعات او دربارهٔ گویشهای ایرانی در اکثر مناطق ایران از جمله طبرستان، گیلان، کردستان و قفقاز شد. او به طور مرتب در خیرنامه‌های فرهنگستان، گزارش‌هایی دربارهٔ اقوام و قبایل ترک، عرب، فارس، افغان و ایران منتشر می‌کرد.

دورن نتایج سفر علمی به منطقهٔ قفقاز و سواحل جنوبی ایران و نیز منابع زبان‌شناختی جمع‌آوری شده را به همراه میرزامحمد شبلی در سلسله مقالاتی «در رسالهٔ تحقیقی او تحت عنوان «در باب تاریخ ایالات و اقوام قفقاز از منابع شرقی» در رسالات فرهنگستان پترزبورگ منتشر شد.

دورن مازندران در مجموعهٔ بی‌نظیر چهار جلدی، تحت عنوان «منابع اسلامی دربارهٔ تاریخ ایالات سواحل جنوبی دریای خزر» که هنوز مستر است و از جمله شاهکارهای او محسوب می‌شود، در سالهای ۱۸۵۰-۱۸۵۸ و مقالاتی «دیرازهٔ زبانهای ایرانی» را در بین سالهای ۱۸۶۰-۱۸۶۶ به چاپ رساند. او بین سالهای ۱۸۶۰-۱۸۶۱ به این مناطق سفر کرد و سفرنامهٔ خود را تحت عنوان «بحر خزر، بختی دربارن و رود روسها در طبرستان» در ۱۸۷۵ منتشر کرد.

فعالیت موزهٔ آسیایی و همچنین منابع شرقی کتابخانهٔ سلطنتی در زمان ریاست دوران افزایش یافت، و به رغم فعالیت‌های مدیریتی، به دلیل دانش گسترده و درک جامع وقایع تاریخی، جغرافیای زبان و فرهنگ اقوام منطقه قفقاز و شمال ایران، به مدت پنجاه سال مشاوره و راهنمایی دانشمندان و سیاحان روسی را در جمع‌آوری منابع شرقی و مجموعه‌های خصوصی به عهده داشت و توانست نسخ خطی فارسی موجود در موزه آسیایی را سه برابر افزایش دهد، تنظیم نسخ خطی و منابع پشتو و کردی را پایه‌گذاری کند، با مطالعات عمیق و وسیع خود در حوزه‌های مزبور و نشرش آنها، فرهنگستان علوم روسیه را به مرکز مهم تحقیقات «آکادمیک» تبدیل کند و پایه‌گذار مطالعات قوم‌شناسی و زبان محلی مناطق شمالی ایران در روسیه و اروپا شود.

پی‌نوشت‌ها.

- Johann Albert Bernhard Don
- Shehrukh Klaproth
- Christian Martin Frahn
- Boris Anderevich

* دانشنامه زبان و ادب فارسی (با تلخیص)

تفاوت ایران‌شناسی ژاپن با دیگر کشورها

ایران‌شناسی ژاپن پیشتر تاره و شیوه اروپایی، به‌خصوص بریتانیایی، را دنبال گرفته است. ژاپنی‌ها در مجامع و مایه‌ها و شیوه‌های آن را تا می‌توانستند از انگلستان گرفتند و هنوز هم در جلوه‌های مادی تجدد مانند کشتی‌سازی و هواپیماسازی، نمونه کار آنها ساخته‌ای انگلیس و امریکاست، و در کار ارتباطات جمعی و رسانه‌ها هم نمونه بریتانیایی را دنبال می‌کنند. انگلیس با اینکه قرن نوزدهم و آغاز کار تجدد ژاپن، در نگهداشتن امتیازهای سیاسی و ادامه محدودیت‌های اقتصادی (مانند حق برون‌مرزی یا قضاوت کنسولی و محدود بودن گمرک کالا۱ واردشده به ژاپن به ۵درصد که قدرت‌های غربی در میانه قرن نوزده به ژاپن تحمیل کرده بودند) بیش از دیگر دولت‌های استعمارگر سخت گرفت، فناوری صنعتی را با دست و دلبازی در اختیار ژاپنی‌ها نهاد و جوانان بااستعداد این ملت صاحب فرست و ششگوش را با علم جدید آشنا و آموخته کرد.

با این‌س زمینه و مقدمه، ژاپنی‌ها در شرق‌شناسی هم بیشتر از انگلیسی‌ها و دیگر اروپاییان آموختند. البته در سالهای پس از جنگ جهانی دوم به موجدات سیاسی و نیز با پیشرفت شگرهای امریکا در همه

عرضه‌ها به این سسز نیز گرایش نشان دادند. چنین است که شیوه و سلیقه کار ایران‌شناسی هم امروزه در ژاپن تلفیقی از سبک اروپایی و ژاپنی است. برای نمونه، ایران‌پژوهان از اسلوب پیشگامان اروپایی، مانند اودور براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲) انگلیسی الگو گرفته، اما کوشیده‌اند که شیوه آنها را با خلیقات و نگرش‌های خود نزدیک کنند.

ژاپنی‌ها هر اندازه هم که به تجدد دلبسته باشند، یباز نمی‌توانند خلیقات خود را کنار بگذارند، و یک علت پیشرفت ژاپن هم همین نکته است. ژاپنی‌ها در ایران در زمینه‌های باستان‌شناسی و مطالعات اجتماعی موفق بوده‌اند. برای نمونه، فکر می‌کنم که بهترین تکنگاری روستایی ایران را **پروفسور اونو** (۲۰۰۱-۱۹۲۵) که رئیس مرکز مطالعات خاوری دانشگاه توکیو بود، نوشته است (کتاب بیست و پنج سال با روستایان ایران، که ترجمه فارسی آن با عنوان خیرآبادنه منتشر شده است. چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶). او در دهه ۴۰ به ایران آمد و روستایی به نام خیرآباد نزدیک مرودشت را انتخاب نمود و سالها درمورد کشاورزی و خلیقات مردم این روستا تحقیق کرد. در آن ایم باستان‌شناسان ژاپنی در آنجا که نزدیک تخت‌جمشید است، همکاری داشتند و وی که با پروفسور اکامی رئیس این هیأت باستان‌شناسی دوست بود، این روستا را برای کار خود مناسب‌تر یافت.

سفرنامه نویسان: نخستین ایران‌پژوهان ژاپنی
شاید بتوان گفت که اولین بار دو عضو مقام‌دار هیاتی که در سال ۱۸۸۰م/۱۳۳۷ق از سوی دولت ژاپن به ایران آمدند، به این کار پرداختند و شرحی هرچند کوتاه در سفرنامه‌هاشان آوردند. این دو، یکی یوشیدو ماساهارو (۱۹۲۱-۱۸۵۲) عضو وزارت‌خارجه و رئیس این هیأت سفارت و دیگری فوروکاوا نیوبیوشی (۱۹۲۱-۱۸۴۹) عضو لشکری این سفارت، هرکدام سفرنامه مفصلی نوشته‌اند که در آن به ادبیات فارسی اشاره دارند. بعدها مسافران دیگری که از ژاپن به ایران آمدند، به‌خصوص در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تجربه‌های تازه‌ای پیدا کردند و جزئیات بیشتری نوشتند.

با نزدیک شدن جنگ با روس (۱۹۰۵-۱۹۰۴)، ژاپن علاقه و توجه بیشتری به ایران نشان می‌داد و مسافران بیشتری از سرزمین آفتاب به اینجا می‌آمدند که شماری از آنها در جامه جهانگرد و راهب بودایی و خبرنگار

چون ژاپن‌دانی در ایران عصر ناصرى نبود که یادداشت‌های منتشرشده را به فارسى درآورَد، ژاپنی‌ها در تحریر مطالب و انتشار سفرنامه‌ها محافطه‌کارى و ملاحظه‌ای نداشتند؛ حال آنکه بسیاری از سفرنامه‌های اروپایی اندک‌زمانی پس از انتشار، به فارسى درمى آمد و به نظر شاه قاجار می‌نرسید.

روزنامه بودند، اما پیداست که همه می‌خواستند شناخت بیشتری برای ژاپن از ایران، همسایه جنوبی روسیه در دیگر سوی آسیا پیدا کنند؛ زیرا که زمامداران و دست اندرکاران سیاست می‌دانستند که دیر یا زود با همسایه شمالی درگیر خواهند شد (روسیه برای ژاپن نیز همسایه شمالی است، و یک سلسله جزیره‌های نزدیک بهم در امتداد شرق سبیری تا شمال ژاپن آنها را به پیوسته است).

صراحت‌لهجه در سفرنامه‌نگاری

استاد اوکاراکی شسوکو (۱۹۳۵-) در مقاله‌ای به ژاپنی ایریومون سفر یوشیدا و همراهانش در مجموعه دنیای اسلام نوشته است: «سفر یوشیدا بسیار دشوار بود. این نخستین سفارت ژاپن به دربار قاجار بود. ژاپنی‌ها فرهنگ ایران را نمی‌شناختند. ایران برای آنها سراسر شگفتی بود. یوشیدا تجربه سفر خود را با صداقت به قلم آورده، هرچند که از سسر ناآشنایی اشتباهاتی هم کرده است. هیچ ایرانی نمی‌توانست این کتاب را (که به ژاپنی است) بخواند. پس یوشیدا آسوده‌خاطر بود و او تجربه خود را با وسعت نظر به سخن آورده است. در مقایسه با نوشته‌های مسافران غربی درباره ایران، یادداشت‌های یوشیدا ارزش بیشتری دارد».

یک ویژگی سفرنامه‌های ژاپنی این است که چون در آن سالها اهل تحقیق ژاپنی‌دان در ایران نبوده‌اند که یادداشت‌های منتشرشده را به فارسی آورند، و

دسترسی ایرانیان به محتوای این نوشته‌ها دور از ذهن می‌نموده است، در تحریر یادداشت‌ها و تنظیم و انتشار آن محافطه‌کاری و ملاحظه‌ای نداشته‌اند؛ حال آنکه شمار بسیاری از سفرنامه‌های اروپاییان اندک زمانی پس از انتشار آن در دوره ناصرالدین‌شاه در جلوه‌های ادب دستگاه انطباعات ناصری به فارسی درمی‌آمده و به نظر شاه می‌رسیده است.

یوشیدا و مسافران پس از او

یوشیدا ماساهارو (۱۹۲۱-۱۸۵۲) عضو وزارت خارجه و رئیس نخستین هیأت سفارت ژاپن به دربار ناصرالدین‌شاه که در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق به ایران آمد و صد روز در تهران گذراند، پیوست روزنامه سفرش شرحی درباره تاریخ ایران، وضع حکومت آن، زندگی، آداب، فرهنگ و نمود و جلوه‌های زندگی مردم و اخلاق فردی و اجتماعی آنها مانند دین، خرافات، جشنها و مراسم عزا و عروسی به دست داده است. سفرنامه او یوشیدا با عنوان کایکیو تانکن پرویشیو-تایی (ماجراها در نواحی مسلمان‌نشین: سفر ایران) در سال ۱۸۹۴ در

ایران شناسی

(۱۹۲۴-۱۸۷۲؛ نام قلمی‌اش: کاکو) را در دست داریم که بخشی از کتاب سفرنامه‌های او با عنوان «چهل‌هزار فرسنگ از شمال به جنوب جهان» است. او در سال ۱۹۱۰/۱۳۲۸ ق به ایران آمد و سفرنامه‌اش ویراسته‌ای از گزارش‌هایی است که گهگاه در میان سفر برای مدیر روزنامه ملت (کوکومین) به توکیو می‌فرستاد. او نوشته است: «جیش انقلابی حراست از مشروطه که در میانه تابستان سال ۱۹۰۹ به پیروزی رسید (شکست و فرار محمدعلی شاه) مهمترین رویداد برای شناختن احوال کنونی ایران است.»

پس از سفر هیأتی حقیقت‌یاب از سوی وزارت خارجه ژاپن به تهران در سال ۱۹۲۳ و آمدن نمایندگان دیگر در این دهه، با ایجاد مناسبات رسمی میان ایران و ژاپن با مأموریت کاساما آکینو در مقام نخستین وزیرمختار ژاپن در تهران به سال ۱۹۲۹ و ایجاد نمایندگی دیپلماتیک ایران در توکیو، مناسبات این دو کشور وارد مرحله تازه‌ای شد و چند شرکت تجاری تولیدی ژاپن هم دفاتر خود را در تهران گشودند و شمار ژاپنی‌های مقیم ایران رو به فزونی رفت.

ایران‌پژوهی ژاپنی‌ها

دکتر هاشم رجب‌زاده



توکیو منتشر شد. فوکوشیما (۱۹۱۹-۱۸۵۲) که میان سفر دور و دراز خود در قفقاز و ترکستان در سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۸۹۷ دو بار در تابستان و پاییز ۱۸۹۶م (۱۲۱۳ و ۱۲۱۴ق) به ایران آمد، مردی هوشمند، کنجشکن، متشخص و خوش معاشرت بود و با آنکه بر روی هم بیش از چند هفته در ایران نگذراند، شرحی بسیار دقیق و جزه‌نگر از احوال ایران در ماههای خطیر تغییر سلطنت (کشته شدن ناصرالدین شاه و برنشتن ناصرالدین شاه) و احوال مردم و اطوار بزرگان حکومت و اعیان دولت و آشفتگی کار اداره مملکت به قلم آورده است. یونگا توکیوچی (۱۹۳۶-۱۸۶۲) مردی دانشگاهی و اهل تحقیق که از سوی حکومت ژاپنی جزیره تایوان برای بررسی وضع تولید و تجارت تریاک در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۷ق به ایران آمد، وصفی خواندنی درباره جغرافیای ایران، وضع حکومت و رجال آن، شهرها و مناظر ایران و بسیاری دانستی‌های دیگر دارد. گزارش سفر کویتا‌شیر (۱۸۹۴-۱۸۷۲) که در سال ۱۹۰۱ برای دنبال‌گرفتن کار تحقیق یونگا به ایران آمد، تکه‌ملی است بر سفرنامه این یک، هرچند که گزارش کویتا فقط به مقوله تولید و تجارت تریاک و مطالب مرتبط با آن پرداخته است.

اینوه ماساجی (۱۹۲۷-۱۸۷۶) جوان هوشمند و جستجوگر ژاپنی که در سال ۱۹۰۰/۱۳۲۰ در فرصت تعطیل تابستانی دانشگاه محل تحصیل خود در اروپا سفری تندلگر به براوو (ماوراءالنهر) و ایران و قفقاز و فقط پنج روز در تهران بود، یکی از دقیق‌ترین شرح‌ها را درباره حکومت، اقتصاد، مالیه، قشون، بازرگانی و سیاست خارجی ایران به دست داده و وصف بسیار دقیق‌تری از وضع ایالات ساحلی دریای خزر – مسیر سفرش به تهران – به قلم آورده که با توجه به جوانایی او، شگفتی‌برانگیز است.

او ژاپنی دیگر دیدارکننده از ایران در دهه ۱۹۰۰ نیز مسفرنامه نوشته‌اند. یکی تاکامورا ناتوکیچی (۱۹۳۲-۱۸۶۵) که او هم در سال ۱۹۰۲/۱۳۲۱ ق به ایران آمد؛ و دیگری سوزوکی شین‌جو (۱۹۵۷-۱۸۷۳) راهبی بودایی که در سالهای ۱۹۰۶-۱۹۰۵/۱۳۲۳ ق به کشور ما سفر کرد.

پس از آن سفرنامه ایران اوبسا کاهه‌اکی

قرون میانه بسیاری نویسندگان و سایندگان نامور در ایران برآمده‌اند. در عصر جدید شمار اینان اندک بوده است… سعدی بسیار پرآوازه است، و ترجمه آثار او در اروپا خواستار و خواننده فراوان دارد… به طور کلی، در آسیای میانه و بخشهایی از عربستان و غرب شبه‌قاره هند مردم به فارسی سخن می‌گویند. فارسی در این سرزمین‌ها، زبان اشراف و اعیان و بزرگان بوده است. فارسی در غرب آسیا مانند زبان فرانسه در فرنگ بود… در آسیای میانه و بخشهایی از عربستان و غرب هند هم هر شاه و امیر و رئیس قبیله‌ای به فارسی سخن می‌گفت، و فارسی ندانستن و ناتوانی در سخن گفتن به فارسی برای این بزرگان مایه شرم و خواری بود… ایرانی‌ها همیشه قلمدان و مهر با خود داشتند.» (سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه هاشم رجب‌زاده، بهنشر، ۱۳۷۳)

سیمای ناصری

فوروکاوا عضو نظامی هیأت سفارت یوشیدا به دربار ناصرالدین‌شاه (۱۸۸۰م-۱۲۹۷ق) در بخش یکم سفرنامه پرمحتوایش، گذشته از دقیق مربوط به نظام حکومتی و تأسیسات عمومی و زندگی اجتماعی و آداب و رسوم مردم، به طور کلی هرآنچه دیده، یافته و شنیده، شرح داده است. وصف او از ناصرالدین‌شاه نمودار تفاوت حال و کردار شاه شهید با میجی امپراتور پرآوازه ژاپن است: «یک بار که ناصرالدین‌شاه را دیدم، هنگامی بود که از کاخ تابستانی خود در دامنه البرز بازمی‌گشت. فراشان در پیش من موکب شاه می‌رفتند. شاه لباس رسمی پوشیده بود و چند تن از ملازمانش سواره همراه بودند. چند صاحب‌منصب سوار با لباس نظام در جلو می‌رفتند و چند سیاول سوار، مشمشیر برهنه در دست، در چپ و راست شاه می‌راندند و یکی هم با گرزهای که سسر نقره‌ای آن می‌درخشید، آماده بود. شاه در میان این موکب ملازمان و قربانان سوار سب می‌گذراند و به اخذ مظاهر تمدن می‌بالد؛ اما آن تهران که با بیرون می‌گذاریم، همه جا بیابان برهنه است و اگر هم اراضی زیر کشت در گوشه و کنار باشد، درآتش کز خانه محقر با زیر پرده زندگی می‌کنند و برای کشت به امر معاش خود مد نگاه می‌دارند. پستخانه و خط تلگراف ساخته‌اند، اما رفاصلی نکرده‌اند و چایارخانه‌ها وضع سامانی ندارند… قمار مملکت را به دست بیگانگان سپرده‌اند… و همچنان پایتد رسوم کهنه مانده‌اند… اگر در ایران کورش هم باز زنده شسود، در برابر امروزه هشیار و پیشرفت کار بر او دشوار خواهد بود. در اروپا اروپاییان بسیاری درست و حساب شده کار می‌کنند.» (سفرنامه فوروکاوا، ترجمه هاشم رجب‌زاده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۲۴۴-۲۴۶)

این سخن فوروکاواست. می‌دانیم که ناصرالدین‌شاه در دیدار با هیأت سفارت ژاپن پرسشهایی به‌جا و دقیق از آنها کرد. شرح مفصل پرسش و پاسخ‌ها را فوروکاوا و یوشیدا در سفرنامه‌شان آورده‌اند. شاه از آنها درباره نظام حکومتی و قشون چین و ژاپن پرسید و درباره مسیر و مدت سفرشان، نیز از چند و چون ایجاد شبکه راه‌آهن در ژاپن، و سرانجام هم ابراز امیدواری کرد که «طرح خوبی برای پیشرفت و ترقی ایران و

خود نوشته است: «تعالیم رایج در ایران فقط محدود به بخشی از علوم اساسی در زندگی، و مدرسه تازه‌بنیاد آموزش علم جدید بسیار کم است. درها پیشتر درباره احکام شریعت است. ناموزلانی که در مدارس ولایات و دهات تحصیل می‌کنند، فقط زبان فارسی و عربی می‌مطالَب و بهترین فایده تحصیل را اسود قسران خواندن می‌دانند. برای هزینه مکتب در دهات، اولیای شاسگرد سهمی از حاصل کشت به مکتب‌دار می‌دهند. این ترتیب مشابه آن است که در «اکوایا» (مکتب‌خانه‌های ژاپن) معمول است.» فوروکاوا در پی این مقدمه، شرحی درباره مدرسه دارالفنون و رشته‌های درسی و شیوه آموزش در آن، معلم اتریشی موسیقی دارالفنون، مشق نظامی شاسگردان آن، درس ادبیات در مدرسه نظام، سهولت پذیرفته شدن به دارالفنون، پیش‌رفتن هر کار با دادن پیشکش و بی‌قدری علم و فرهنگ یاد کرده و شرحی درباره ضرورت و اولویت رشد فرهنگی برای ایران افشاده است.

وصف فوروکاوا از زبان و ادب پارسی

درباره‌ای ایران و عثمانی، شـرح این سفر و یافته‌های خود را در کتابی با عنوان پروشیا کیکو یا یادداشت‌های سفر ایران در سال ۱۸۹۰ در توکیو انتشار داد. این یادداشت‌ها تصویری از نگاه ژاپن به ایران در آن سالها و نیز آگاهی‌های ارزنده از ایران دوره قاجار به دست می‌دهد. بخشی از محتوای این سفرنامه و نوشته‌های دیگر مسافران ژاپنی، مطالب و حقایقی است که در سفرنامه‌های پرشماردی که اروپاییان در چند دهه پایانی سده نوزده میلادی درباره ایران نوشته‌اند، نمی‌توان یافت. فوروکاوا در مقدمه فصلی درباره ادبیات در سفرنامه خود نوشته است: «تعالیم رایج در ایران فقط محدود به بخشی از علوم اساسی در زندگی، و مدرسه تازه‌بنیاد آموزش علم جدید بسیار کم است. درها پیشتر درباره احکام شریعت است. ناموزلانی که در مدارس ولایات و دهات تحصیل می‌کنند، فقط زبان فارسی و عربی می‌مطالَب و بهترین فایده تحصیل را اسود قسران خواندن می‌دانند. برای هزینه مکتب در دهات، اولیای شاسگرد سهمی از حاصل کشت به مکتب‌دار می‌دهند. این ترتیب مشابه آن است که در «اکوایا» (مکتب‌خانه‌های ژاپن) معمول است.» فوروکاوا در پی این مقدمه، شرحی درباره مدرسه دارالفنون و رشته‌های درسی و شیوه آموزش در آن، معلم اتریشی موسیقی دارالفنون، مشق نظامی شاسگردان آن، درس ادبیات در مدرسه نظام، سهولت پذیرفته شدن به دارالفنون، پیش‌رفتن هر کار با دادن پیشکش و بی‌قدری علم و فرهنگ یاد کرده و شرحی درباره ضرورت و اولویت رشد فرهنگی برای ایران افشاده است.

شرح یوشیدا ماساهارو
یوشیدا ماساهارو عضو وزارت خارجه و رئیس نخستین هیأت سفارت ژاپن به دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۸۸۱/۱۲۹۷ق به ایران آمد و صد روز در تهران گذراند، پس از نوشتن روزنامه سفرش شرحی نیز درباره احوال ایران، تاریخ و فرهنگ آن، وضع حکومت، زندگی مردم و تعالیم اسلام انجام داد و جلوه‌های حیات فردی و اجتماعی مانند طب، خرافات، جشنها، مراسم عروسی و عزا به دست داده و در معرفی زبان و ادب پارسی نوشته است: «در روزگار باستان و در

شاگردی کرده. سپس به محضر عارف نامی، شیخ علاءالدوله سنائی و بعدا عارف ساکن خراسان، خواجه عبدالغنی هبه‌الله حموی در جوبن رفت و نهایتا در سیواراقت کرد که از دیرباز مأمن شیعیان بود و در آنجا به تعلیم و تربیت مشغول شد و افراد زیادی در اطرافش گرد آمدند و مریش شدند.

نهضت سربداران

او علاوه بر وعظ و ارشاد، به مشکلات اجتماعی جامعه می‌پرداخت و مردم را علیه ظلم و ستم و عاملان جور و پیداد و بی‌انگهی و به برپایی عدل و عدالت تشویق می‌کرد و همین، صاحبان قدرت را به وحشت انداخت تا از عالمان درباری فتوایی بگیرند که چون او در مسندج حدیث دنیا می‌گوید، واجب‌القتل است! او را در سال ۱۳۱۶ ق کشتند؛ اما پادشاه به‌روژه یکی از شاگردانش به نام شیخ حسن جوری (متوفای حدود ۱۳۴۶) دست از مبارزه علیه مغولان و عمالشان نکشید و نهضت سربداران کرد. حمله همین تفلوات مشرب، بی‌حجابی شیخ خلیفه از شیخ بالو شد که زندگی راه‌انسانش در گوشه‌س عزلت و اعتکاف می‌گذشت و ملازمت مسائل زمان و امور جاری بود دور.

یوشیدا ماساهارو، عضو وزارت خارجه و رئیس نخستین هیأت سفارت ژاپن به دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۸۸۱/۱۲۹۷ق به ایران آمد و صد روز در تهران گذراند، پس از نوشتن روزنامه سفرش شرحی نیز درباره احوال ایران، تاریخ و فرهنگ آن، وضع حکومت، زندگی مردم و تعالیم اسلام انجام داد و جلوه‌های حیات فردی و اجتماعی مانند طب، خرافات، جشنها، مراسم عروسی و عزا به دست داده و در معرفی زبان و ادب پارسی نوشته است: «در روزگار باستان و در شاگردی کرده. سپس به محضر عارف نامی، شیخ علاءالدوله سنائی و بعدا عارف ساکن خراسان، خواجه عبدالغنی هبه‌الله حموی در جوبن رفت و نهایتا در سیواراقت کرد که از دیرباز مأمن شیعیان بود و در آنجا به تعلیم و تربیت مشغول شد و افراد زیادی در اطرافش گرد آمدند و مریش شدند.

نهضت سربداران
یوشیدا ماساهارو، عضو وزارت خارجه و رئیس نخستین هیأت سفارت ژاپن به دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۸۸۱/۱۲۹۷ق به ایران آمد و صد روز در تهران گذراند، پس از نوشتن روزنامه سفرش شرحی نیز درباره احوال ایران، تاریخ و فرهنگ آن، وضع حکومت، زندگی مردم و تعالیم اسلام انجام داد و جلوه‌های حیات فردی و اجتماعی مانند طب، خرافات، جشنها، مراسم عروسی و عزا به دست داده و در معرفی زبان و ادب پارسی نوشته است: «در روزگار باستان و در

یوشیدا ماساهارو، عضو وزارت خارجه و رئیس نخستین هیأت سفارت ژاپن به دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۸۸۱/۱۲۹۷ق به ایران آمد و صد روز در تهران گذراند، پس از نوشتن روزنامه سفرش شرحی نیز درباره احوال ایران، تاریخ و فرهنگ آن، وضع حکومت، زندگی مردم و تعالیم اسلام انجام داد و جلوه‌های حیات فردی و اجتماعی مانند طب، خرافات، جشنها، مراسم عروسی و عزا به دست داده و در معرفی زبان و ادب پارسی نوشته است: «در روزگار باستان و در

چهارشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۵ - ۷نوی‌اللقده ۱۴۳۷ - ۱۰اگوست ۲۰۱۶ - سال نوویکم - شماره ۲۶۵۰۸

نیک و بد

با هیچ کس و به هیچ آیین پیمان شکنی مکن تا آسیب

به تو نرسد. خودپسند باش؛ زیرا انسان چون مشک پر

باد است و اگر بادش برود، چیزی نماند. هر کس که برای

دیگران چاه کند، خود در آن افتد.

دست از دزدی و کاهلی و هوا و هوس بردار؛ زیرا هر که نیکی کند، پادشای نیک یابد و هر که بدکار گشت، به سزای سخت خواهد رسید. مرد پارسا در آسایش ماند و بدکار همیشه گرفتار اندوه است.

اندروز آذرباد مهراسپندان

دردی



زبان پارسی دریا بسود، اما چه دریای؟

که در هوسوج دارد زرف دریای گهرزایی

چنان گسترده خوان معرفت در عرصهٔ گیتی

که گشت روزگارانش نشارد ییاد همنایی

برسی دانشوران پرورده در آغوش و دامانش

چه در شیراز و غزنی، چه در مرو و بخارایی

گهی قند از سمرقند آورد پور سمرقندش

که اسفزد حکیم توس، کاخ آسمان‌سای

گه آرد از هریوا عالم افزوی چسو انصاری

گهی از مهنه خیزد عارف معروف دانایی

نریزد در دریای دری را پور بنگانش

به پای خوک‌خوان یزسون بی سر و پای

گهی گنج سخن را گنجوی نظم و غنا بنخشد

گهی خسرو و دهلوی سر دهد فرخنده آوایی

گهی چون بیهیسی از بییق آید نامور مردی

گهی بلخ گزینش عرضه دارد پور سبنایی

ز خیام است برپا خیمه‌گار رندی و مستی

بسد قاف‌باغبین را منطق طیار، عنقایی

محو مُلک سنایی را به جابلقا و جابلسای

فرا تر از جهان، ملک سنایی راست پهنایی

چنان غوغا ز نای مولوی افتاد در گیتی

که گیتی یاد نارد این چنین پرشور غوغایی

ز مسعود حصار نای‌شد خون سخن رنگین

نه از فرمانروای ناکس و مغرور و کزرای

گلستان گوهر افشانی کند ملک فضیلت را

نه در امروز و فردایی، که در روز و هر جایی

خیال‌انگیز کلک و طبع چو ن آب روان باد

که حافظ‌وار بنگشاید نقاب از روی زیبایی

ز صائب افتخار اسفزد تبریز و صفاهان را

عظیم‌آباد را باشند ز پیدل فخر والایی

به کابل رو که بینی بی‌خلل خوان خلیلی را

به لاهور آ که اقبالست دهد جام مصفایی

« از او به عنوان بن‌بست شکن در این عرصه نام می‌بردند. وی پایه‌گذار سازمان رزم سپاه بود. او بیناگذار تفکر انقلابی جنگ بود که به‌جای تکیه بر تجهیزات نظامی، بر ایمان، فرهنگ علوی و عاشورایی تکیه کرد و فکر و اندیشه را مبنای شکست بن‌بست‌های جنگ قرار داد. حسن باقری ادبیات جنگ را تغییر داد…»

جملات بالا بخشی از گفته‌های شهید حسن باقری (غلامحسین افشردی) است. این شهید خبرنگاری بود که نابغه اطلاعاتی در دوران جنگ عراق علیه ایران تبدیل شد. فرا رسیدن ۱۷ مردادماه روزخبرنگار، موروی داریم بر زندگی این فرمانده شهید.

حسن باقری در ۲۵ اسفندماه ۱۳۳۴، همزمان با سوم شعبان، میلاد امام حسین(ع) در تهران به دنیا آمد و در ۹ بهمن ۱۳۶۱سن بیست و شش سالگی در خوزستان و در منطقه فکه به شهادت رسید و قطعه ۲ گلزار شهدای بهشت زهرا تهران جایگاه شد او شد.

او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری اسام خمینی(ره) در فعالیت‌های انقلاب نقش مؤثری داشت. در سال ۱۳۵۸وی فعالیت خود را در سرویس فرهنگی و سیاسی روزنامه جمهوری اسلامی آغاز کرد و نخستین خبرنگاری بود که به الجزای اعزام شد.

پس از آن بنا به دعوت سازمان امل، از طرف این روزنامه، سفر ۱۵ روزه‌ای به لبنان و اردن انجام داد و طی این سفر، گزارش تحلیلی جامعی از اوضاع نا به‌سامان مسلمانان در آن منطقه تهیه کرد.

در خردادماه سال ۱۳۵۸، دیلم ادبی گرفت و در استان ورودی دانشگاه‌ها شرکت کرد و با رتبه ۱۰۴ در رشته حقوق قضایی وارد دانشگاه تهران شد. نام او غلام‌حسین افشردی بود که با آغاز فعالیتش در اطلاعات سپاه، نام مستعار حسن باقری را برای خود برگزید. وظیفه او در اطلاعات سپاه شناسایی گروه‌ها بود.با شروع جنگ تحمیلی عراق، در روز اول مهرماه ۱۳۵۸، راهی جبهه‌های جنوب در خوزستان شد و با استفاده از همه امکانات به جمع‌آوری اطلاعات، نقشه‌های عملیاتی و شناسایی دقیق محوره‌های عملیات پرداخت و این اسناد را به گزارش‌های سازمان‌رفته تبدیل کرد.

وی با بهره گیری از اطلاعات کامل و عملیات، کادرسازی و تربیت فرماندهان تأثیرگذار و کارآمد نقش اساسی ایفا کرد. او همچنین با ابتکار نظریه ای جدید دربره جنگ و راههای تقابل با متجاوزان، توانست استراتژی جنگ را تغییر دهد و با تسلط بر زمین تیرد دشمن و درک سریع توانایی آنان و همچنین شناسخت استعداد نیروهای خودی، راه مقابله را بازپایند. نظریه او مبنی بر ورود نیروهای مردمی به صحنه جنگ به برداشتن گام‌های بزرگی برای آزادسازی مناطق اشغالی انجامید.

حسن باقری جنگ را فرصتی مغتنم برای رشد استعدادهای می دانست، چندان که خود هم در این باره چنین نگاشسته است: «این جنگ فرصت‌های طلایی بسیاری را جهت رشد استعدادها به ما داده است. نیروهای ما با توجه به بعد انقلابی‌ای که دارند و چشم و گوش بسته تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند، می‌توانند از قالب‌های

آگهی تغییرات
شرکت بین‌المللی تجارت الوندسهای خاص به شماره ثبت ۱۹۶۴۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۸۳۲۸
به استناد صورتحساب مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۹/۱۵/۱۳۹۴و تصمیات ذیل اتخاذ شد:
آقای حامد واحدی دارنده کد ملی شنماره ۰۰۵۵۱۲۹۵۹۶ به سمت رئیس هیئت‌مدیره
شـرکت جمیع پرتوصنت گامرون (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۸۵۵ به نمایندندگی آقای قادر نبوی عملداری دارنده کدملی ۰۵۵۵۹۴۵۴ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره
شـرکت پترو صنعت گوانان شیمی (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۶۸۹۴۷ به نمایندندگی آقای جواد پاک‌زاد به کدملی شنماره ۱۰۱۰۱۶۲۵۴۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره
آقای سید حمید واحدی دارنده کدملی شنماره ۰۰۳۶۶۰۰۵۷۱ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره برای مدت ۳ سال انتخاب گردیدند و کلیه اوراق استاد بهادار و تعهدا شرکت از قبل سفته، بروات، قراردادهاد و اسنادی اسلامی با امضای مشترک دو نفر از اعضای هیئت‌مدیره و یا یک نفر از اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت و مکاتبات و اوراق عادی و امضای مدیرعامل و یا یکی از اعضای هیئت‌مدیره و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
سمت هیئت‌مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۳۳۰۰۵۴۴۵-۳۳۰۶۷۲۷

آگهی تغییرات
شرکت مهندسی رستافان ارتباط سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۸۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۱۷۱۹۸
به استناد صورتحساب هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۸ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۳۳۰۰۵۴۴۴-۳۳۰۸۳۳۵

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۸ تصمیات ذیل اتخاذشد:
حجیبهاله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، مسعود کیوان‌فر با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، آقای علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۰۰۳۰۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره و نایب رئیس هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۸ تصمیات ذیل اتخاذشد:
حجیبهاله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، مسعود کیوان‌فر با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، آقای علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۰۰۳۰۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره و نایب رئیس هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۳۳۰۰۵۴۴۴-۳۳۰۸۳۳۵

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۸ تصمیات ذیل اتخاذشد:
حجیبهاله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، مسعود کیوان‌فر با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، آقای علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۰۰۳۰۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره و نایب رئیس هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۳۳۰۰۵۴۴۴-۳۳۰۸۳۳۵

خبرنگار جوانی که اطلاعات عملیات سپاه را بنیان گذاشت



شهید باقری از سمت چپ نفر دوم

خاطره ۳فرمانده

سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شخصیتی است که به خاطر حضور فعال در جبهه‌های تیرد به ویژه در مقابله با تکفیری‌ها و داعش مورد توجه قرار گرفته است. وی در خاطره ای کوتاه که در کتاب «حاج قاسم» به چاپ رسیده است، به بیان ویژگی شهید باقری پرداخته است.این خاطره ماندگار را می‌خوانیم: چند نفر در جمع ما بودند که نقش مربی داشتند. نه مربی به معنای مربی نظامی که آموزش نظامی می‌دهند، نه مربی جامع‌تر از این حرف‌ها، و بدون اینها در هر جلسه‌ای که اینها نبودند، نقص بود و وقتی که بعضی‌هاشان شهید شدند، این نقص تا آخر جنگ باقی ماند. این سه نفر که نقش مربی را داشتند، «حسن باقری»، «حسین خرازی» و «احمد کاظمی» بودند. اگر همه ما می‌توانستیم در جنگ حرف می‌زدیم، تصمیم‌گیری می‌کردیم، سکوت هر یک از این سه نفر، حتماً امکان تصمیم‌گیری را مشکل می‌کرد، حرف آخر را می‌زدند. اگر مخالفت می‌کردند با عملیاتی، حتماً یک مسئله و دلیل داشت و اگر اصرار می‌کردند، همین‌طور بود. ما در ۱۰ عملیات بزرگ جنگ، یعنی عملیات ثامن‌الامنه، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، بدر، خیبر، والفجر ۱، والفجر ۲، کربلای ۵، والفجر ۸، و عملیات بزرگ جنگ، شش عملیات ناجی محورش انجام داد. در ثامن‌الامنه ایستاد تا دشمن آبادان را نگیرد. برای شکست محاصره آبادان، احمد و حسین دو محور اصلی و اساسی بودند.

تغییرات لحظه به لحظه آن، در شکل‌گیری سازمان رزم، برآورد اطلاعات و تهیه طرح عملیات، کادرسازی و تربیت فرماندهان تأثیرگذار و کارآمد نقش اساسی ایفا کرد. او همچنین با ابتکار نظریه ای جدید دربره جنگ و راههای تقابل با متجاوزان، توانست استراتژی جنگ را تغییر دهد و با تسلط بر زمین تیرد دشمن و درک سریع توانایی آنان و همچنین شناسخت استعداد نیروهای خودی، راه مقابله را بازپایند. نظریه او مبنی بر ورود نیروهای مردمی به صحنه جنگ به برداشتن گام‌های بزرگی برای آزادسازی مناطق اشغالی انجامید.

حسن باقری جنگ را فرصتی مغتنم برای رشد استعدادهای می دانست، چندان که خود هم در این باره چنین نگاشته است: «این جنگ فرصت‌های طلایی بسیاری را جهت رشد استعدادها به ما داده است. نیروهای ما با توجه به بعد انقلابی‌ای که دارند و چشم و گوش بسته تابع قانون‌های از خارج آمده نیستند، می‌توانند از قالب‌های

آگهی تغییرات
شرکت کشتیرانی ایران جمهوری اسلامی ایران عام به شماره ثبت ۱۱۶۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۲۹۰۱۱
به استناد صورتحساب مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۱۹ و مجوز شنماره ۰۳۲۴۲۹۴/۹۴ مورخ ۹۴/۱۱/۱۹ سازمان بنادر و کشتیرانی تصمیات ذیل اتخاذ شد:
آقای محمد سعیدی با کد ملی شنماره ۰۵۳۲۹۴۱۷ به‌عنوان نماینده شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۴۴۸۹۶
به‌سمت مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره آقا علی قنبری با کد ملی شنماره ۰۵۵۵۸۰۵۷۲۰ به‌عنوان نماینده شرکت مادر تخصصی بازگانی دولتی ایران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶ به سمت رئیس هیئت‌مدیره آقای محمدعلی یزدان‌جو با کدملی شنماره ۱۲۶۲۶۳۰۵۶۸ به‌عنوان نماینده صندوق بازنشتنگی کشوری به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۲۰۵۴۲ به سمت عضو هیئت‌مدیره آقای علی یوسفپور با کدملی شنماره ۶۴۸۹۳۶۲۲۹ به‌عنوان نماینده شرکت سرمایه‌گذاری سبا تأمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۸۳۷۰ به سمت مدیرعامل به شرح ذیل می‌باشد.

آقای علی اکبر مهرقرد با کدملی شنماره ۴۲۸۴۱۴۸۱۳۳ به‌عنوان نماینده شرکت سرمایه‌گذاری استان هرم‌زگان به شناسه ملی ۱۰۰۸۰۱۰۹۲۶۹ به سمت عضو هیئت‌مدیره آقا علی محمدعلی یزدان‌جو با کدملی شنماره ۱۲۶۲۶۳۰۵۶۸ به‌عنوان نماینده صندوق بازنشتنگی کشوری به شناسه ملی ۱۴۰۰۲۷۲۰۵۴۲ به سمت عضو هیئت‌مدیره آقای علی یوسفپور با کدملی شنماره ۶۴۸۹۳۶۲۲۹ به‌عنوان نماینده شرکت سرمایه‌گذاری سبا تأمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۸۳۷۰ به سمت مدیرعامل به شرح ذیل می‌باشد.
به استناد ماده ۴۴ اساسنامه اختیارات تفویض شده از سوی هیأت‌مدیره به مدیرعامل به شرح ذیل می‌باشد.
نماینده‌گی شرکت در برابر صاحبان سهام، کلیه ادارات دولتی و غیردولتی، مجامع، هیأت‌ها و موسسات عمومی، مراجع قضایی و ادارات اشخاص حقیقی و حقوقی، تصویب دستورالعمل‌های داخلی شرکت در چهارچوب آیین‌نامه‌های مصوب.
اتخاذ تصمیم در خصوص تأسیس و انحلال نمایندگی‌ها یا شعب در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران.

نصب و عزل کلیه اموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق، دستمزد، انعام، ترفیع، تنبیه، تشویق و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنان، از خدمت و مرخصی و ماموریت‌ها. دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت تعهد، ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجاری انعقاد هر نوع قرارداد: تغییر، تبدیل، فسخ و یا اقاله در مورد اموال منقول و غیر منقول که مرتبط با موضوع شرکت باشد و انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده ۱۱۱ اساسنامه و اتخاذ تصمیم به مورد کلیه ایقاعات. (تا سقف ۱۰۰ هزار دلار (ارزی) و یک میلیارد ریال (ریالی))
اتخاذ تصمیم در مورد امور مرتبط با ثبت و معامله کلیه حقوق غیرمادی یا معنوی از جمله هر گونه اختراع، نام یا علائم تجاری و صنعتی، کپی‌رایت، سرفیلی و کلیه امتیازات اختراع.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰
به استناد صورتحساب هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۳ تصمیات ذیل اتخاذشد:
مسعود کیوان فرد با کدملی: ۰۰۴۱۷۰۹۹۷۷ به سمت رئیس هیئت‌مدیره، حبیباله عباسی دزفولی با کدملی: ۰۰۱۹۷۸۴۱۲ به سمت رئیس مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره علیرضا مفصلی فرد با کدملی: ۱۷۸۳۵۵۰۳۰ به سمت عضو هیئت‌مدیره تعیین‌شدند.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.
امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و غیره با امضای ثابت مدیرعامل و معتبر یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌همراه مهر شرکت، معتبر می‌باشد.

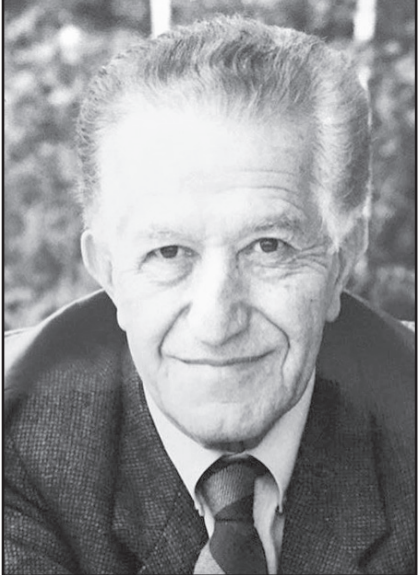
حسن باقری بر آن بود که ابتکار عمل را باید از دشمن گرفت و فرصت برنامه‌ریزی را نداد. او معتقد بود که هدف ما انهدام و کشتار نیروهای دشمن نیست، بلکه در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌ها باید دشمنان را دور بزیم تا امکانات آن‌ها مسالم به دست رزمندگان اسلام بیفتد و از سوی دیگی، باید سربازان ارتش بعث را به اسارت درآوریم تا اطراف صدام از این نیروها خالی شود و این افراد بتوانند در آینده انقلاب اسلامی عراق نقش مؤثر ایفا کنند. او در سطح عالی جنگ در عملیات‌های محدود در محوره‌های دزفول، شوش، سوسنگرد، حمیدیه، اهواز، دارخوین، ماهشهر، آبادان و خرمشهر در سمت مسئول اطلاعات‌عملیات و فرماندهی در محور دارخوین در عملیات ثامن‌الامنه(ع)، معاونست فرماندهی عملیات طریق‌القدس، فرماندهی قراقره‌نصر در عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، فرماندهی قراقره‌کربلا، جانشین فرماندهی کل در قراقره‌های جنوب توانست نقش مؤثرش را ایفا کند.

طرح‌ریزی عملیات محرم
پس از عملیات رمضان، در شرایطی که طرح‌ریزی عملیات از منطقه جنوب به جبهه غرب منتقل شده بود، همزمان با اجرای عملیات مسلمین مقبیل(ع)، حسن باقری در اگر همه ما می‌توانستیم در جنگ حرف می‌زدیم، تصمیم‌گیری می‌کردیم، سکوت هر یک از این سه نفر، حتماً امکان تصمیم‌گیری را مشکل می‌کرد، حرف آخر را می‌زدند. اگر مخالفت می‌کردند با عملیاتی، حتماً یک مسئله و دلیل داشت و اگر اصرار می‌کردند، همین‌طور بود. ما در ۱۰ عملیات بزرگ جنگ، یعنی عملیات ثامن‌الامنه، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، بدر، خیبر، والفجر ۱، والفجر ۲، کربلای ۵، والفجر ۸، و عملیات بزرگ جنگ، شش عملیات ناجی محورش انجام داد. در ثامن‌الامنه ایستاد تا دشمن آبادان را نگیرد. برای شکست محاصره آبادان، احمد و حسین دو محور اصلی و اساسی بودند.

تغییرات لحظه به لحظه آن، در شکل‌گیری سازمان رزمی سپاه شکل گرفت و بر اثر لیاقت و شایستگی قابل توجه و در محور تحسین حسن باقری، در قراقره‌ها خاتم‌الانبیاء توانست نقش مؤثری در طراحی و اجرای عملیات ایفا کند.
«حسن باقری معروف به «سقای بسیجیان»، جوان‌ترین فرمانده جنگ ایران در دوران جنگ عراق علیه ایران بود. فرماندهان جنگ حسن باقری را از فرماندهان نابغه سپاه می‌دانستند و او را به عنوان بن‌بست شکن در این عرصه نام می‌بردند. وی پایه‌گذار سازمان رزم سپاه بود. او بیناگذار تفکر انقلابی جنگ بود که به‌جایی تکیه کرد بر ایمان، فرهنگ علوی و عاشورایی تکیه کرد و فکر و اندیشه را مبنای شکست بن‌بست‌های جنگ قرار داد. حسن باقری ادبیات جنگ را تغییر داد و یسا اتکا برآموزه‌های قرآنی طرح‌هایی را نوشت که به شکست دشمن منجر شد. او بعد انسانی جنگ را محور کار خود قرار داد، به نحوی که گفت: «هدف ما از جنگ کشتار و انهدام نیست، بلکه به دنبال انقلاب اسلامی در عراق هستیم»

ترجیم

افسوس که افسانه‌سرایان همه خفتند
دعوی چه کنی؛ داعیه‌داران همه رفتند
شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
آن گرد شتابنده که در دامن صحراست
گوید: چه نشینی؛ که سواران همه رفتند
فریاد که گنجینه طرازان معانی
گنجینه نهادند به ماران، همه رفتند
گر نادره معدوم شود هیچ عجب نیست
کز کاخ هنر نادره کاران همه رفتند



باندوده فراوان در گذشت اندیشمندفرزانه،اسوه مهرودوستی
دکتر سید ابوطالب میر عابدینی استاد فرهیخته فرهنگ و ادب پارسی را به استحضار می‌رساند.

به همین مناسبت مراسم یادبودی در روز پنج‌شنبه ۱۳۸۵/۵/۲۱ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد حضرت زهرا(س) واقع در خیابان شهید عراقی نبش کوچه گل سرخ بر گزار می‌شود.

حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

از طرف همسر: دکتر مینو فطوره چی خواهران: شمسی، حشمت و اشرف میر عابدینی فرزندان: انوشه و امین میر عابدینی-مینا، مریم و رضا دقیانوسی و کلیه وابستگان و خانواده‌های داغدار

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر در گذشت مرحوم مغفور **شادروان مهندس لطف... مردان** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم یادبود آن عزیز از دست‌رفته روز جمعه ۱۳۸۵/۵/۲۲ از ساعت ۱۵ الی ۱۶/۳۰ در مسجد جامع حضرت رسول(ص) واقع در میدان کاج بر گزار می‌گردد.
حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
مهندسین مشاور طرح و نظارت

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسّف و تأثر در گذشت همسر گرامی و مادر مهربانمان مرحومه **خانم کلثوم نادری** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مراسم ترجیم آن شادروان روز پنجشنبه مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۱ از ساعت ۱۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبسترپها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

همسر: حاج یوسف رزاق‌زاده

فرزندان:علی اشرف، نادر، قادر، غلام ومحمد رزاق‌زاده و دختران آن مرحومه

دامادها: الیاس سجادی –اسماعیل سرافرازی – جواد حاجی شیخی

برادران: حاج علی اصغر ، محی‌الدین و نجف نادری خانواده‌های: رزاق‌زاده‌نادری–جاهی–شریفی –محمدیون–معصومی و سایر وابستگان سببی و نسبی.

باز گشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسّف و تأثر در گذشت پدر مهربان و فداکار مرحوم **آقای جواد توتونچی** شبستری را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و همشهریان محترم می‌رساند.

به همین مناسبت مراسم ترجیم آن شادروان روز پنجشنبه مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۱ از ساعت ۱۴ تا ۵/۳۰ بعدازظهر در مسجد نور شبسترپها واقع در میدان دکتر فاطمی برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: توتونچی شبستری –محمدیون –سرافراز – آخوندی –خیرابی –سدابی–نوری –گانه –اختری و سایر وابستگان سببی و نسبی.

به نام آنکه هستی نام از او یافت

بادریغ و اندوه در گذشت ناگهانی **آقای مهندس اسفندیار اشجعی اسالمی** را در اتیش به آگاهی میرساند.مجلس یادبود آن مرحوم در روز چهارشنبه مورخه ۱۳۸۵/۵/۲۰ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد ولی عصر (عج) واقع در خیابان خالد اسلامبولی برپا خواهد شد.

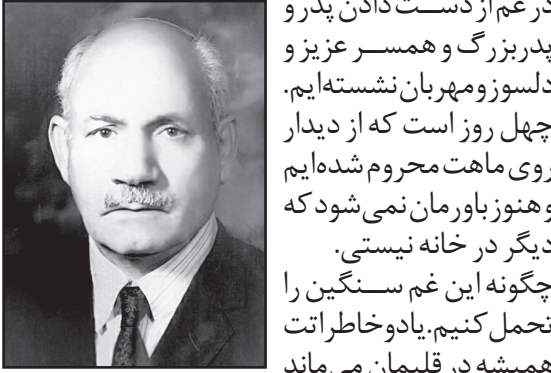
حضور دوستان و وابستگان موجب تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.

اشجعی اسالمی –فیض صفاری –حیدری –والد شیدا –عباسی نیک –عضدی دلیلی –امیر علی تقی‌زاده و سایر وابستگان

ترجیم

یادبود

«**باز گشت همه به سوی اوست**»
شادروان غلامرضا آهنگران



در غم از دست دادن پدر و پدر بزرگ و همسر عزیز و دلسوز ومهربان‌نشسته‌ایم.

چهل روز است که از دیدار روی ماهت محروم شده‌ایم وهنوز باورمان نمی‌شودکه دیگر در خانه نیستی.

چگونه این غم سنگین را تحمل کنیم.یادوخاطراتت همیشه در قلبمان می‌ماند

و همیشه تو را حس می‌کنیم تا زنده بمانیم.
روح‌ت شاد و یاد‌ت گرامی باد

امیر حسین و مریم آهنگران – آهنگران

یادبود

زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست هر کسی نغمه خود خواند و از صحنه رود صحنه پیوسته بجاست

خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد



مرداد ماه نهمین سالگرد جانسوز عزیزترینمان **سر هنرنگ رحیم خوشنویس** را که یاد و نامش همواره با ماست گرامی می‌داریم.

خانواده خوشنویس تسلیت

جناب آقای بیژن مرادی

درگذشت ناگهانی خواهر گرامیتان را به شماو خانواده محترم تسلیت عرض نموده، و ما را در غم خود شریک بدانید.

خانواده گلشن ابراهیمی – لندن

برادر ارجمند جناب آقای سیدمحمود آذین رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل مؤسسه خیریه حضرت فاطمه زهرا(س)
درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، صبر و شکیبایی برای جنابعالی و خانواده محترم آرزومندیم.

همکار گرامی جناب آقای جاوید یزدانی
بانهایت تأسّف مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت گفته‌از خداوند متعال برای آن مرحوم علو در جات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمائیم.

جناب آقای مهندس مهرداد خوشه مهری مجری محترم طرح راه آهن آستارا – آستارا
بانهایت تأسّف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده‌از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت واسه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

شاعر گرانقدر جناب آقای حسین صفاری دوست
تحمّل دوری مادر سخت است، ما هم در این غم بزرگ با شما همدردیم.
اسدالله امرایی –عظیم زرین‌کوب –فرهاد عابدینی –محمود معتقدی – پونه ندائی

انالله و اناالیه راجعون جناب آقای مهندس خوشه مهری معاون محترم اداره کل فنی راه آهن
درگذشت تأسّف‌بار مادر گرامیتان را به حضور حضر تعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمائیم واز درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه طلب آمرزش و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

همکار گرامی جناب آقای دکتر محمدرضا فروش
با اندوه فراوان درگذشت مادر گرامی‌تان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از ایزدمنان برای بازماندگان صبر و شکیبائی و برای آن مرحومه شادی روح و علو در جات مسئلت می‌نمائیم.

آگهی تغییرات
شرکت تولید لوازم خانگی سپهر الکتریک سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۲۸۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۲۷۰۵۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
خانم فرخنده علیزاده به شماره ملی ۲۷۲۰۱۷۵۱۴۵ به عنوان بازرس اصلی و آقای غلامحسین رضایی به شماره ملی ۵۷۹۴۳۶۷۵۶ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال انتخاب گردید و ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۶/۳۱ تصویب شد
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دیدن میباشد

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۰۵۲۸۰۲۸۳۹۷۸۳ م الف

آگهی تغییرات
شرکت بین‌المللی نور توشه سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۴۰۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۶۷۸۲۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای غلامرضا آقاآیی لسیو دارنده ک.م. ۶۳۱۹۹۲۶۱۰۴ بنمایدگی از شرکت پارس توشه دارنده شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۸۲۰۸۵ بسمت رئیس هیئت مدیره، آقای فریدون مه منش دارنده ک.م. ۲۳۴۱۱۵۵۱۵۵ بنمایدگی از شرکت کوشا پیشه دارنده شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۵۷۷۸ بسمت عضو هیئتمدیره و مدیرعامل، آقای بابک دادوش دارنده ک.م. ۱۰۴۵۱۲۲۸۵۸۸ بنمایدگی از شرکت بازگانی پارس شهید دارنده شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۴۸۹۴۰ بسمت عضو هیئتمدیره، آقای اسماعیل جمالدار دارنده ک.م. ۲۶۷۹۷۵۸۴۴۹۹ بنمایدگی از شرکت قطعه‌سازان خزر کوشا دارنده شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹۷۴۸۱ بسمت عضو هیئت مدیره آقای محمت سسرهان اکین بشماره کد فراگیر ۵۱۸۶۴۶۶۸ بنمایدگی از شرکت الکترو موتور سنور کد ۱۰۲۰۸۷۴ بسمت نایب رئیس هیئت مدیره برای بقیه دوران تصدی هیئت مدیره تعیین شدند.
کلیه اوراق بهادار و اسناد تعهدات شرکت منجمله چک و سفته و بروات و هرگونه قرارداد و وکالتنامه، با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
مکاتبات عادی و اداری با امضای مدیرعامل و مهر شرکت و در غیاب ایشان، با امضای یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، انتخاب و تعیین سمت هیات مدیره، تغییر نماینده شخص حقوقی هیئت مدیره، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دیدن میباشند

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات
شرکت آلفا فارمد گروه سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۵۷۱۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۱۶۷۷۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
آقای بهمن کیازند به شماره ملی ۰۰۳۸۷۵۲۵۳ به سمت مدیرعامل و عضو هیئتمدیره آقای نجمی هاشمی فشارکی به شماره ملی ۰۰۴۳۲۱۸۵۵۷ به شماره ملی ۱۲۸۵۲۹۸۴۷۰ به سمت نایبرئیس هیأت‌مدیره به مرضی قلی پاشا به شماره ملی ۱۲۸۵۲۹۸۴۷۰ به سمت نایبرئیس هیأت‌مدیره و نیز کلیه اسناد تعهدآور از جمله چک و سفته و قراردادهای به تنهایی با امضاء مدیرعامل و یا رئیس هیأت‌مدیره با مهر شرکت و همچنین کلیه مکاتبات عادی با امضاء مدیرعامل و یا رئیس هیأت‌مدیره با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، انتخاب و تعیین سمت هیئتمدیره، تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دیدن می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران
۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

دوست عزیز سر کار خانم مهین مهدی‌زاده (مهناز قسمتی) نیکوکار محترم مؤسسه خیریه حضرت فاطمه زهرا(س)
بانهایت تأثر درگذشت خواهر گرامیتان را در خارج از کشور تسلیت عرض می‌کنیم. صبر و شکیبایی برای جنابعالی و خانواده محترم مهدی‌زاده‌از خداوند متعال مسئلت داریم.

صفوی – کشور دوست

سرور گرامی جناب آقای منوچهر پورالله‌وردی
با کمال تأثر و تأسّف، درگذشت همسر گرامیتان **خانم ناز آفرین افرا** را به شما و بازماندگان محترم صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

گران – دکتر حداد – دکتر ناطقی

جناب آقای دکتر محمدرضا فروش
بانهایت تأسّف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمائیم.

شرکت بی.ان.ام محمدحسن مرادی

قابل توجه دارنده گان خدمات مجالس ترحیم و بزرگداشت

تالارها
رستوران‌ها

مراکز طبخ غذا
گل‌فروشی‌ها

حکاکان
پارچه‌نویسان

فیلمبرداران و عکاسان
تابلسازان

ظروف کرایه، ظروف یک‌بار مصرف و ...

برای درج آگهی در صفحه ترمیم و تسلیت با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

۰۱۴-۲۲۲۵۸۰۲۲۲

۰۲۲۲۳۶۹۴ * ۰۲۹۹۹۴۲۴۹

۰۲۹۹۹۴۲۶۱

آگهی تغییرات شرکت احیا مستقیم فولاد جنوب سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۳۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۳۶۰۶۸
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
اختیارات هیئت مدیره بشرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید:
نصب و عزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و انعام و ترغیب و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنها.
افتتاح حساب و استفاده از آن بنام شرکت نزد بانکها و موسسات.
دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن از اصل و بهره و متفرعات، مبادرت به تقاضا و اقدام برای ثبت هرگونه علامت تجاری و اختراع.
به امانت گذاردن هر نوع اسناد و مدارک و وجوه در صندوق‌های دولتی و خصوصی و استرداد آنها.
قائم هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حق پژوهش، فرجام، مصالحه، تعیین وکیل، ادعای جعل نسبت به سند طرف و استرداد سند تعیین داور یا یا بدون تعیین وکیل برای دادرسی و غیره یا یا بدون حق و توکیل در توکیل ولو کرارا تعیین مصدق و کارشناس، اقرار خواه در ماهیت دعوی و خواه به امری که کاملاً قاطع دعوی باشد دعوی خسارت استرداد دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث اقدام به دعوای متقابل و دفاع از آن تااین مدعی به تقاضای توقیف اشخاص و اموال از دادگاههای اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت درخواست صدور برگ اجرائی و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به چه در دادگاه و چه در ادارات و دوائر ثبت اسناد.
تنظیم خلاصه صورت دارائی و قروض شرکت هر ششماه یکبار و دادن آن به بازرس شرکت.
تنظیم صورت دارائی و دیون شرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت.
با ثبت این مستند تصمیمات تفویض اختیارات هیئت مدیره به مدیرعامل انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دیدن میباشد

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران
۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات شرکت ریز موج سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۴۱۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار

اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت.

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان‌پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای حسین احدی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۵۷۲۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل

برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند

تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس،

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق

الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های

سازمان ثبت قابل دیدن می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران

۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات شرکت ریز موج سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۴۱۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار

اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت.

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان‌پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای حسین احدی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۵۷۲۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل

برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند

تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس،

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق

الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های

سازمان ثبت قابل دیدن می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران

۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات شرکت ریز موج سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۴۱۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار

اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت.

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان‌پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای حسین احدی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۵۷۲۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل

برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند

تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس،

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق

الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های

سازمان ثبت قابل دیدن می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران

۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات شرکت ریز موج سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۴۱۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار

اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت.

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان‌پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای حسین احدی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۵۷۲۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل

برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند

تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس،

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق

الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های

سازمان ثبت قابل دیدن می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران

۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات شرکت ریز موج سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۴۱۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار

اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت.

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان‌پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای حسین احدی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۵۷۲۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل

برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند

تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس،

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق

الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های

سازمان ثبت قابل دیدن می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران

۱۳۰۵۱۲۸۰۲۳۴۷۵۸ م الف

آگهی تغییرات شرکت ریز موج سیستم سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۲۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۴۱۳۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
روزنامه کثیرالانتشار

اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۴ مورد تصویب قرار گرفت.

مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان‌پندار به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و آقای حسین احدی به شماره ملی ۵۰۹۸۶۵۷۲۹۶ به سمت بازرس علی‌البدل

برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
با ثبت این مستند

تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس،

انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق

الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های

فرهنگ

چهارشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۵ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نود و یکم - شماره ۲۶۵۰۸



حسین عسکری

حدود شش سال از رحلت آیت الله سید محمود موسوی دهرخی فقیه سنتی، اخبارگرا و تجددگرای شیعه می گذرد. به خاطر دارم که در ۲۵ تیر ۱۳۸۷ جهت دیدار با آیات عظام سبحانی و نوری همدانی و آیت الله استادی به همراه دوستان دست اندرکار کنگره بزرگداشت شیخ محمدتقی برغانی مشهور به شهید ثالث، راهی شهر قم شدیم. پس از دیدار با علما، فرصتی چند ساعته به دست داد که حضرت فاطمه معصومه (س) را هم زیارت کنیم. دوستم آقای علی اکبر صفری (پژوهشگر موسسه کتابشناسی شیعه) در راه حرم، پیشنهاد داد که به دیدار فقیهی برویم که سالیانی است گوشه انزوا اختیار کرده و از منتقدان مدرنیته به شمار می رود.

چون در حال انجام آخرین مراحل چاپ کتاب «روستای ایستا: پژوهشی درباره اهل توقف در طالقان» بودم، مشتاقانه این پیشنهاد را پذیرفتم. با کنجکاوی فراوان به خانه‌ای در نزدیکی حرم رفتیم که همچنان

معماری سنتی‌اش را حفظ کرده بود. حضرت آیت الله به گرمی ما را پذیرا شد: آیت الله موسوی دهرخی (۱۳۰۷-۱۳۸۹ ش).

وی در روستای دهرسخ از توابع شهرستان مبارکه اصفهان متولد شده و در اوایل کودکی، پدر خود را از دست می دهد. از همان سن خردسالی برای گذران زندگی خود و مادرش به چرخ ریسری می پردازد. در شانزده سالگی ازدواج کرده و پس از آن به تجارت مشغول می شود. در نوزده سالگی به دروس حوزوی علاقه مند شده، به حوزه علمیه اصفهان می رود. پس از عمری تلاش، به درجه اجتهاد نایل می شود. آیات عظام خویی، سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی استادان نامدار ایشان در حوزه‌های علمیه قم و نجف اشرف به شمار می روند.

مهم ترین آثار به جا مانده از آیت الله دهرسخی به این شرح است: مفتاح کتب الاربعه در چهل جلد، ایضاح الطریقه در دو جلد، رمز المصیبه در سه جلد، کشکول در دو جلد، یاتی علی الناس زمان در دو جلد، معجم الفتن و الملاحم، ترجمه منیه المرید نوشته شهید ثانی و هدایه الطالبین فی شرح آداب المتعلمین. فضای ساده و بی آرایش خانه حضرت آیت الله، من را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. ایشان خواستند که نزدیک تر بنشینیم. سپس با مهربانی پرسیدند که از کجا آمده ایم؟ پرسش ساده ایشان، جرات طرح پرسش را در من تقویت کرد. با احتیاط از ایشان درباره اهل توقف طالقان پرسیدم. پس از تاملی کوتاه گفتند: «ارتباطی با آن طایفه ندارم اما یکی از نزدیکانم برای تحقیق به محل سکونت آنان رفته و برایم توضیحاتی درباره نحوه زندگی آنها و اعتقاداتشان ارائه کرده است.»



در ادامه پرسیدم نظر جنابعالی درباره مواجهه آنان با دنیای جدید چیست؟ بدون تامل و لبخند گفتند: «مومنان واقعی آنها هستند.»

آیت الله دهرسخی در ادامه، نکاتی درباره مضرات ابزارهای مدرن به ویژه خوراکی های جدید بیان کردند و گفتند: «هیچ کلام از فرزندانم به مدرسه های جدید نرفته اند و خود به آنها سواد و علوم اسلامی را آموزش داده ام.» در پایان آن دیدار خاطره انگیز، کتابی با عنوان «کشکول موسوی دهرسخی» را هدیه گرفتم که صفحه آغازین آن مزین به خط ایشان است. فرازهایی از آن کتاب - که تجددگریزی آیت الله دهرسخی را ثابت می کند - را با هم می خوانیم:

- آن تاجر آمد نسرزد حقیر و فرمود: هر سهاله آفاده ها و آقای فلاتی تشریف می آورند: شما هم خواهش می کنم با ایشان تشریف بیاورید! عرض کردم نمی آیم، گفت چرا؟ گفتم: چون رادیو و تلویزیون داری نمی آیم... چون دخترهایت مدرسه می روند نمی آیم! (ص ۳۸).

- ملا شدن به مدرسه رفتن منحصر نیست، مگر سابقاً مدرسه بود؟ این مدرسه ها صد سال یا کمتر است که به ایران آمده است. قبلاً مکتب بود. (ص ۴۰)

- مسلمان مامور است تا بیست و یک سال دست پسرش را رها نکند، حقیر هم قصدم این بود، ولی حسودها نگذاشتند! (ص ۴۰)

- دشمن های دین دیدند بچه مسلمان ها را به هیچ وجه نمی شود گمراه کرد. چون ملازم پدرهایشان بودند، مراکزی را باز کردند به اسم قرآن و حساب، که بچه مسلمان ها را هر طور می خواهند تربیت کنند و کردند آنچه را باید بکنند... پیغمبر که فرمود: وای بر بچه های آخرالزمان از دست پدرانشان. (ص ۴۱)

- بچه در این دوازده سال که مدرسه رفته کی توانسته است یک ساعت خواب راحت ببرد؟ پس خواب راحت که ندید، غذای سالم هم که نخورد... اگر سربازی هم رفت آنقدر کافور به خورد او می دهند که به کلی ناقص شود! خدا به فریاد برسد (ص ۴۲)

- سوال: شنیده ایم شما این چند سالی که مشرف بودید، زن و بچه خود را نگذاشته اید بیرون بروند؟ بلی راست است. اگر چند بیرون می رفت مثل دیگران می شد، دیگر حقیر حریف او نمی شدم و او نمی توانست در منزل سی و شش متری اجاره ای، پانزده فرزند به دنیا بیاورد. این رفت و شللهای امروزه، پدر مردم را در آورده و مردم خواب هستند! (ص ۴۲)

- پس رفقا عبرت بگیرند و روایتی که می گوید به مخدرات سوره یوسف یاد ندهید، بالاخانه راه ندهید، با آب طلا بنویسند و نصب العین خود قرار دهند تا به اینجا نرسند. (ص ۴۳)

ادامه در صفحه ۶

آموزه



مولانا

اگر بدی کرده ای با خود کرده ای. جفای تو با وی کجاست:

مرغی که بر آن کوه نشست و بر خاست
بتر که در آن کوه چه افزود و چه کاست؟

قلم انداز

چرا دیجیتالیسم؟

چگونه می توان گفت درخصوص پدیده ای که در کمتر از دو دهه - در کشورهایی مثل آمریکا و برخی ممالک اروپایی - و در کمتر از یک دهه - در کشورهایی مانند ایران - بیش از نصف جمعیت جهان را به سمت خود معطوف دارد و تعداد چشمگیری از همین جمعیت را به عنوان «کاربران حرفه ای» پابند و وابسته خویش کند؟ چه می توان گفت درباره پدیده ای که بخش مهمی از دایره نیاز، لذت و سرگرمی انسان را به تنهایی برطرف می کند و در حال افزودن بر لایه های کارکرد و کاربرد خودش است؟

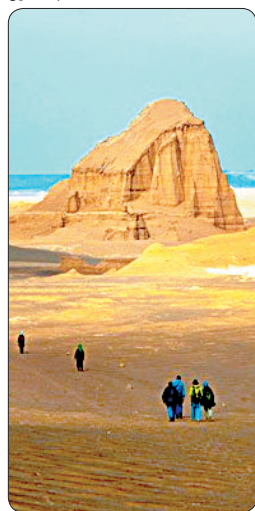
اینترنت و متعلقات زیربنایی و روبنایی آن که ما آن را دیجیتال - سایبریسیم می خوانیم، از مدت ها پیش فضای جدیدی را در جهان زندگی رقم زده است. از فضاهای جدید پدید آمده از این پدیده تفسیرهای مختلفی صورت گرفته است که برخی از آنها مقرون به خوف و وحشت و لاجرم تنگ نظرانه است و برخی دیگر از آنها مقرون به شادمانی های بی پایان است. گسترده گی نفوذ اینترنت و فضای مجازی و وابسته های کوچک و بزرگ و اصلی و فرعی آن - که در آینده تشدید خواهد یافت - در کنار نوع توجیه و تفسیرهایی که در باب آن در دست است، بخصوص با نوع مواجهه هایی که میان دیجیتالیسم و ایدئولوژیها و فرهنگ ها در جریان است، ضرورت بحث و گفت و گو درباره این پدیده سهل و ممتنع و عام و خاص را صدچندان می کند.

دیجیتال - سایبریسیم از آن رو که همه جا را زیرگام گرفته، مقوله ای است سهل و عمومی که هر فردی می تواند درباره آن سخن بگوید اما از آن رو که ماهیت آن مورد بررسی موشکافانه و همه جانبه و مشخصاً تحلیل فلسفی قرار نگرفته است، ممتنع و خاص است که رازگونه می نماید و ماهیتش بر کسی روشن نیست.

در حقیقت، صورت سایبر - دیجیتالیسم آشکار است ولی سیرتش مستور و نهان. همه به صورتش نظر دارند و به دلایل مختلفی از نوع رفع حاجت و عادت به آن آویخته اند، ولی سیرتش از دسترس دور و در نهایت ابهام است و چونان یک مجهول.

در دنیای امروز، شما به سهولت آب خوردن می توانید هزاران هزار متخصص پیدا کنید که عرض و طول جهان مجازی را هزاران بار کاویده اند و گوشه گوشه اش را شخم زده اند و بی بذر و با بذر از آن محصول برداشت می کنند، اما به ندرت می توانید کسی را پیدا کنید که در باب هویت و ماهیت این پدیده اندیشیده باشد و به غلط یا درست، صحیح یا سقیم و عمیق یا ظاهری فلسفه ای در باب آن ارائه تواند کرد. تلاش برای ارائه یک نظام فکری - عقلی تحلیلی و فیلسوفانه، حلقه مفقوده عرصه دیجیتال - سایبریسیم است و تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، جز برخی از استادان رشته ارتباطات و جامعه شناسی، از استادان رشته هایی مانند: فلسفه، تاریخ و روانشناسی، چهره برجسته ای به این عرصه ورود نکرده است. به همین جهت، ما درخصوص تحلیل محتوایی دیجیتالیسم و سایبریسیم، هیچ اثر قابل اعتنا و شایسته ای در دست نداریم. نیز به همین جهت مقاله، کتاب و رساله چشمگیری درباره تأثیرات واقعی این پدیده بر ابعاد و جوانب مختلف انسان و زندگی در دست نیست و متنی را نمی شناسیم.

۵-۴



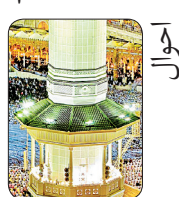
از خاطرات سرهنگ غلامرضا
مصور رحمانی
روزی روزگاری کرمان

۵



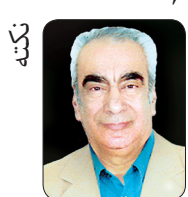
در کوچه باغ «اندیشه ها»
«ظلم» عدل مدفون است

۲



احوال و آثار خان ملک ساسانی
دیپلمات استعمار ستیز

۶



شرح حال و آثار نطنزی
صاحب رساله

۳



موانع توسعه و علل عقب ماندگی
صنعت هراسی

۵-۴



نوشتن درباره کودکی
شبهه این اشغال!



خان ملک می نویسد: اگر مسلم شد که ایرانی هستیم، قبل از همه چیز باید برای تربیت اطفال مان کتابهای لازم، که با اصول ایرانیّت موافقت داشته باشند، بنویسیم. و در ایران مدارس خوب باز کنیم که شاگرد بتواند اقلاً تا سن هجده سالگی در آنجا تحصیل کند، اخلاق و عادات ایرانی، اصول ایرانی نگهداری و لوازم حوائج امروز را بیاموزد. چنین ایرانی هرگز اسرار خانهاش را به سفارت خانه های خارجه نخواهد برد و به هر جانور شایو بررسی زیر دستی نخواهد کرد. و با اصول ثابت اگر به اروپا، یا به چین برود، همیشه ایرانی خواهد بود.

در انتظار این کتب و این مدارس اگر ایران بخواهد، شاگرد به اروپا بفرستد، باز هم باید برای خودش یک اصولی معین کند، یعنی خوب و بد اخلاق ممالک مختلفه اروپا را بسنجد و به هر کدام که اخلاق و عادات بدش کمتر بود، شاگرد بفرستد. ... چون دولت سوئیس هیچ پلیتیکی در مشرق زمین ندارد و در همه کشمکش ها بی طرف است، در مدارسش اصول و عقائد تمام ملل را محترم می شمارند، و هر چه درس می دهند از روی نظر علمی است. نه غرض شخصی، با وجود این محسنات باز اطفال کوچک را به سوئیس هم نباید فرستاد. و حتی المقدور باید جوانانی را فرستاد که در مدارس ایران تا یک درجه تحصیل کرده اند.

روزنامه نگاری و اتفاق کلمه

خان ملک ساسانی در باب روزنامه نگاری نیز می گوید:

«بعضی ها به غلط تصوّر می کنند که ایجاد یک روزنامه، کاری است آسان و روزنامه نگاری از آن آسان تر است، همینکه قلم و دوات و کاغذی بدست می آورند. یک اسمی - اگر چه بی معنی هم باشد - بر روی کاغذ می نویسند و دکانی اجاره کرده، اسمش را اداره روزنامه می گذارند.»

او سپس از اینکه روزنامه های ایران مسلک معینی ندارند، گلايه می کند. می خواهد در مشرق زمین عموماً و در ایران خصوصاً روزنامه های مفید با مسلک معین چاپ شود، علاوه بر درج مطالب ادبی، اجتماعی، فنی، و اخلاقی، در تقابل با بد گویی های مغربیان و بزرگ نمائی روزنامه های اروپائی از عیوب مشرق زمینیان، نویسندگان و روزنامه نگاران ایرانی و مشرق زمینی، «فریاد کنند و بنویسند و بنمایند که نمرده ایم».

وی می نویسد: «بایستی همه روزنامه نگاران مشرق زمین با هم اتحاد کنند، اعمال قبیح و عقائد باطل دزدان را روی دایره بریزند و آنها را از خانه خود بیرون کنند تا مغربیان ببینند که مشرق زمین نمرده و نخواهند مژد».

«قلم دشمن است که مسلمان و هندو، شیعه و سنی را از هم جدا کرده تا بتواند هر کدام را به نوبت خود اسیر و ذلیل کند. قلم است که می تواند در آینده سیصد میلیون هندی و سی و پنج میلیون ایرانی و افغانی و کرد و شصت میلیون ترک و عرب را با هم متحد کند و ریشه دشمن عموم را از بیخ بکند.»

خسوف ما

خان ملک ساسانی در این بخش به وسعت ممالک اسلامی که سابقاً از چین تا اقیانوس اطلس را شامل می شد و اقوام عرب و ایرانی و هندو و چینی و مغول و تاتار و غیره را در بر می گرفت و تعلیمی که موجب فتوحات مسلمانان بود، اشاره می کند.

کشور گشایی های خلفای اموی و عباسی و سلاطین عثمانی را نشأت یافته از دلبستگی مسلمانان آن ازمنه به حقیقت مذهب می داند که چون به حقانیتش یقین داشتند «جان و مالشان را فدای اسلام می کردند و برای نگهداریش از

همه چیز چشم می پوشیدند» روحیه ای که موجب عزّت و قدرت هزار ساله مسلمانان گشت و مشرق و غرب عالم را به تصرف آنها در آورد. «و آنهایی که امروز تمسخر می کنند، و به مسلمانان طعنه می زنند در برابر فرمانش می لرزیدند و حکمش را می بوسیدند».

خان ملک ساسانی در ادامه مطلب چنین می گوید:

«هزار افسوس که آن سبب شکست و آن پیمانہ ریخت. امروز که هزارو سیصد و اندی از هجرت

در احوال و آثار خان ملک ساسانی ۳/

دپیلمات استعمار ستیز



محمد هاشمی (ص) می گذرد، اسلام خوار، و زار و مسلمانان بی مقدار شده است. عیسویان متمدن!

از یک طرف به مسلمانان لا ابالی گری و بی اعتنائی به مذهب می آموزند، و از طرف دیگر کشیش ها به اطراف دنیا برای عیسوی کردن مردم می فرستند.

در مدت چندین قرن همکیشان خود را با کمال تر دستی به با مذهبی و مسلمانان را به بی مذهبی دعوت می کردند. هر چه شاگرد مسلمان برای تحصیل به اروپا می آمد به قدری از این خوش کرداران عیسوی مذهب طعنه و شناعت و پستی و بی مقداری در باب اسلام می شنید، که از مسلمانی بیزار می شد و یقین می کرد که معنی تمدن بی مذهبی است. با این عقیده به وطنش برمی گشت!

و به اشخاصی که به ریشه هستیش تیشه زده بودند، احترام می کرد و مهم ترین خیالشان بود که به شکل آنها درآید و به مذهب و آیین که حیات و جان ملت است تمسخر کند. نتیجه این کافر ماجرای ها این شد که به مسلمانان بی غیرتی آموختند، بیشتر ممالک اسلام را متصرف شدند، و امروز می خواهند مسلمانی را پا مال کنند.»

«هزار سال بعد از هجرت بیشتر از ۲۸ میلیون فرسخ مربع در تحت تصرف ۲۵ تاجدار مسلمان بود، و امروز که دول اسلامی منحصر به ایران و عثمانی شده، بیشتر از سه هزار فرسخ مربع در تحت تصرف ندارد. آن هم با چه ذلت و مسکنت، به کتاب مبینش قسم که محمد هاشمی (ص) از حال اسلام و وضع مسلمانان امروز تنفر دارد. پیغمبری که تمام عمرش در میدان جنگ کرد و علمش را به آسمان افراشت کجاست که ببیند، گلوله قزاق روس بیرق ایران را سوراخ می کند؟ و علم عثمانی در طرابلس سرنگون می شود؟»

«یاوران اسلام کجا هستند که ببینند سالدات های روسی در اردبیل و تبریز به عصمت دخترهای مسلمین دست درازی می کنند و در مساجد اسب و استر می بندند! پشتیبان های اسلام کجا هستند که ببینند سربازهای ایتالیا در طرابلس بعد از آنکه مردهای بی گناه را دست بسته شهید کردند، زنهای عرب را بر پیرمان بسته برای تماشا و شادی بالای نعش پدر و برادر آوردند و پیرزنی که نمی خواسته، این منظره ناهنجار را مشاهده کند، روبروی چندین هزار مرد اجنبی لخت و عورش

به دست اجنبی افتد، روی ما سیاه، داریوش پادشاه کجاست که ببیند:

همه مرز ایران پر از دشمن است
به هر دوده ای ماتم و شیون است
همه جای آشوب و جای بلاست
نشیمن گه تیز چنگ اژدهاست
صد سال پیش اسپانی هم مثل ما بی لشکر بود، اما اهالی اسپانی در کوه و درّه دویست هزار قشون مرتب ناپلئون را شکست داده، و ریز ریز کردند. لشکر ما هم در دهات و ایلات هنوز جوانان مرد صفت داریم پس کی به داد ایران می رسند؟ پس برادران عثمانی و هندی و افغان ما کی به ما کمک می کنند؟!۱

این بود شمه ای از شرح احوال و نقل اقوال سید احمد خان ملک ساسانی محتشم السلطان. دیپلمات ایرانی استعمار ستیزی که از یک سو پرچم افتخارات باستانی را به دوش می کشید، و از سوی باستان و افتخارات گذشته یاد می کرد، و از سوی دیگر در تقابل و تعارض با مطامع استعماری ممالک باختری، جهان گشایی و جنگاوری پیروزمندانه سرداران مسلمان را می ستود. و آرمان اتحاد اسلامی و اتفاق سیاسی نظامی مشرق زمینیان را در سر می پروراند.

منوچهر برومند م ب سها
پاریس تیرماه ۱۳۹۵

ماخذ و مستندات

۱: فرمانفرمایان، حافظ - اشاره ای بر شرح زندگی و آثار میرزا محمد حسین فراهانی، یغما - شماره صد و هشتاد و نه (فروردین ماه ۱۳۳۳): ۱۸-۲۴.

دانشنامه ایرانیکا، مدخل فراهانی، میرزا محمد حسین به انگلیسی

۲: این کتاب به کوشش مسعود گلزاری، توسط انتشارات فردوسی در سال ۱۳۶۲ در تهران با ۴۱۲ صفحه منتشر شده است. مصحح کتاب اعلام و اشخاص و اماکن مندرج در آن را توضیح داده و اضافات و تصحیحات خود را بر آن افزوده است.

۳: اسکویی، مصطفی، پژوهشی در تاریخ تئاتر ایران، مسکو: نشر آناهیتا، ۱۳۷۰ خورشیدی. (ص ۱۲۶).

۴: خان ملک ساسانی، آگاهی نامه، چاپ برلین، چاپخانه شرکت کاپوینی سال ۱۳۴۱ ه ق

۵: خان ملک ساسانی، دست پنهان سیاست انگلیس در ایران، انتشارات بابک تهران ۱۳۵۴ خورشیدی، ص ۶۴.

۶: همان، ص ۸۵.

۷: همان، ص ۸۶.

۸: محمد گلبن ۳۳ صفحه از ۴۷ صفحه این مسوده را در شماره سوم نشریه اسناد بهارستان مؤرخ پائیز ۱۳۹۰ منتشر کرده، ولی در تنظیم عنوان مطالب به اشتباه، اظهارات نصرت السلطنه را که مربوط به سلطان احمد شاه قاجار است به ناصرالدین شاه نسبت داده است

۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳: اسناد بهارستان، سال اول، شماره سوم، پائیز ۱۳۹۰ ص ۲۸۲.

۱۴: همان ص ۲۸۳.

۱۵-۱۶-۱۷: همان ص ۲۸۴.

۱۸: همان صص ۲۸۴ - ۲۸۵.

۱۹: ۲۸۵.

۲۰: همان صص ۲۸۵-۲۸۶.

۲۱: همان ص ۲۸۶.

۲۲: همان ص ۲۸۷ تا ۲۹۰.

۲۳: همان ص ۲۹۰ تا ۱۸.

۲۴: همان صص ۲۹۰-۲۹۱.

۲۵-۲۶: همان.

۲۷: همان ص ۲۹۲.

۲۸: همان ص ۲۹۳.

کرده و تیربارانش می کنند!۱
سروشکستگی تاکی؟

خان ملک ساسانی تحت عنوان پوزش و سرشکستگی می نویسد:

«پس از ۱۲۹۵ سال که از تاجگذاری کیومرث می گذرد، حالا زندگی ایران ۴۸ ساعته شده، دیروز ۴۸ ساعت وقت داشتیم که ژندارم ها را از املاک شاع السلطنه احضار کنیم و از سفارت روس عذر بخواهیم. امروز ۴۸ ساعت وقت داریم که دوست خدمتگزارمان مسیو شوستر را به خاطر روسها جواب بدهیم و بعد از این به صلاح روس خدمتگزار اجیر کنیم تا مثل بلژیکی های باغیرت، ایران را به روس بفروشنند. وزیر امور خارجه انگلیس که امروز باعث خجالت ملت انگلیس شده، زحمت روشن کردن آتشی را که برای سوختن خانه ماست، به روس ها وا گذاشته، اما خودش، متصل آن آتش را از دور باد می زند که مبدا خاموش شود و ایران نجات یابد. وزیر امور خارجه انگلیس از یک طرف می گوید که اساس اتحاد روس و انگلیس روی استقلال ایران است! از طرف دیگر می گوید محال است که بگذاریم ایران به روز اولش برگردد. یک نکته در اینجا هست و آن این است که روس و انگلیس به لفظ استقلال، یک فعل دیگر داده اند و ما از احمقی و بی غیرتی آن معنی را تاکنون نفهمیده ایم.»

دو هزار و پانصد سال قبل که دارای اول، همه آسیای غربی را تصرف کرد، فرمان داد که فتح نامه اش را در کوه بیستون نقش کنند، شاه ایران در آنجا می نویسد که: اول درخواست داریوش پادشاه از اورمزد پاک این است که خاک ایران را از تاخت و تاز لشکر دشمن محفوظ بدارد و به فرزندان ایران این قدر قوت دهد، که نگذارند، که خاک هخامنش

توسعه

به قلم: دارن اعجم اوغلو



کشورهایی که حکومتشان مطلقه بود و نهادهای سیاسی و قدرت سیاسی را همانند انگلستان پس از ۱۶۸۸ تغییر نداده بودند، امکان ناچیزی برای برخورداری از نوآوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید انقلاب صنعتی در اختیار داشتند. مثلاً در اسپانیا فقدان حقوق مالکیت اطمینان بخش و افول اقتصادی همه جانبه، مطلقاً انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌ها و فداکاری‌های مردم باقی نگذاشته بود. در روسیه و اتریش - مجارستان، صرفاً نادانی یا سوءمدیریت نخبگان و لفت و لیست‌های اقتصادی نظام مبتنی بر نهادهای بهره‌کش نبود که راه صنعتی شدن را بست؛ بلکه این حاکمان بودند که در برابر هر تلاشی برای ایجاد چنین تکنولوژی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های اساسی در زیرساخت‌هایی مانند راه‌آهن که می‌توانست راهی [به سوی صنعتی شدن] پیش پایشان بگذارد، فعالانه ایستادند.

در زمان انقلاب صنعتی، قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، نقشه سیاسی اروپا با نقشه امروزی آن کاملاً متفاوت بود. امپراتوری روم مقدس، لحافی چهل تکه متشکل از بیش از چهارصد واحد سیاسی که بیشتر آنها سرانجام در قالب آلمان با هم ائتلاف کردند، بیشتر اروپای مرکزی را اشغال کرده بود. پادشاهی هابسبورگ هنوز نیروی سیاسی مهمی به شمار می‌رفت و با وجود اینکه پس از افتادن تاج و تخت اسپانیا به دست بوربون‌ها در ۱۷۰۰ سلطه‌اش را بر اسپانیا از دست داد، [باز هم] امپراتوری آنکه به امپراتوری هابسبورگ یا اتریش - مجارستان شهرت داشت، بر منطقه پهناوری به وسعت ۲۵۰ هزار مایل مربع حکم می‌راند.

پادشاهی هابسبورگ از نظر جمعیتی سومین دولت بزرگ اروپا بود و یک هفتم جمعیت اروپا را در خود داشت. در اواخر قرن هجدهم، سرزمینی که امروزه بلژیک نامیده می‌شود و آن زمان هلند اتریش خوانده می‌شد، جزئی از قلمروهای غربی پادشاهی هابسبورگ بود. با این حال، بزرگ‌ترین بخش این پادشاهی مجموعه‌ای بود متشکل از اراضی همجوار واقع در اطراف اتریش و مجارستان از جمله جمهوری چک و اسلوواکی در شمال و اسلوانی و کرواسی و بخش‌های پهناوری از ایتالیا و صربستان در جنوب. در شرق نیز شامل بخش بزرگی از رومانی و لهستان امروزی بود.

اهمیت بازرگانان در قلمروهای هابسبورگ بسیار کمتر از انگلستان بود و نظام سرواژ بر سرزمین‌های اروپای شرقی مستولی بود. همان طور که در فصل ۴ دیدیم مجارستان و لهستان در مرکز نظام سرواژ ثانویه اروپای شرقی قرار داشتند.

سلسله هابسبورگ، برخلاف سلسله استوارت، توانست حکومتی به شدت مطلقه را حفظ کند. فرانسیس اول که در سال‌های ۱۷۹۲ تا ۱۸۰۶ به عنوان آخرین امپراتور امپراتوری روم مقدس حکمرانی می‌کرد، و پس از آن تا زمان مرگش در ۱۸۳۵ امپراتور اتریش - مجارستان بود، خودکامه‌ای تمام عیار بود. هیچ محدودیتی را بر قدرتش بر نمی‌تافت و فراتر از آن، در سودای حفظ وضع موجود سیاسی بود.

استراتژی اصلی‌اش مخالفت با تغییر بود؛ هر تغییری. وی ایمن موضوع را که خصیصه حاکمان هابسبورگ بود در سال ۱۸۲۱ در خلا نطقی خطاب به معلم‌ان مدرسه‌ای در لایباخ به صراحت نشان داد: «من به دانشمندان خوب نیاز ندارم، بلکه شهروندان خوب و درستکار می‌خواهم. تکلیف شما این است که جوانان را

این گونه تربیت کنید. هر کس برای من کار می‌کند باید آنچه را به او می‌فرمایم تعلیم دهد.

کسی که از عهده این کار برنیاید، و یا افکار تازه‌ای پیدا کند بهتر است برود و گرنه خودم برکنارش می‌کنم.»

ملکه ماریا ترزا که از ۱۷۴۰ تا ۱۷۸۰ حکومت می‌کرد، بارها به پیشنهاداتی درباره اصلاح یا تغییر نهادهای با این جمله پاسخ داد: «بگذارید همه چیز همان گونه که هست بماند.» با این همه، او و پسرش یوزف دوم که از ۱۷۸۰ تا ۱۷۹۰ امپراتور

موانع توسعه و علل عقب ماندگی ۳/

صنعت هراسی



بود، به ایجاد دولت مرکزی مقتدرتر و تشکیلات اجرایی کارآمدتر همت گماشتند. اما این کار را در چارچوب نظامی سیاسی انجام دادند که هیچ قید و بندی برای آنها ایجاد نمی‌کرد و نشانه‌ای از عناصر تکثرگرایی در آن دیده نمی‌شد.

مجلسی ملی که بتواند حتی ذره‌ای بر پادشاه نظارت کند در کار نبود و صرفاً نظامی متشکل از حکومت‌ها و مجالس محلی وجود داشت که بنا به پیشینه‌ای تاریخی، در حوزه‌هایی مانند مالیات‌گیری و سربرگزاری اختیاراتی داشتند. نظارتی که بر شاهان سلسله هابسبورگ در اتریش - مجارستان اعمال می‌شد حتی از نظارتی که بر شاهان اسپانیا می‌شد کمتر بود و قدرت سیاسی به شدت متمرکز بود.

پا به پای افزایش خودکامگی سلسله هابسبورگ در قرن هجدهم، قدرت همه نهادهای غیرپادشاهی ضعیف‌تر شد. وقتی فرستادگان مردم ایالت تیرول اتریش با تقدیم عریضه‌ای به فرانسیس خواستار وضع قانون اساسی شدند به آنان این گونه پاسخ داد: «که این طور، قانون اساسی می‌خواهید... پس گوش کنید، حرفی نیست، به شما قانون اساسی می‌دهیم اما باید بدانید که سربازان از من فرمان می‌برند و من اگر پول لازم داشته باشم دو بار نمی‌گویم... و نصیحتان می‌کنم که مواظب حرف‌زدنتان باشید.»

سرکردگان مردم تیرول با شنیدن این سخنان پاسخ دادند: «اگر نظر حضرتان این است، بهتر است قانون اساسی نداشته باشیم» و فرانسیس پاسخ داد «نظر من همین است.»

فرانسیس شورای حکومتی را که ماریا ترزا از آن برای نشست‌های مشورتی با وزیرانش استفاده می‌کرد منحل کرد. از آن پس، هیچ مشاوری یا بحث عمومی در خصوص تصمیمات پادشاه در کار نبود. فرانسیس دولتی پلیسی ایجاد و به شکل بی رحمانه‌ای بساط هر چیزی را که کمی رادیکال به نظر می‌رسید، جمع کرد.

کنت هارتینگ مشاور با سابقه‌اش، فلسفه حکومت او را این گونه توصیف کرد: «قبضه بی‌چون و چرای قدرت حکومت ونادیده‌انگاشتن هر ادعایی از جانب مردم برای مشارکت در این قدرت» شاهزاده فون مترنیک که در سال ۱۸۰۹ وزیر خارجه شد، در همه این کارها، مددکارش بود. دوران قدرت و تأثیرگذاری مترنیک بیشتر از فرانسیس بود و تقریباً چهل سال وزیر خارجه ماند (در حالی که از ۱۸۲۱ همزمان صدراعظم هم بود).

شالوده نهادهای اقتصادی سلسله هابسبورگ نظم فئودالی و نظام سرواژ بود. فئودالیسم در بخش‌های شرقی ترامپراتوری، حضورسنگین‌تری داشت که مطابق آنچه در فصل چهارم دیدیم نتیجه افول پردامنه‌تر نهادهای اقتصادی است که در نقاط شرقی‌تر اروپا از نقاط غربی‌تر آن مشهودتر است. محدوده‌ای که صاحبان مشاغل حق داشتند در چارچوب آن تغییر شغل دهند تنگ، و مهاجرت غیرقانونی بود.

وقتی رابرت اوئن، مصلح اجتماعی، انگلیسی کوشید برای بهتر شدن وضع تهیدستان، اجرای پاره‌ای اصلاحات اجتماعی را به دولت اتریش بقبولاند، یکی از دستیاران مترنیک به نام فردریک فون جتس در جوابش گفت: «ما ابداً به دنبال این نیستیم که توده‌های مردم به وضع بهتر و استقلال برسند... اگر چنین شود چگونه می‌توانیم بر آنها حکومت کنیم؟»

علاوه بر نظام سرواژ که یکسره مانع ظهور بازار کار شد و انگیزه‌ها و ابتکارات اقتصادی را در توده‌های روستایی خشکاند، حکومت مطلقه سلسله هابسبورگ هم تجارت را با اعمال انحصارات و دیگر تنگناها پیش می‌برد. اقتصاد شهری تحت سلطه صنفی بود که به دیگران اجازه اختیار کردن مشاغل را نمی‌دادند. نظام تعرفه‌ها در اتریش تا سال ۱۷۷۵ و در مجارستان تا سال ۱۷۸۴ برقرار بود. کالاهای وارداتی مشمول مالیات‌هایی بسیار سنگین بود و واردات و صادرات کالاها با انواع ممنوعیت عریان رو به رو بود.

سرکوب بازرها و ایجاد نهادهای اقتصادی بهره‌کش البته که جزو سرشت حکومت‌های مطلقه است، اما فرانسیس از این هم پیش‌تر رفت. داستان در این خلاصه نمی‌شود که نهادهای اقتصادی بهره‌کش انگیزه نوآوری و یا اخذ تکنولوژی‌های نو را در افراد می‌کشند.

در قبل دیدیم که چگونه در پادشاهی کنگو تلاش‌ها برای ترویج استفاده از گاو آهن راه به



دارن اعجم اوغلو نویسنده

جایی نبرد؛ زیرا به اقتضای سرشت نهادهای اقتصادی بهره‌کش، مردم انگیزه‌ای (برای استفاده از تکنولوژی جدید) نداشتند. شاه کنگو می‌دانست اگر مردم متقاعد شوند از گاو آهن استفاده کنند، بهره‌وری کشاورزی افزایش می‌یابد، ثروت بیشتری خلق می‌شود و نفعش به او می‌رسد. چنین انگیزه بالقوه‌ای در همه دولت‌ها و حتی دولت‌های خودکامه هم هست.

مشکل کنگو این بود که مردم می‌دانستند هر آن چه تولید کنند پادشاهی خودکامه از آنان می‌ستاند، و به همین علت انگیزه سرمایه‌گذاری و یا استفاده از تکنولوژی بهتر نداشتند. در قلمرو هابسبورگ، فرانسیس شهروندان را برای پذیرش تکنولوژی بهتر تشویق نمی‌کرد؛ برعکس، کاملاً با این کار مخالف بود و راه شیوع تکنولوژی‌هایی را که افراد ممکن بود حتی با وجود نهادهای اقتصادی موجود بپذیرند سد می‌کرد.

مخالفت با نوآوری به دوروش اعمال می‌شد. نخست اینکه فرانسیس اول با ایجاد و توسعه صنعت مخالف بود. (زیرا می‌دانست که) در پی صنعت کارخانه‌ها ساخته خواهند شد و کارخانه‌ها جماعات کارگری فقیر را در شهرها، به ویژه وین پایتخت اتریش، مجتمع خواهند کرد. این کارگران ممکن بود بعدها به هواداری از مخالفان حکومت مطلقه برخیزند.

سیاست‌های او معطوف به حفظ نخبگان سنتی و وضع موجود سیاسی و اقتصادی بود و می‌خواست جامعه را در همان وضع دهقانی اولیه نگه دارد. به اعتقاد فرانسیس، بهترین روش برای انجام این کار در نقطه خفه کردن کارخانه‌سازی بود. و این کار را بی‌پرده پوشی انجام داد؛ مثلاً در ۱۸۰۲ مانع ایجاد کارخانه‌ای جدید دروین شد. به جای اینکه مشوق وارد کردن کارخانجات جدید و اخذ تکنولوژی‌های تازه به عنوان سنگ بنای صنعتی شدن باشد، تا سال ۱۸۱۱ در مقابل چنین کاری ایستاد. دوم، با ساخت راه‌آهن، به مثابه یکی از تکنولوژی‌های کلیدی که با انقلاب صنعتی به وجود آمده بود مخالفت کرد. وقتی برنامه‌ای برای ساخت راه‌آهن شمالی را مقابل فرانسیس اول گذاشتند واکنشش این بود که «نه، نه، در این زمینه کاری نخواهم کرد، مبادا انقلاب به این کشور بیاید.»

از آن جا که دولت برای ساخت قطار بخاری تسهیلات نداد، لاجرم اولین راه‌آهنی که در این امپراتوری ساخته شد، در واقع کالسکه‌ای بود که روی ریل حرکت می‌کرد اما به جای موتور با اسب کشیده می‌شد. ریل‌های این خط آهن که بین شهر لاینز، در دانوب، با شهر بوهمین در بودویز در حاشیه رودخانه مولدائو کشیده شده بود، دیواره و انحنای داشت و طبعاً قطارهای بخاری روی چنین ریل‌هایی قرار نمی‌گرفت.

بنابراین این قطار تا دهه ۱۸۶۰ با قدرت اسب کار می‌کرد. سالومون روچیلد نماینده خاندان بانکدار بزرگ دروین، نخستین کسی بود که به ظرفیت‌های اقتصادی ایجاد راه‌آهن اندیشید. ناتان برادر سالومون که در انگلستان مستقر بود، به شدت تحت تأثیر موتور جورج استفنسون موسوم به «راکت» و قابلیت‌های این موتور برای ساخت نیروی رانش قطار قرار گرفت.

چراکشورهای شکست می‌خورد/ ترجمه: پویا جیل عاملی

۴ فرهنگ

چهارشنبه ۲۰ مرداد۱۳۹۵/سال نودویکم-شماره ۲۶۵۰۸

ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/۲۷۵ **اخبارات**

وقتی به مأموریت کرمان اعزام شدم، از فرماندهٔ لشکر آنجا خواهش کردم ما را در جریان اردوکنشی علیه «مراد علی مراد» که امری حاد توصیف می‌شد، قرار دهد. به دستور فرمانده، سرهنگ حاتمی گزارشی داد، به این شرح که: ما چند بار «مرادعلی مراد» و افرادش را محاصره کردیم ولی آنها با استفاده از تاریکی شب گریختند. باز آنها را تعقیب کردیم و در ارتفاعات در آگاه، غفلتا قرارگاه مراد و قارداش را تحت آتش شدید تفنگ و مسلسل گرفتیم.

در این عملیات مششعانه تلفات سنگین به دشمن وارد آمد. اشرار با استفاده از تاریکی شب متواری شدند و مطابق رسوم معمول کشتگان و زخمی‌ها را با خود بردند. تعداد یک قبضه تفنگ و رندل و دو قبضه تفنگ سر پر پا گلوله و سرب و باروت و چاشنی به غنیمت گرفته شدند. مراد و باقیماندهٔ افرادش خود را به «کُفهٔ سیرجان» رساندند که به استان فارس منتهی می‌شود؛ و چون آن منطقه از حوزهٔ عمل لشکر خارج است، دیگر به ادامهٔ تعقیب مجاز نبودیم.

این توضیحات به اندازه‌ای ضدّ و نقیض و غیرواقع می‌نمود که سئوالهای ناشی از آن بیش از جوابهای اظهار شده بود.

چگونه مراد و اتباعش (که بطور گنگ مجموعه‌شان را متجاوز از صد نفر تخمین می‌زدند) ممکن بود به یک آسیابی متروک که گنجایش بیش از ۵۴ نفر نداشت پناه برده باشند؟

چرا آنها که قصد محاربه نداشتند عالماً و عامداً خود را در قهوه‌خانه خرابه محبوس کرده بودند که محاصره شوند؟ چگونه مراد و اتباعش از دو محل محاصره شدهٔ بالا توانستند حلقهٔ محاصره را بشکنند و علیه فرار کنند بدون اینکه یک نفرشان آسیب ببینند یا حتی به چشم کسی آمده باشند؟فرمانده اردو به چه دلیل «قارداش درآگاهی» را همدست مراد فرض کرده بود و به جای مراد به او حمله‌ور شده بود؟

به چه علت سلاح بجا مانده از مراد و اتباعش یک تفنگ و رندل قدیمی و دو تفنگ سر پر بوده؟ و حال آنکه محتویات پرونده، نامبرده و اتباعش را مسلح به تفنگ برنو قلمداد کرده بود؟فرمانده اردو سرهنگ حاتمی پاسخ تمام این سئوالات را یا به سکوت و یا به توضیحات سردرگم کننده برگزار می‌کرد.

ما در هیئت بازرسی پس از تبادل فکر فیمابین تصمیم گرفتیم برای کشف حقایق، پس از بازرسی پادگان کرمان به سسیرجان و درآگاه عزیمت کنیم و سه روز بعد به همین منظور همگی کرمان را به قصد سیرجان ترک کردیم.

سیرجان در زمان قاجاریه

در کرمان پس از معارفه با فرمانده لشکر سرهنگ عزیزی (بعدا سپهبد)، و رؤساء ارکان ستاد و کسب اطلاعات کلی، خواهش کردیم ما را در جریان اردوکنشی

اخیر بر علیه «مرادعلی مراد» که امر حاذی بود قرار دهند. به دستور فرمانده لشکر فرمانده اردوی اعزامی سرهنگ پیاده حاتمی، که خود فرماندهی هنگ پیاده ستون را هم به عهده داشت در آن باره چنین توضیح داد:

ما با پی گیری و سـرـعـت رَدهٔ «مرادعلی مراد» و اتباعش را دنبال کردیم.نامبردگان را یکبار در یک آسیابی متروک نزدیک «مشین» و بار دیگر در یک قهوه‌خانهٔ خرابه نزدیک «سیرجان»، محاصره کردیم و احتمال دستگیری آنها‌می‌رفت.

متأسفانه آنها با استفاده از تاریکی شب، در هر دو مورد موفق به فرار شدند. پس از رسیدن به سیرجان، عوامل استـخـباری ما مطلع شدند که مراد و اتباعش خود را به ارتفاعات اطراف آبادی «درآگاه» کشانده‌اند: و نامبرده با «قارداش» درآگاهی که از جملهٔ همدستان اوست در درآگاه به قلعه‌داری پرداخته‌اند.

برای اینکه این مرتبه به نامبرده و اتباعش مجال فرار داده نشود شبانه و با استفاده از غافلگیری در سکوت مطلق خود را به از ارتفاعات مشـشـرف به دهکده درآگاه رساندیم؛ و پس از اشغال آن نقاط غفلتا قرارگاه مراد و قارداش را تحت آتش شدید آنچه از پروندهٔ امر اسـتـنباط می‌شد، مرادعلی مراد، یک فرد یابی بود که با تعداد غیر معلومی تفنگچی در منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۱۵۰ کیلومتر در ۱۲۰ کیلومتر یعنی ۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع، بین سیرجان، حاجی‌آباد، نیریز و شهر بابک به دستبرد و آزار اهالی می‌پرداخت.

ادارهٔ ژاندارمری به علت قَلَتِ وسایل، از ارتش تقاضای دستـگـیری او را به عمل آورده بود. لشکر کرمان اردوکنشی مفصلی که تمام هنگ پیادهٔ کرمان به علاوهٔ عوامل کمکی در آن شرکت داشتند، بر علیه نامبرده در محور کرمان، سیرجان انجام داده بود که طی آن دوبار مراد به دام افتاد. مهمل‌ها هر دو دفعه به طرز اسرارآمیزی از مهلکه نجات یافت. لشکر کرمان برای تشدید عملیات تقاضای دریافت وسایل تقویتی منجمله هواپیما،داشت.

بازدید از پادگان کرمان

قبل از اینکه عازم سسیرجان بشوم، از پادگان کرمان بازدید به عمل آوردم. این بازدید بطور کلی و بخصوص در مورد هنگ پیاده اسف‌النگیز بود. تعلیمات سربازان منحصر به مشق صف جمع و پاسداری بود. افراد کوچکترین اطلاعاتی از اخفا و استتار و چگونگی پیشروی و حفاظت زیر آتش دشمن نداشتند و پاره‌ای پس از یکسال خدمت هنوز تیراندازی نکرده بودند.

سربازان لشکر ارزاترین وسیله به شمار می‌رفتند که جانشین هر وسیلهٔ معیوب و یا مفقود شوند. از سربازها استفادهٔ تنبوشه، قفل و پنجره و نظایر آن می‌شد.

تحقیق از چهار نفر سرباز که در چهار نقطه پاسداری می‌کردند ما را به این نتیجه رساند که یکی از آنها به دلیل شکسته‌شدن تنبوشه‌های مجرای آب که سوراخ

بزرگی را در دیوار ایجاد کرده بود به پاسداری گمارده شده بود که سگ‌های ولگرد را مانع ورود به سربازخانه شود؛دیگری به علت شکسته شدن قفل صندوق دارائی مأمور بسته نگاه‌داشتن صندوق و سومی به علت احتیاج پنجرهٔ باشگاه افسران به تعمیر، مأمور حفاظت آن شده بود. عجیب‌تر از همهٔ اینها پاسـدـار چهارمی بود که

از خاطرات سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی

روزی روزگاری کرمان



نمی‌دانست برای چه جلوی درب ورودی یکی از ارکان لشکر به پاسداری گماشته شده بود!

حاتمی، فرمانده هنگ پیاده، مشهور بود از جیرهٔ سربازان سوءاستفاده می‌کند و غریب اینکه می‌گفتند دهکای در بازار کرمان دایر کرده و خواربار سربازان را به فروش می‌رساند. متأسفانه تحقیقات ما مؤید چنان انتشارات بود. دَکّهٔ موردبحث را شخصاً بازدید کردیم. وجود دَکّه و تعلق آن به سرهنگ مزبور در بازار کرمان و ربط اجناس موجودی به منشأ سربازخانه، مسلم شد.

بازرسی محلی

سرگرد نصیری (بعداً سپهبد) فرمانده گردان پیاده سیرجان: در سسیرجان یک گردان پیاده پادگان وجود داشت به فرماندهی سرگرد نعمت نصیری. او و من یکدیگر را از دبیرستان نظام و دانشکدهٔ افسری می‌شناختیم و همدوره بودیم. «نعمت سوسگی» لقبی بود که همدورهای‌ها به مناسبت تیرگی رنگ چهره‌اش به او داده بودند. او بین رفقای همکلاسی به «پخمگی» و

حرکت کند. ما با یک کامیون سرباز به آن طرف راندیم. در تمام راه اثری از رانندگان نبود. تا جایی رسیدیم که دهکده درآگاه بر فراز تپه از دور پیدا شد. برای این که موجب تحریک بیوه‌ده فراهم نشود، به سربازان دستور دادیم در پائین تپه بمانند و خودمان بدون اسلحه و با سرعت کم به طرف درآگاه بالا رفتیم. در ده جز آرامش و سکون چیزی به چشم نمی‌خورد. یک نفر ما را به طرف منزل قارداش هدایت کرد. آن محل برخلاف انتظار صورت قلعه و استحکامات رانداشت. یک منزل عادی دهقانی بود با یک بالاخانه روی سردر آن. کسی را فرستادیم که قارداش را از داخل منزل بخواند. پس از لحظه‌ای یک زن با لباس دهاتی و روی باز با سه نفر جوان در جلوی در ظاهر شدند. زن بدون این که اثر ضعف یا ترسـی در قیافه‌اش ظاهر باشد خطاب به سرتیپ عطاپور که جلوتر از همه ایستاده بود گفت: بفرمائید. آقایان را هم با خودتان بیاورید.

عطاپور حـرف زن را نشنیده گرفت. رو به جوان‌ها گفت ما می‌خواهیم قارداش را ببینیم. آن زن گفت: آقا من عیال قارداش هستم. اینها اولاد منند. شوهرم منزل نیست. در نبودن او هر کاری با این منزل باشد به عهده من است. تا من زنده هستم درب خانه قارداش باز است و هر کس می‌تواند وارد شود. شما هم بفرمائید منزل استراحت کنید. و چون تردید ما را ملاحظه کرد، گفت: اینجا خانه یتیم نیست. این پسرهای من از شما پذیرائی می‌کنند. آن وقت رو کرد به یکی از آن جوان‌ها و گفت: تو و یارعلی بروید و به آن سربازها در پائین سیورسات برسائید؛ و رو کرد به پسر دیگر و گفت: آقایان را ببر توی حیاط تا من چائی و نهار حاضر کنم.

با کمال ادب به او گفتیم ما و سربازها همه چیز با خود همراه داریم. مقصد ما تحقیق محلی است و باید بزودی برگردیم. بنابراین از قبول مهمان‌نوازی معذوریم؛ و خواهش کردیم ما را از چگونگی وضعی که موجب تیراندازی شـسـد مطلع کند. گفت: اگر از تیراندازی می‌خواهید چیزی بدانید بفرمائید، بالا، و ما را به بالاخانه منزل هدایت کرد.

در آنجا تمام شیشه‌ها و در و پنجره شکسته بود. در دیوار اطاق آثار تیراندازی شدید زنجیره‌ای که معلوم بود از گلوله مسلسل سنگین به وجود آمده ملاحظه می‌شد.

گفت: آقا این اطاق من و شوهرم است. من و شوهرم بی‌خبر از همه چیز آن روز در این اطاق صبح زود از خواب بیدار شدیم و رفتیم پائین وضو بگیریم، موقع برگشتن هنوز تیغ آفتاب نرزه بود که یک وقت روز محشر را به چشم دیدیم. صدای تیراندازی گوش فلک را کر می‌کرد و مثل باران گلوله به این اطاق ریخته شد. این کار خدائی بود که آن روز ما زودتر از معمول برای وضو گرفتن از بالاخانه رفتیم پائین، والا تکه

بزرگمان گوشمان بود. صدای تیراندازی تا مدتی قطع نمی‌شد. نمی‌دانم کی بود که صدای «درویش» را شنیدیم که می‌گفت: «کارش تمام شد». پرسیدم: «درویش» کی بود؟ گفت: «درویش» اهل همین خراب شده‌است که با شوهرم دشمنی دارد. این نمک به حرام از نان و نمک پلر قارداش بزرگ شده، اما از هیچ دشمنی و خانه خراب کنی بر ضد قارداش فروگذار نمی‌کند. نمی‌دانم چطور این مرتبه یک اردو را به سرما خراب کرد؟ خدا دیوانش را بکند. من وقتی صدای درویش را شنیدم فهمیدم اگر به قارداش برسند ناکارش می‌کنند. او را از بهاربنـسـد زیر و باغ پهلو فرار دادم که الحمدلله سلامت ماند.

آنوقت اهل اردو آمدند با درویش، هر چه بود از لحاف و تشـک و لباس و پول و طلا و نقره همه را بردند. از خدا شرم نکردند؛ قرآن خطی سرچرازی من را هم به غارت بردند. خدا خودش جزاشان را بدهد. بچه‌ها را هم زیر قنداق تفنگ سیاه کردند که الحمدلله حالا خوب شدند.

پرسیدیم: شوهرت چه رابطه‌ای با مراد علی مراد داشت؟ گفت: آقا نمی‌دانم این چه سوآلی است که اهل اردو هم کردند؟ آقا اگر شما مراد را دیدید؟ قارداش هم دیدن. این حرف‌ها را این درویش نمک به حرام توی دهن اهل اردو انداخت. قارداش و پدرش‌ای او پشت اندر پشت در اینجا زندگی و زراعت و باغ داری و حشم داری داشتند. من هیچوقت نشنیدم قارداش با یک همچو آدمی معامله داشته.

پرسیدیم: می‌گویند سه قبضه تفنگ در منزل شما بوده درباره آن چه می‌گویند؟ گفت: درست است آقا. ما در منزلمان سه تفنگ داشتیم. دو تفنگ سر پر مربوط به پدر بزرگ قارداش است که در عهد ناصرالدین شاه میرشکار بوده، لباس میرشکاری او هم در منزل توی صندوق بود که روز تیراندازی غارت کردند. شاهزاده والی کرمان خودش تفنگ‌ها را با لباس به میرشکارها داده بود. تفنگ و رندل را هم خود لشکر با جواز و یازده گلوله به قارداش داده بود که زمستان‌ها اگر گرگ و کفتار بـه ده حمله کردند جانورها را فراری دهد و نگذارد بچه‌های مردم را پاره کنند.

مردم ده رفته‌رفته دور ما جمع شدند و عموماً با اشاره سر به اظهارات عیال قارداش صَخّه می‌گذاشتند.

عیال قارداش التماس داشتست که اجازه دهند شوهرش به منزل برگردد بدون اینکه دومتبه درویش، اردو را به سر او خراب کند.

ما پس از تحقیقات دیگری از سایر اهالی محل، که عموماً اظهاراتشان مؤید گفته‌های عیال قارداش بود، به سیرجان مراجعت کردیم و چون در گزارش فرمانده ستون از «ذن مراد و اتباعش به کُفهٔ سیرجان» تصریح شده بود، تصمیم به حرکت به طرف کُفه گرفتیم.

ادامه دارد



حششه. در هر حال مروده. گریه‌ام آمد. اشک چشم‌هایم را پر کرد، تا شاید الماسی از خر شیطان پیاده شود. دفتدار گفت: جناب مدبر! شما که می‌دانید آقای اتابکی چقدر... مدیر انگشت سیابه‌اش را برد به طرف دهانش ! گفت: نفرمائید آقای غیائی. قباحـت دارد به خدا. درست نیست

والله، درست نیست! بالله! بعد هم کارنامه را داد دستم مرا دید و سرش را بلند کرد، گیج و منگ شد. گفت: شـما دو تا داداشید؟ بعد چشم دوخت به کسی که زیر کتک‌هایش داشت نفس نفس می‌زد، بعد در حالی که مـشتی را حوالهٔ سرش می‌کرد، گفت: پدرسوخته!

چقدر شبیه این اشغال هستی و من تا امروز «دهار» او را به یک طرفـ فرار کرده‌ام! بعد هم کارنامه را داد دستم مرا دید و سرش را بلند کرد، گیج و منگ شد. گفت: شـما دو تا داداشید؟ بعد چشم دوخت به کسی که زیر کتک‌هایش داشت نفس نفس می‌زد، بعد در حالی که مـشتی را حوالهٔ سرش می‌کرد، گفت: پدرسوخته!

چقدر شبیه این اشغال هستی و من تا امروز «دهار» او را به یک طرفـ

فرهنگ

چهارشنبه ۲۰ مرداد۱۳۹۵/سال نودویکم-شماره ۲۶۵۰۸

اخبارات ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/۲۷۵

لوح

در کوچه باغ «اندیشه‌ها»

«ظلم» عدل مدفون است

آنکه دچار فراق است، مظلوم نیست، بیچاره است. مظلوم هم اگر هست، خودش به خود ظلم کرده است. پس فراق ظلم به خویشتن است: «انا ظلمنا انفسنا». وقتی به نقصمان ظلم کنیم، دچار فراق می‌شویم. فراق یا جدایی از ظلم پدید می‌آید. منشا فراق، ظلم است. نه ظلم حق، که ظلم بندگان.

خدا اگر می‌خواست ظلم کند، می‌گفت و اعلام می‌کرد. اگر می‌خواست ظلم کند، می‌گفت. اگر می‌خواست ظلم کند، نمی‌آفرید. ظلم او نیافریدن بود که آفریده است. او عدل می‌کند و می‌آفریند. بنده است که ظلم می‌کند و خود را دچار فراق می‌کند. فراق ظلم بنده در حق خودش است و در حق خدای خودش. وصال را از یاد بردن و مبدل به فراق کردن، عین ظلم است.

برای پایان دادن به فراق باید دستست از ظلم کشید. هم ظلم به نفس فراق می‌آورد، هم ظلم به دیگران. مطلق ظلم فراق‌آور و فراق ساز است.

خدا فراموش نمی‌کند، انسان است که فراموش می‌کند. خدا به یاد می‌آورد، انسان فراموش می‌کند. انسان آنچه را که خدا به یاد او می‌آورد هم فراموش می‌کند. کار خدا با یاد آوردن انسان است، کار انسان فراموش کردن آنها.

انسان با یاد بیگانه است، خدا با فراموشی. خداوند می‌بخشد، بدون اینکه فراموش کند. تصورفراموشی درباره خدا خطای محض است.

اشخاص بسیار کمی هستند که آنچه را که خدا به یادشان می‌آورد، فراموش نکنند و به خاطر داشته باشند.

خدا یاد است و یاد آور و انسان فراموش فراموشکار. هر کس هر چیزی را به یاد می‌آورد از خداست. یادها از خداست و فراموشی‌ها از انسان.

خداوند دل را بی قرار آفریده است، جوروی بی قرار که جز با او و یاد او آرام و باقرار نمی‌شود. خداوند انسان را محتاج آفریده است. جوروی محتاج که جز با او نیازش برطرف نمی‌شود. آری نیازهای انسان با قابل رفع نیست، مگر با خداوند.

ساز و سهه تار آینه جهان نیست، زبان جهان است. جهان از زبان سه تار حرف می‌زند. سازها آواز جهانند. آواز جهان از حلقوم سه تار بیرون می‌آید. گوشه‌های سه تار، گوشه‌های جهان و انسان را روایت می‌کنند.

یک ساز حجم و اندازه‌اش یک متر است، ولی از هر جزش صدا و آوا و فریادی خارج می‌شود. این حرفهای جهان است و روح و جهان روح.

خدا انسانان را می‌آفریند و انسان، انسان را و انسان‌ها شهرها را.

خدا عدل می‌کند و انسانان ظلم. خدا غیر از عدل نمی‌کند و انسان غیر ظلم نمی‌کند. انسانان با ظلم‌هایشان عدل خداوند را کنار می‌زنند و خداوند همچنان عدل می‌کند. با ظلمی دیگر عدل خدا را کنار می‌زنند و عزل می‌کنند، آنگاه می‌گویند: عدل

نیست! می‌پرسند: پس عدل چه می‌شود؟ عدل خدا کجاست؟ به جای اینکه از همدیگر بپرسند، از خدا می‌پرسند. عدل زیر ظلم دفن شده است. ظلم مقبره عدل است. عدل را دفن کنید می‌شود ظلم.

توقع گزافی است که از خدا انتظار داشته باشیم به جای بندگانش عدل کند. عدل بنده‌ها با خودشان است. عدلی که خدا از طرف بنده‌ها بکند، عدل نمی‌شود، جبر خواهد بود و بنده‌ها اول مخالفان جبرند.

بسیاری از مقبره‌ها، مقبره‌ظلمند. عدل را کشته‌اند، دفن کرده‌اند، ششده است. مقبره. کسانی که چنین می‌کنند، کشتن عدل را عملی مقدس می‌دانند و برای این کار از انسانها هزینه و اجرت هم می‌گیرند. پول قتل و کشتن عدل طلب را دارند و با پوشش‌های تقدس می‌گیرند و کارشان چیزی جز همین نیست: شناخت عدالت، پیدا کردن عدالت و کشتن عدالت و برافراشتن مزار و بارگاهی با گنبد‌های مطلا و مناره‌های رنگارنگ.

انسان ظلم می‌کند، چون حق ظلم نمی‌کند. اگر حق ظلم می‌کرد که حق نبود. اگر خدا اهل ظلم بود، نوبت به انسان نمی‌رسید که ظلم کند و حتی گام بر پهنه زمین بگذارد! چون حق ظلم نمی‌کند، انسان ظلم می‌کند. از طرف دیگر، چون انسان ظلم می‌کند پس خدا ظلم نیست. این یک قاعده عقلی است.

انسان ظلم می‌کند. به خود حق ظلم می‌کند. به ظلم انسان در اصل به خداست، حتی اگر به خودش باشد. حتی اگر ظلم به نفس باشد یا ظلم به غیر. غیری نیست. هرچه هست حق است و ظلم، ستم بر خدای تعالی است.

با اینکه خدا اهل ظلم نیست و ستم نمی‌کند، دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان را خود بر عهده دارد. ظلمی نیست مگر اینکه خدا استیفای آن را برعهده گرفته است. ظلمی هست که با وجود خداوند و با شمول عدل او جبران و تدارک نشود؟

انسان از انسان، گریزی ندارد. قرآن می‌گوید: «**جعلنا بعضکم من بعض**». همین قرآن می‌فرماید: «**وجعلنا بعضکم لبعض فتنة**». این آیه از آدم تا آخرین آدم شمول دارد. زنان و مردان به تفاهم نخواهند رسید. ماجرای انسان پایان ناپذیر است، چون چراغ فتنه روشن است. چراغ فتنه از ازل روشن است و آدمی فتنه را خاموش نمی‌کند، تا ابد شعله‌ورتر می‌کند.

فقیر است و فقیر خواهد ماند کسی که خداوند ثروتش نباشد. فقیر بی خدایی با چه ثروتی قابل برطرف شدن است؟

زندگی اعراض از مرگ است و مرگ اعراض از زندگی. آدمی از مرگ به زندگی و از زندگی به مرگ می‌رسد. به همین جهت ما محفوف در مرگ و زندگی هستیم و بین الاعراضین.

کرم فیضی

۴ فرهنگ

چهارشنبه ۲۰ مرداد۱۳۹۵/سال نودویکمشماره ۲۶۵۰۸

ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/۲۷۵ **اخبارات**

وقتی به مأموریت کرمان اعزام شدم، از فرمانده لشکر آنجا خواش کردم ما را در جریان اردوکنشی علیه «مراد علی مراد» که امری حاد توصیف می شد، قرار دهد. به دستور فرمانده، سرهنگ حاتمی گزارشی داد، به این شرح که: ما چند بار «مرادعلی مراد» و افرادش را محاصره کردیم ولی آنها با استفاده از تاریکی شب گریختند. باز آنها را تعقیب کردیم و در ارتفاعات در آگاه، غفلتا قرارگاه مراد و قارداش را تحت آتش شدید تفنگ و مسلسل گرفتیم.

در این عملیات مششعانه تلفات سنگین به دشمن وارد آمد. اشرار با استفاده از تاریکی شب متواری شدند و مطابق رسوم معمول کشتگان و زخمی ها را با خود بردند. تعداد یک قبضه تفنگ و رندل و دو قبضه تفنگ سر پر پا گلوله و سرب و باروت و چاشنی به غنیمت گرفته شدند. مراد و باقیماندهٔ افرادش خود را به کُفّهٔ سیرجان رساندند که به استان فارس منتهی می شود؛ و چون آن منطقه از حوزهٔ عمل لشکر خارج است، دیگر به ادامهٔ تعقیب مجاز نبودیم.

این توضیحات به اندازه‌ای ضدّ و نقیض و غیرواقع می‌نمود که سئوالهای ناشی از آن بیش از جوابهای اظهار شده بود.

چگونه مراد و اتباعش (که بطور گنگ مجموعه‌شان را متجاوز از صد نفر تخمین می‌زدند) ممکن بود به یک آسیابی متروک که گنجایش بیش از ۵۴ نفر نداشت پناه برده باشند؟

چرا آنها که قصد محاربه نداشتند عالماً و عامداً خود را در قهوه‌خانه خرابه محبوس کرده بودند که محاصره شوند؟ چگونه مراد و اتباعش از دو محل محاصره شدهٔ بالا توانستند حلقهٔ محاصره را بشکنند و علیه فرار کنند بدون اینکه یک نفرشان آسیب ببینند یا حتی به چشم کسی آمده باشند؟فرمانده اردو به چه دلیل «قارداش درآگاهی» را همدست مراد فرض کرده بود و به جای مراد به او حمله‌ور شده بود؟

به چه علت سلاح بجا مانده از مراد و اتباعش یک تفنگ و رندل قدیمی و دو تفنگ سر پر بوده؟ و حال آنکه محتویات پرونده، نامبرده و اتباعش را مسلح به تفنگ برنو قلمداد کرده بود؟فرمانده اردو سرهنگ حاتمی پاسخ تمام این سئوالات را یا به سکوت و یا به توضیحات سردرگم کننده برگزار می‌کرد.

ما در هیئت بازرسی پس از تبادل فکر فیما بین تصمیم گرفتیم برای کشف حقایق، پس از بازرسی پادگان کرمان به سسیرجان و درآگاه عزیمت کنیم و سه روز بعد به همین منظور همگی کرمان را به قصد سیرجان ترک کردیم.

سیرجان در زمان قاجاریه

در کرمان پس از معارفه با فرمانده لشکر سرهنگ عزیزی (بعدا سپهبد)، و رؤساء ارکان ستاد و کسب اطلاعات کلی، خواش کردیم ما را در جریان اردوکنشی

اخیر بر علیه «مرادعلی مراد» که امر حاذی بود قرار دهند. به دستور فرمانده لشکر فرمانده اردوی اعزامی سرهنگ پیاده حاتمی، که خود فرماندهی هنگ پیاده ستون را هم به عهده داشت در آن باره چنین توضیح داد:

ما با پی گیری و سـرـعـت رذ «مرادعلی مراد» و اتباعش را دنبال کردیم.نامبردگان را یکبار در یک آسیابی متروک نزدیک «مشین» و بار دیگر در یک قهوه‌خانهٔ خرابه نزدیک «سیرجان»، محاصره کردیم و احتمال دستگیری آنها‌می‌رفت.

متأسفانه آنها با استفاده از تاریکی شب، در هر دو مورد موفق به فرار شدند. پس از رسیدن به سیرجان، عوامل استـخـباری ما مطلع شدند که مراد و اتباعش خود را به ارتفاعات اطراف آبادی «درآگاه» کشانده‌اند: و نامبرده با «قارداش» درآگاهی که از جملهٔ همدستان اوست در درآگاه به قلعه‌داری پرداخته‌اند.

برای اینکه این مرتبه به نامبرده و اتباعش مجال فرار داده نشود شبانه و با استفاده از غافلگیری در سکوت مطلق خود را به از ارتفاعات مشـشـرف به دهکده درآگاه رساندیم؛ و پس از اشغال آن نقاط غفلتا قرارگاه مراد و قارداش را تحت آتش شدید آنچه از پروندهٔ امر اسـتـنباط می‌شد، مرادعلی مراد، یک فرد یابی بود که با تعداد غیر معلومی تفنگچی در منطقه‌ای به وسعت تقریبی ۱۵۰ کیلومتر در ۱۲۰ کیلومتر یعنی ۱۸۰۰۰ کیلومتر مربع، بین سیرجان، حاجی‌آباد، نیریز و شهر بابک به دستبرد و آزار اهالی می‌پرداخت.

ادارهٔ ژاندارمری به علت قَلَتِ وسایل، از ارتش تقاضای دستـگـیری او را به عمل آورده بود. لشکر کرمان اردوکنشی مفصلی که تمام هنگ پیادهٔ کرمان به علاوهٔ عوامل کمکی در آن شرکت داشتند، بر علیه نامبرده در محور کرمان، سیرجان انجام داده بود که طی آن دیوار مرصاد به دام افتاد. مهملها هر دو دفعه به طرز اسرارآمیزی از مهلکه نجات یافت. لشکر کرمان برای تشدید عملیات تقاضای دریافت وسایل تقویتی منجمله هواپیما،داشت.

بازدید از پادگان کرمان

قبل از اینکه عازم سسیرجان بشوم، از پادگان کرمان بازدید به عمل آوردم. این بازدید بطور کلی و بخصوص در مورد هنگ پیاده اسف‌النگیز بود. تعلیمات سربازان منحصـر به مشق صف جمع و پاسداری بود. افراد کوچکترین اطلاعاتی از اخفا و استتار و چگونگی پیشروی و حفاظت زیر آتش دشمن نداشتند و پاره‌ای پس از یکسال خدمت هنوز تیراندازی نکرده بودند.

سربازان لشکر ارزاترین وسیله به شمار می‌رفتند که جانشین هر وسیلهٔ معیوب و یا مفقود شوند. از سربازها استفادهٔ تنبوشه، قفل و پنجره و نظایر آن می‌شد.

تحقیق از چهار نفر سرباز که در چهار نقطه پاسداری می‌کردند ما را به این نتیجه رساند که یکی از آنها به دلیل شکسته‌شدن تنبوشه‌های مجرای آب که سوراخ

بزرگی را در دیوار ایجاد کرده بود به پاسداری گمارده شده بود که سگ‌های ولگرد را مانع ورود به سربازخانه شود؛دیگری به علت شکسته شدن قفل صندوق دارائی مأمور بسته نگاه داشتن صندوق و سومی به علت احتیاج پنجرهٔ باشگاه افسران به تعمیر، مأمور حفاظت آن شده بود. عجیب‌تر از همهٔ اینها پاسـدـار چهارمی بود که

از خاطرات سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی

روزی روزگاری کرمان



نمی‌دانست برای چه جلوی درب ورودی یکی از ارکان لشکر به پاسداری گماشته شده بود!

حاتمی، فرمانده هنگ پیاده، مشهور بود از جیرهٔ سربازان سوءاستفاده می‌کند و غریب اینکه می‌گفتند دهکای در بازار کرمان دایر کرده و خواربار سربازان را به فروش می‌رساند. متأسفانه تحقیقات ما مؤید چنان انتشارات بود. دکهٔ موردبحث را شخصاً بازدید کردیم. وجود دکه و تعلق آن به سرهنگ مزبور در بازار کرمان و ربط اجناس موجودی به منشأ سربازخانه، مسلم شد.

بازرسی محلی

سرگرد نصیری (بعداً سپهبد) فرمانده گردان پیاده سیرجان: در سسیرجان یک گردان پیاده پادگان وجود داشت به فرماندهی سرگرد نعمت نصیری. او و من یکدیگر را از دبیرستان نظام و دانشکدهٔ افسری می‌شناختیم و همدوره بودیم. «نعمت سوسگی» لقبی بود که همدورهای‌ها به مناسبت تیرگی رنگ چهره‌اش به او داده بودند. او بین رفقای همکلاسی به «پخمگی» و

حرکت کند. ما با یک کامیون سرباز به آن طرف راندیم. در تمام راه اثری از رانندگان نبود. تا جایی رسیدیم که دهکده درآگاه بر فراز تپه از دور پیدا شد. برای این که موجب تحریک بیوه‌ده فراهم نشود، به سربازان دستور دادیم در پائین تپه بمانند و خودمان بدون اسلحه و با سرعت کم به طرف درآگاه بالا رفتیم. در ده جز آرامش و سکون چیزی به چشم نمی‌خورد. یک نفر ما را به طرف منزل قارداش هدایت کرد. آن محل برخلاف انتظار صورت قلعه و استحکامات رانداشت. یک منزل عادی دهقانی بود با یک بالاخانه روی سردر آن. کسی را فرستادیم که قارداش را از داخل منزل بخواند. پس از لحظه‌ای یک زن با لباس دهاتی و روی باز با سه نفر جوان در جلوی در ظاهر شدند. زن بدون این که اثر ضعف یا ترسـی در قیافه‌اش ظاهر باشد خطاب به سرتیپ عطاپور که جلوتر از همه ایستاده بود گفت: بفرمائید. آقایان را هم با خودتان بیاورید.

عطاپور حـرـف زن را نشنیده گرفت. رو به جوان‌ها گفت ما می‌خواهیم قارداش را ببینیم. آن زن گفت: آقا من عیال قارداش هستم. اینها اولاد منند. شوهرم منزل نیست. در نبودن او هر کاری با این منزل باشد به عهده من است. تا من زنده هستم درب خانه قارداش باز است و هر کس می‌تواند وارد شود. شما هم بفرمائید منزل استراحت کنید. و چون تردید ما را ملاحظه کرد، گفت: اینجا خانه یتیم نیست. این پسرهای من از شما پذیرائی می‌کنند. آن وقت رو کرد به یکی از آن جوان‌ها و گفت: تو و یارعلی بروید و به آن سربازها در پائین سیورسات برسائید؛ و رو کرد به پسر دیگر و گفت: آقایان را ببر توی حیاط تا من چائی و نهار حاضر کنم.

با کمال ادب به او گفتیم ما و سربازها همه چیز با خود همراه داریم. مقصد ما تحقیق محلی است و باید بزودی برگردیم. بنابراین از قبول مهمان‌نوازی معذوریم؛ و خواش کردیم ما را از چگونگی وضعی که موجب تیراندازی شـسـد مطلع کند. گفت: اگر از تیراندازی می‌خواهید چیزی بدانید بفرمائید، بالا، و ما را به بالاخانه منزل هدایت کرد.

در آنجا تمام شیشه‌ها و در و پنجره شکسته بود. در دیوار اطاق آثار تیراندازی شدید زنجیره‌ای که معلوم بود از گلوله مسلسل سنگین به وجود آمده ملاحظه می‌شد.

گفت: آقا این اطاق من و شوهرم است. من و شوهرم بی‌خبر از همه چیز آن روز در این اطاق صبح زود از خواب بیدار شدیم و رفتیم پائین وضو بگیریم، موقع برگشتن هنوز تیغ آفتاب نرزه بود که یک وقت روز محشر را به چشم دیدیم. صدای تیراندازی گوش فلک را کر می‌کرد و مثل باران گلوله به این اطاق ریخته شد. این کار خدائی بود که آن روز ما زودتر از معمول برای وضو گرفتن از بالاخانه رفتیم پائین، والا تکه

بزرگمان گوشمان بود. صدای تیراندازی تا مدتی قطع نمی‌شد. نمی‌دانم کی بود که صدای «درویش» را شنیدیم که می‌گفت: «کارش تمام شد». پرسیدم: «درویش» کی بود؟ گفت: «درویش» اهل همین خراب شده‌است که با شوهرم دشمنی دارد. این نمک به حرام از نان و نمک پلر قارداش بزرگ شده، اما از هیچ دشمنی و خانه خراب کنی بر ضد قارداش فروگذار نمی‌کند. نمی‌دانم چطور این مرتبه یک اردو را به سرما خراب کرد؟ خدا دیوانش را بکند. من وقتی صدای درویش را شنیدم فهمیدم اگر به قارداش برسند ناکارش می‌کنند. او را از بهاربنـسـد زیر و باغ پهلو فرار دادم که الحمدلله سلامت ماند.

آنوقت اهل اردو آمدند با درویش، هر چه بود از لحاف و تشـک و لباس و پول و طلا و نقره همه را بردند. از خدا شرم نکردند؛ قرآن خطی سرچرازی من را هم به غارت بردند. خدا خودش جزاشان را بدهد. بچه‌ها را هم زیر قنداق تفنگ سیاه کردند که الحمدلله حالا خوب شدند.

پرسیدیم: شوهرت چه رابطه‌ای با مراد علی مراد داشت؟ گفت: آقا نمی‌دانم این چه سوآلی است که اهل اردو هم کردند؟ آقا اگر شما مراد را دیدید؟ قارداش هم

دید. این حرف‌ها را این درویش نمک به حرام توی دهان اهل اردو انداخت. قارداش و پدرهای او پشت اندر پشت در اینجا زندگی و زراعت و باغ داری و حشم داری داشتند. من هیچوقت نشنیدم قارداش با یک همچو آدمی معامله داشته.

پرسیدیم: می‌گویند سه قبضه تفنگ در منزل شما بوده درباره آن چه می‌گویند؟ گفت: درست است آقا. ما در منزلمان سه تفنگ داشتیم. دو تفنگ سر پر مربوط به پدر بزرگ قارداش است که در عهد ناصرالدین شاه میرشکار بوده، لباس میرشکاری او هم در منزل توی صندوق بود که روز تیراندازی غارت کردند. شاهزاده والی کرمان خودش تفنگ‌ها را با لباس به میرشکارها داده بود. تفنگ و رندل را هم خود لشکر با جواز و یازده گلوله به قارداش داده بود که زمستان‌ها اگر گرگ و کفتار بـه ده حمله کردند جانورها را فراری دهد و نگذارد بچه‌های مردم را پاره کنند.

مردم ده رفته‌رفته دور ما جمع شدند و عموماً با اشاره سر به اظهارات عیال قارداش صخّ می‌گذاشتند.

عیال قارداش التماس داشتست که اجازه دهند شوهرش به منزل برگردد بدون اینکه دمرتبه درویش، اردو را به سر او خراب کند.

ما پس از تحقیقات دیگری از سایر اهالی محل، که عموماً اظهاراتشان مؤید گفته‌های عیال قارداش بود، به سیرجان مراجعت کردیم و چون در گزارش فرمانده ستون از «ذن مراد و اتباعش به کُفّهٔ سیرجان» تصریح شده بود، تصمیم به حرکت به طرف کُفّه گرفتیم. ادامه دارد



حششه. در هر حال مروده. گریه‌ام آمد. اشک چشم‌هایم را پر کرد، تا شاید الماسی از خر شیطان پیاده شود. دفتردار گفت: جناب مدبر! شما که می‌دانید آقای اتابکی چقدر... مدیر انگشت سیابه‌اش را برد به طرف دهانش ! گفت: نفرمائید آقای غیائی. قباحـت دارد به خدا. درست نیست والله، درست نیست بالله! بعد هم کارنامه را داد دستم و همانگونه که مرغ و خروس را از جایی کیش کیش می‌کنند، مرا از آتـش بیرون کرد.

حالا عالم روی سرم خراب شده بود. درد مرودوی به یک طرف، این پردهٔ آخری که با چشمـم خود دیده بسودم به یک طرف. هیچ وقت فکر نمی‌کردم که

چهارشنبه ۲۰ مرداد۱۳۹۵/سال نودویکمشماره ۲۶۵۰۸

اخبارات ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/۲۷۵

لوح

در کوچه باغ «اندیشه‌ها»

«ظلم» عدل مدفون است

آنکه دچار فراق است، مظلوم نیست، بیچاره است. مظلوم هم اگر هست، خودش به خود ظلم کرده است. پس فراق ظلم به خویشتن است: «انا ظلمنا انفسنا». وقتی به نقصمان ظلم کنیم، دچار فراق می‌شویم. فراق یا جدایی از ظلم پدید می‌آید. منشا فراق، ظلم است. نه ظلم حق، که ظلم بندگان.

خدا اگر می‌خواست ظلم کند، می‌گفت و اعلام می‌کرد. اگر می‌خواست ظلم کند، می‌کرد. اگر می‌خواست ظلم کند، نمی‌آفرید. ظلم او نیافریدن بود که آفریده است. او عدل می‌کند و می‌آفریند. بنده است که ظلم می‌کند و خود را دچار فراق می‌کند. فراق ظلم بنده در حق خودش است و در حق خدای خودش. وصال را از یاد بردن و مبدل به فراق کردن، عین ظلم است.

برای پایان دادن به فراق باید دستست از ظلم کشید. هم ظلم به نفس فراق می‌آورد، هم ظلم به دیگران. مطلق ظلم فراق‌آور و فراق ساز است.

خدا فراموش نمی‌کند، انسان است که فراموش می‌کند. خدا به یاد می‌آورد، انسان فراموش می‌کند. انسان آنچه را که خدا به یاد او می‌آورد هم فراموش می‌کند. کار خدا با یاد آوردن انسان است، کار انسان فراموش کردن آنها.

انسان با یاد بیگانه است، خدا با فراموشی. خداوند می‌بخشد، بدون اینکه فراموش کند. تصورفراموشی درباره خدا خطای محض است.

اشخاص بسیار کمی هستند که آنچه را که خدا به یادشان می‌آورد، فراموش نکنند و به خاطر داشته باشند.

خدا یاد است و یاد آور و انسان فراموش فراموشکار. هر کس هر چیزی را به یاد می‌آورد از خداست. یادها از خداست و فراموشی‌ها از انسان.

خداوند دل را بی قرار آفریده است، جوروی بی قرار که جز با او و یاد او آرام و باقرار نمی‌شود. خداوند انسان را محتاج آفریده است. جوروی محتاج که جز با او نیازش برطرف نمی‌شود. آری نیازهای انسان با قابل رفع نیست، مگر با خداوند.

ساز و سه تار آینه جهان نیست، زبان جهان است. جهان از زبان سه تار حرف می‌زند. سازها آواز جهانند. آواز جهان از حلقوم سه تار بیرون می‌آید. گوشه‌های سه تار، گوشه‌های جهان و انسان را روایت می‌کنند.

یک ساز حجم و اندازه اش یک متر است، ولی از هر جزش صدا و آوا و فریادی خارج می‌شود. این حرفهای جهان است و روح و جهان روح.

خدا انسانان را می‌آفریند و انسان، انسان را و انسان‌ها شهرها را.

خدا عدل می‌کند و انسانان ظلم. خدا غیر از عدل نمی‌کند و انسان غیر ظلم نمی‌کند. انسانان با ظلم‌هایشان عدل خداوند را کنار می‌زنند و خداوند همچنان عدل می‌کند. با ظلمی دیگر عدل خدا را کنار می‌زنند و عزل می‌کنند، آنگاه می‌گویند: عدل

فرهنگی

ویژه فرهنگ تاریخ وتمدن ایران وجهان/۲۷۵

اخبارات

نیست! می‌پرسند: پس عدل چه می‌شود؟ عدل خدا کجاست؟ به جای اینکه از همدیگر بپرسند، از خدا می‌پرسند. عدل زیر ظلم دفن شده است. ظلم مقبره عدل است. عدل را دفن کنید می‌شود ظلم.

توقع گزافی است که از خدا انتظار داشته باشیم به جای بندگانش عدل کند. عدل بنده‌ها با خودشان است. عدلی که خدا از طرف بنده‌ها بکند، عدل نمی‌شود، جبر خواهد بود و بنده‌ها اول مخالفان جبرند.

بسیاری از مقبره‌ها، مقبره‌ظلمند. عدل را کشته‌اند، دفن کرده‌اند، ششده است. مقبره. کسانی که چنین می‌کنند، کشتن عدل را عملی مقدس می‌دانند و برای این کار از انسانها هزینه و اجرت هم می‌گیرند. پول قتل و کشتن عدل طلب را دارند و با پوشش‌های تقدس می‌گیرند و کارشان چیزی جز همین نیست: شناخت عدالت، پیدا کردن عدالت و کشتن عدالت و برافراشتن مزار و بارگاهی با گنبدهای مطلا و مناره‌های رنگارنگ.

انسان ظلم می‌کند، چون حق ظلم نمی‌کند. اگر حق ظلم می‌کرد که حق نبود. اگر خدا اهل ظلم بود، نوبت به انسان نمی‌رسید که ظلم کند و حتی گام بر پهنه زمین بگذارد! چون حق ظلم نمی‌کند، انسان ظلم می‌کند. از طرف دیگر، چون انسان ظلم می‌کند پس خدا ظلم نیست. این یک قاعده عقلی است.

انسان ظلم می‌کند. به خود حق ظلم می‌کند. به ظلم انسان در اصل به خداست، حتی اگر به خودش باشد. حتی اگر ظلم به نفس باشد یا ظلم به غیر. غیری نیست. هرچه هست حق است و ظلم، ستم بر خدای تعالی است.

با اینکه خدا اهل ظلم نیست و ستم نمی‌کند، دفاع از مظلومان و ستم‌دیدگان را خود بر عهده دارد. ظلمی نیست مگر اینکه خدا استیفای آن را برعهده گرفته است. ظلمی هست که با وجود خداوند و با شمول عدل او جبران و تدارک نشود؟

انسان از انسان، گریزی ندارد. قرآن می‌گوید: «**جعلنا بعضکم من بعض**». همین قرآن می‌فرماید: «**وجعلنا بعضکم لبعض فتنة**». این آیه از آدم تا آخرین آدم شمول دارد. زنان و مردان به تفاهم نخواهند رسید. ماجرای انسان پایان ناپذیر است، چون چراغ فتنه روشن است. چراغ فتنه از ازل روشن است و آدمی فتنه را خاموش نمی‌کند، تا ابد شعله‌ورتر می‌کند.

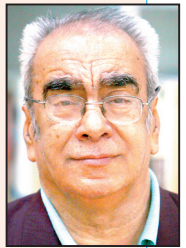
فقیر است و فقیر خواهد ماند کسی که خداوند ثروتش نباشد. فقیر بی خدایی با چه ثروتی قابل برطرف شدن است؟

زندگی اعراض از مرگ است و مرگ اعراض از زندگی. آدمی از مرگ به زندگی و از زندگی به مرگ می‌رسد. به همین جهت ما محفوف در مرگ و زندگی هستیم و بین الاعراضین.

کرم فیضی



نکته



زندگینامه - حاج ملا محمدحسین فرزند حاج ملا احمد نطنزی در سال ۱۲۳۵ هـ.ق (۱۱۹۸ هـ.ش) در کاشان دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی خود را نزد پدر و برادرش میرزا ابوتراب یکی از فقهای بزرگ نیمه دوم قرن ۱۳ و حاج محمدتقی پشت مشهدی و دیگر بزرگانی که بیشتر آنان شاگردان جد مادریش حاج ملااحمد فاضل نراقی (۱۲۴۵-۱۱۸۵ هـ.ق) بودند، در مدرسه سلطانی کاشان و خارج از آن به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و مدت سه سال در مدارس علمیه آنجا به تحصیلات خود ادامه داد. سپس به کاشان مراجعت کرد و به عنوان فقیه و مرجع بزرگ دینی به حل و فصل امور شرعی مردم پرداخت. پس از درگذشت برادر و پدرش به مدرسی مدرسه سلطانی برگزیده شد و به حجه الاسلام شهرت داشت. او حاکم شرع کاشان نیز بود. در تاریخ منتظم ناصری آمده است: «رساله عملیه فارسی جناب حجه الاسلام حاجی ملا محمد حسین مجتهد کاشانی به طبع رسیده و مجاناً منتشر گردید»

در المآثر و الآثار محمدحسن خان اعتمادالسلطنه ج ۳، ص ۲۰۳۹ آمده است: «حاج مولی محمدحسین مجتهد کاشانی ملقب به حجه الاسلام در فقاقت و ریاضیات ید طولایی دارد.»

میرزا احمد دیوان بیگی شیرازی در حقیقه الشعراء، ضمن شرح حال حاج ملا محمدحسن نطنزی به حاج ملا محمدحسین اشاره کرده و می نویسد: «چنان که حاجی ملا محمدحسین برادر کمترشان، اکنون از مشاهیر علماء و در نمره اول علمای کاشان بلکه بر همه به اقتضای زیاده علم و عمر تقدم دارند...»

حاجی ملا محمد حسین نطنزی به سال ۱۲۹۷ هـ.ق طی فرمانی از طرف ناصرالدین شاه قاجار به مدرسی مدرسه سلطانی کاشان منصوب شد.

متن فرمان

(محل مهر) «جناب فخامت نصاب امیرالامراء العظام محمد مهدی خان اعتضادالدوله حکمران ولایت قم و کاشان به عنایت خاطر مرحمت مظاهر همایونی سرافراز و مباهی بوده اند. از قراری که در پیشگاه حضور مهر ظهور همایون مکشوف و مشهود افتاده از قرار فرامین متعدده و نوشتجات شرعیه تدریس مدرسه خاقان مغفور طاب ثراه حق جناب شریعتمدار حاجی ملا محمد حسین مجتهد نطنزی سلمه الله است. لکن به جهت بعضی ملاحظات به

ادامه از صفحه اول

یک مشت طلبه خام که قرآن را نمی توانند بخوانند به جان مردم انداخته اند به اسم تبلیغ، یک عقیده پدر و مادری هم که دارند از دست ایشان می گیرند و برمی گردند، طلبه ای که از اول شب تا به سحر مشغول تماشای فیلم های کذا و کذا است می خواهد دین یاد مردم بدهد؟ باز هم خدا به فریاد برسد (ص ۴۹).

شیطان گفت: پیغمبر ایشان فرمود گوشت خوک، آدم را بی غیرت می کند. به هر نحوی هست گوشت خوک را به ایشان بخوراند... دشمن گفت: کالباس درست کنید و مقدار کمی گوشت خوک در آن بگذارید و مخلوط کنید که نفهمد... دشمن گفت: باید مدرسه باز کنید و بچه ها را به هر نحوی که دوست دارید تربیت کنید و در مدرسه، اول باید قرآن و حساب و حسن خلق یاد بدهید... دشمن گفت: بیاید فوتبال بازی کنید... دشمن گفت باید طب قدیم را از بین ایشان برداریم و به جای آن طب جدید بیاوریم و تمام داروهارا به صورت قرص یا کپسول درآوریم و پوست

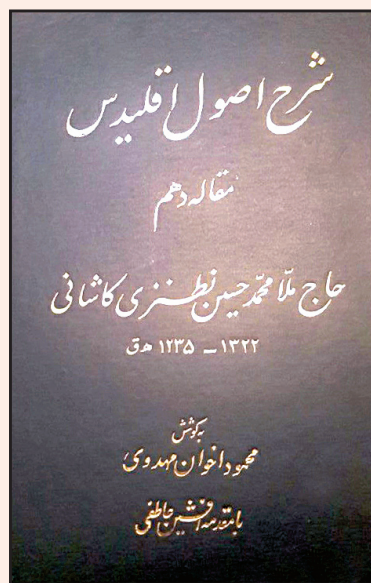
کشتکول انقلاب

صدور این ملفوفه فرمان عنایت مألوفه امر و مقرر می فرماییم. عجلالتا جناب مشارالیه تدریس را خارج از مدرسه نمایند و حق تدریس کماکان موافق وقف نامه

شرح حال و آثار حاج ملا محمد حسین نطنزی کاشانی

صاحب رساله

تذکر: راقم این مقاله که همیشه کوشش کرده دانشمندان علوم ایران را معرفی کند، مقاله فوق را که به صورت کتاب در ۲۰۰ صفحه به کوشش آقای محمد اخوان مهدوی از طرف نشر مجمع ذخایر



اسلامی در قم در سال ۱۳۸۷ منتشر شد، تهیه کردم تا مؤلف آن و کتاب را معرفی کنم.

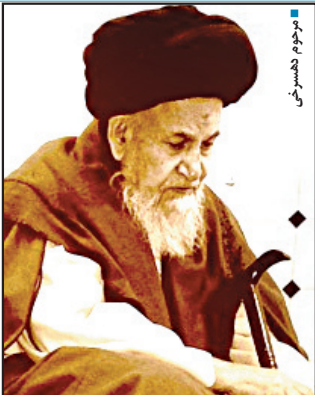
در دیباچه کتاب آمده است: «آنچه پیش رو دارید، شرحی است به فارسی بر مقاله دهم از اصول اقلیدس در علم هندسه، که تنها جهت حفظ و نشر به چاپ می رسد و در آن از هر گونه اظهار نظر و ارائه توضیحات تخصصی خودداری شده و کار شرح و توضیح آن به متخصصین این حوزه واگذار می گردد. لذا کتاب حاضر که تنها سهولت دسترسی به متنی نسبتاً صحیح را مسیر می کند به پژوهشگران این حوزه پیشکش می گردد.

بنام خدا؛ شرح مقاله عاشوره به فارسی [به صورت مختصر]

حمد و ثنای بی عدد قادری را که جواهر تابناک موجودات را از یک مشت خاک تیره به طرفه العین از عالم غیب در عرصه شهود هویدا فرمود و سپاس بی مقیاس خالی از ریب و التباس، صناعی را سزاست که اقسام اشکال هندسه طبع را از یک نقطه عریضه در کارگاه وجود به یک کن پیدا فرمود... محرر این اوراق و راقم این صفحات التحریر المحقق و المنطبق المدقق متین رموز علوم الدوایل و مکشف

کپسول را با پودر استخوان خوک بسازیم و به خورد همه، چه عالم و چه جاهل بدهیم. استخوان خوک اثر وضعی خود را که بی غیرتی است می گذارد. قبول نداری امتحانش مجانی است... این داروها معیوب است یک مشت فسقه و فجرة هستند؛ آن وقت همه می خورند... دشمن گفت: آبها را بگویید میکروب دارد باید لوله کشی شود... دشمن گفت: به ایشان دستور بدهید که تبلیغ کنند و بگویند پیه و ذنبه خون را کثیف می کند و مرض می آورد و نخورید؛ ولی روغن نباتی بخورید... روغن نباتی عبارت است از کثافت نفت که از خارج می آید... لذا قلبها سیاه شده، دعای ایشان به اجابت نمی رسد. این است حقیقت روغن نباتی! (صص ۵۷-۶۳).

یک استکان چای می خوریم شش هفت رقم زهر را به خورد ما می دهند و ما بی اطلاع هستیم. پس وای بر این طب جدید ننگین، قاتل جان ملت ایران و ایسن دواهای خارجه و غیره از هر قبیل که نابود کننده مال و جان ملت ایران است (ص ۱۶۵).



سید محمود موسوی دهرخی

کثور الفنون... المولی حسین بن احمد نطنزی الوالدو قاسانی المولد». در پایان مقاله آمده است: «در بعضی اشکال این مقاله برهان به طریق دیگر ممکن بود ولی چون مجالی نبود ننوشتیم. ان شاء الله زمان فرصت، آنچه به خاطر رسد نوشته شود در هر مقام که محل آن باشد منضم خواهد شد و علیه التوسل و الاعتماد، تاریخ کتابت ۲۷ رمضان ۱۲۷۹ هـ.ق، کاتب محمدبن باقر کاشانی»

سرانجام وی در ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۲ هـ.ق (تیر ۱۲۸۳ ش) در اثر بیماری وبا درگذشت و آرامگاهش مقابل بقعه حجه الاسلام ملا محسن فیض است. فرزندان حاج ملا محمد حسین نطنزی عبارتند از:

- ۱- ملک شاد بیگم همسر حاج ملا محمد علی بن حاج عبدالمحمد (متوفی ۱۳۳۹ هـ.ق) و مادر شیخ یحیی کاشانی
- ۲- مجدالدین در کودکی فوت شد
- ۳- آیت الله العظمی محمد غروی کاشانی
- ۴- خانم آغا حجه الاسلامی (وفات ۱۳۵۳ ش) همسر علی نراقی (شهادت ۱۳۳۱ هـ.ق) و مادر عباس نراقی (وفات ۱۳۸۱ ش) و پس از شهادت شوهرش همسر احمد نراقی معروف به مدیر (متوفی ۱۳۴۱ ش) شده است.

- ۱- ملا محمد جوشقانی معروف به آخوند کاشی (وفات ۱۲۹۴ ش)
- ۲- میرزا محمد نطنزی (وفات ۱۲۸۸ ش)
- ۳- سیدمحمد حسین رضوی (وفات ۱۲۴۵ ش)

- ۴- میرسید نظام الدین آل یاسین (وفات ۱۳۱۹ ش)

- ۵- شیخ فخرالدین امامت (وفات ۱۳۵۱ ش)
- ۶- شیخ محمد سلیمانی (وفات ۱۳۴۶ ش)
- ۷- شیخ یحیی کاشانی (وفات ۱۳۵۱ ش)
- ۸- سید احمد وثوقی معروف به ثقة الاسلام (وفات ۱۳۴۵ ش)

یادآوری: نامه اتابک امین السلطان به حکمران کاشان در مورد تدریس و تنظیم امور موقوفه مدرسه سلطانی وسیله حاج ملا محمد حسین و نامه قائم مقام به امیر تومان نایب الحکومه کاشان که در کتاب «شرح اصول اقلیدس» موجود است برای به درازا نکشیدن مقاله درج آن صرف نظر شد.

شهرام تقی زاده انصاری

منابع:

- ۱- شرح اصول اقلیدس «مقاله دهم»، حاج ملا محمد حسین نطنزی کاشانی به کوشش محمود اخوان مهدوی، نشر مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷
- ۲- میراث فرهنگی نطنز، ج ۲، سید حسین اعظم واقفی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱

ای معتادین به چای و قند و شکر! تذکراً یادآور می شوم از این دشمن سرسخت اجتناب نمایید زیرا اغلب سکنه های قلبی در درجه اول و تیش قلب در درجه دوم همانا به علت خوردن قند و چای می باشد و دیر زمانی است که دشمنان دوست نمای ما برای سودجویی و استفاده طلبی خود، ما ملت را به خوردن چای و مصرف قند مبتلا و معتاد نمودند. (ص ۱۶۶).

منابع: سید محمود موسوی دهرخی، کشتکول، قم: میرفتاح، ۱۳۸۵؛ علی اکبر صفری، «آیت الله سید محمود دهرخی»، وب سایت موسسه کتابشناسی شیعه، ۲۵ بهمن ۱۳۸۹؛ عبدالحسین خسروپناه، جریان شناسی فکری ایران معاصر، قم: موسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۵۳؛ رمضان شعبانی سارویی، جریان شناسی سیاسی فرهنگی ایران، قم: اعتدال، ۱۳۸۹، ص ۹۳؛ «نگاهی به زندگی آیت الله دهرخی»، وب سایت حوزه نیوز، ۲۴ بهمن ۱۳۸۹.



من پالتوی چرمی ام را به ساندو که پوشاک زمستانی نداشت و همراه ما دو نفر به شوروی فرار کرده و از ما جدا شده بود، بخشیدم و خودم پالتوی سرمه‌ای نیروی هوایی که درجه‌هایش را کنده بودم می‌پوشیدم. کت و شلوارم نیز همان پوشاک‌های نیروی هوایی بود، منتهی بی‌درجه!

سپس راننده که یک نفر روس بود به من گفت: هنگامی که علوفه را بار می‌کنیم، باید پالتوات را در بیابوری تا کثیف نشود. پاسخ دادم: علوفه‌ها خشکند و گمان نمی‌کنم که کثیف کنند. ما پس از نیم ساعت رانندگی به دهی رسیدیم و راننده کامیونش را نزدیک انباری پارک کرد و از من خواست تا با هم برای بارکردن علوفه داخل انبار شویم.

جلو انبار مردی به راننده درود فرستاد و گفت: امروز فقط شش بسته آماده کرده‌ایم. ما داخل انبار شده و دو نفری شش بسته را داخل کامیون گذاشته و به راه افتادیم. هنوز بیش از یک ساعت نگذشته بود که او گفت: باید علوفه‌ها را به این کالخوزی که می‌بینی تحویل دهیم. این کار نیز انجام گرفت و سپس او مرا به ساختمانی که کنار جاده بود، راهنمایی کرد و گفت: حالا باید یک نهار حسابی بخوریم تا نیروی تازه‌ای پیدا کنیم.

در این رستوران که کثیف‌تر از چایخانه‌های جاده‌های ما بود، من خوراک کوفته‌ای را با اشتیاهی فراوان سرکشیدم، زیرا صبحانه‌ای نیز نخورده بودم. پس از نهار یک استکان چای به من رسید که بر خلاف چای بی‌رنگ چایخانه نزدیک ساوخوز شماره ۶، چای درستی بود. من از راننده سپاسگزاری کردم و دوباره به راه افتادیم. پس از گذشت یک ساعت او مرا به یک سربالایی رساند و گفت: سمت چپ جاده، گاکارین است و سمت راست به سوی یولاخ.

او مرا پیاده کرد و نشان داد کجا باید منتظر باشیم. من پس از سپاسگزاری مجدد، روی جامه دلم کنار جاده به انتظار ماشینی ماندم. به ساعت نگاه کردم، دیدم که نزدیکی‌های ساعت ۱۸ است و هوا رفته رفته تاریک می‌شود. چشمانم را باز نمودم و دیدم که در هوای نیمه تاریک کامیون کوچکی جلوم ایستاده و راننده‌اش می‌پرسد، راهی کجا هستم؟ پاسخ دادم: یولاخ، گفت: صدر روبل بده و برو پشت ماشین یک جا خالی است، سوار شو. من هم فوراً صدر روبل به وی دادم و در لبه نیمکتی بغل دست مردی جا گرفتم.

در کامیون دو نیمکت گذاشته بود که ۱۲ نفر می‌توانستند، روی آن بنشینند، میان این دو ردیف کیسه‌های چندی پیچیده شده بود که در تاریکی تشخیص آن دشوار بود. همه آرام و بی‌صدا به فکر

فرو رفته و مانند کسانی بودند که گناهی مرتکب شده باشد. پس از چند دقیقه، مرد بغل دستی‌ام، آهسته از من پرسید: به کجا می‌روم؟ پاسخ دادم: به یولاخ. او دوباره پرسید: نزد چه کسی؟ گفتم: اگر در هتلی جا پیدا کنم که چه بهتر! او باز هم آهسته پرسید: کدام هتل؟ پاسخ دادم: هتل یولاخ! او پوزخندی زده گفت: در یولاخ اصلاً هتل هست که نامش یولاخ باشد؟ پاسخ دادم: لابد هست و شما اطلاع ندارید و افزود: من چهل سال است که در این شهر متولد شده و زندگی می‌کنم و ۱۵ سال است راننده لوکوموتیو هستم اطلاع ندارم. ولی تو فکر می‌کنی که هتلی به نام یولاخ در این

هوا دیگر تاریک شده بود و باران شدیدی می‌بارید. سرانجام به شهرک یولاخ رسیدیم که در گوشه و کنارش گاهی نور چراغی به چشم می‌خورد. راننده ماشین را نگهداشت و هر کس با کیسه‌هایش پیاده شده و می‌کوشید سرنهایی پیدا کند تا کیسه‌هایش خیس نشود. ما دو نفر نیز کیسه‌ها را زیر لبه بام ده‌ای که بسته بود گذاشتیم و او گفت: مواظب کیسه‌ها باش و هر چند خانعام دور نیست ولی باید ماشین کرایه کنم تا گندم‌ها خیس نشوند.

او به جستجوی ماشین رفت و پس از چند دقیقه با یک کامیون بزرگ ارتشی برگشت و ما دو

ایام شوروی؛ بهشتی که جهنم بود / ۵

از یولاخ به باکو



شهر وجود دارد.

دیدم جای بدی گیر کرده‌ام و با خود گفتم: نکند یارو مأمور کاگ.ب باشد و در یولاخ مرا به پلیس تحویل دهد. در این اندیشه بودم که او باز هم پرسید: خوب از یولاخ به کجا خواهی رفت؟ پاسخ دادم: به باکو، خیابان لنین شماره فلان و آپارتمان بهمان! او باز هم با صدای آرامی گفت: تو باید دموکرات باشی. جا خوردم و به خود گفتم: گمانم درباره‌اش درست بود، این مرد حتماً مأمور پلیس است. او باز هم مرا از پندارهای بی‌پایه‌ام بیرون آورد و گفت: از من نترس، من نامم قدرت و ایرانی الاصلم، اگر به من کمک بکنی، امشب را در منزل خواهی خوابید و فردا ساعت ۱۲ با ترنی که از مسکو می‌آید و از یولاخ می‌گذرد، به باکو خواهی رسید! پرسیدم چه کمکی از دستم برمی‌آید؟

پاسخ داد: این دو کیسه پنجاه کیلویی آرد را با من به کامیون دیگر گذاشته و به خانعام برسانیم. گفتم: با کمال میل.

کیسه را با شتاب بار کرده و به خانه‌اش رساندیم و او صدر روبل به سرباز جوان روس که راننده کامیون بود پرداخت.

با کیسه‌ها داخل خانه شدیم. خانه آبرومندی بود، او مرا با بانوی سالخورده‌ای که می‌گفت مادرش است، آشنا کرد و گفت: این رفیق، امشب مهمان ما خواهد بود. ما دو کیسه گندم را به درون پستویی گذاشته و دور میز نشستیم.

مادرش چای برای ما آورد. او گفت که در دوره کودکی با پدرش از ایران به شوروی آمده و تحصیل کرده، راننده لوکوموتیو شده و هنگامی که در سال‌های ۱۹۳۷، ۱۹۳۸ ایرانی‌ها را بیرون می‌کردند، او شهروند شوروی گردیده و ازدواج کرده و افزود: همسرش آموزگار دبیرستان بوده و دختر هفت ساله‌اش سولماز در سال اول دبستان آموزش می‌بیند. آنها خوابیده‌اند؛ زیرا صبح زود باید به مدرسه بروند.

هنوز نیم ساعتی از گفتگوی ما نگذشته بود

که مادرش شام روی میز گذاشت و غذای خوبی به ما داد. نیکی‌های این مرد و مادرش کم‌کم مرا به عذاب وجدان گرفتار می‌کرد. زیرا می‌اندیشیدم که این خانواده آنهمه به من نیکی روا داشته و مهربانی نموده و من در عوض باید شیش تحویلشان بدهم. سرانجام دندان رو جگر گذاشته و به قدرت گفتم که من نمی‌توانم امشب را در اینجا به‌سر ببرم. پرسید: چرا؟ گفتم: به خاطر شیش! پاسخ داد: اشکالی ندارد، تو برو دستشویی، پوشاک زیر و پیراهنت را در بیابور و از پوشاک من استفاده کن، مادرم آن را خواهد جوشانده و تا سحر روی بخاری صابون بشویم.

از دستشویی که بیرون آمدم، دیدم که مادرش یک رختخواب پاکیزه در اتاق نشیمن پهن کرده و گفت: اینجا بخوابید. پیش از خوابیدن، قدرت گفت: ما تا ساعت ۹ خواهیم خوابید و پس از صبحانه من تو را به ایستگاه راه‌آهن خواهم برد و سوار ترنی خواهم کرد که به باکو می‌رود.

ساعت از نیمه شب گذشته بود و من با دراز کشیدن در رختخواب، به خواب ژرفی فرو رفتم و تا ساعت ۹ صبح که قدرت بیدارم کرد، خوابیدم. مادرش پوشاک زیر و پیراهنم را اتو کرده روی میز پیچیده بود و من نیز پس از سپاسگزاری آنها را برداشته و به دستشویی برای عوض کردن رفتم.

پس از خوردن صبحانه که کره، عسل و پنیر به همراه داشت و گفتگوهای گوناگون از خانه بیرون آمدم و او خانه‌هایی را که در یک ردیف ساخته شده بودند، به من نشان داد و گفت اینها مسکن کارمندان راه‌آهن است و در شوروی برای کارمندان راه‌آهن، همپای کارمندان صنایع سنگین ارزش زیادی قائلند. ایستگاه راه‌آهن در چند صد متری خانه‌ها قرار داشت و او مرا به ایستگاه رساند و خودش به اتفاقی رفت و پس از چند دقیقه برگشت و گفت: ترن تأخیر ندارد و ساعت ۱۲ به اینجا خواهد رسید و چون ریل‌های راه‌آهن در این چند سال جنگ به خوبی تعمیر نشده‌اند، ترنها آهسته حرکت می‌کنند و این ترن نیز ساعت ۱۰ یا ۱۱ شب به باکو خواهد رسید.

به وی گفتم تا ترن نرسیده باید هرچه زودتر بلیط تهیه کنم، گفت: تو احتیاجی نداری، زیرا بازرس‌های ترن همه با من دوستند و تو را در واگن درجه یک به باکو خواهند رساند به درستی هم ترن به موقع رسید و او مرا به واگنی که بسیار جالب می‌نمود، نزدیک کرد و پس از معرفی من به بازرس آن، گفت: این مرد پسر عموی من است، از او خوب پذیری کن و او پاسخ داد: به چشم، قدرت جان! من با سپاس فراوان و روبروسی از او جدا شدم و از این که با انسان‌های نیک‌منش و خوش‌قلبی آشنا شده و از مهربانی آنان بهره گرفتم، شاد بودم.

حسن نظری غازیانی / گمگشتگی‌های نافرجام

* میل و مناره را نمی‌بیند اما ذره را در هوا می‌شمارد!
* میمون بلاگردان طویله است.
* میمون توی حمام داغ پایش سوخت بچه‌اش را گرفت زیر پایش.
* میمون زیر دمش سوخت بچه‌اش را به زیر پا گرفت.
* میمون که به تنگ آید بچه خود را زیر پایش می‌گذارد.
* میمون هر چه زشت‌تر است ناز و اداس بیشتر است.
* میوه از درخت بید نباید جُست.
* میوه‌ام داد آسمان وقتی که دندانم گرفت.
* میوه خاک‌انداز، فضله و نجاست است.
* میوه درخت دانش نیکوکاری و کم‌آزاری است.
* میوه ه پخته شد اگر نچینند از درخت بیفتد.
* میهمان گرچه عزیز است ولی همچو نفس خفقان آرد اگر آید و بیرون نرود!
* میهمان میهمان را نمی‌تواند ببیند صاحب خانه هر دو را.

* می‌زنم چهچه بلبل که خرم بگذرد از پل
* میسر کی شود عشق به پیغام!
* می‌سوز چنان که بر نیاید دودت.
* می‌فروشی از خودفروشی بهتر است.
* می‌فکن بر سر بی درد خود زفت.
* می‌کشد زهر اگر اندک و گر بسیار است.
* می‌کشی بکش، اما نگذار پاره شود.
* می‌کنم دیوانگی تا بر سر غوغا شود.
* می‌گویم لباس ندارم، می‌گوید دامنم را بگیر!
* می‌گویم نراست می‌گوید بدوش!
* میل چوبی و زن پیر برای هم زدن هلیم خوبند!
* میل خیر به خیر است و میل شر به شر.
* میل دونان به سوی دون باشد.
* میل کودک به گردکان و مویز/ بیش باشد که بر خدای عزیز

* می‌خواهد آب را گل آلود کند ماهی بگیرد.
* می‌خواهد ارزان باشد غلتان هم باشد!
* می‌خواهد از توی شله‌زرد کوفته پیدا کند!
* می‌خواهد از جوی بگذرد پایش هم تر نشود.
* می‌خواهد خر مرده‌ای پیدا کند نعلش را بکند!
* می‌خواهد سر تراشی را از سر کچل ما یاد بگیرد
* می‌خواهی عزیز شوی، یا دور شو یا گور شو!
* می‌دهد ظاهر هر کس خبر از باطن او.
* میراثِ خرس مرده به کفتار می‌رسد.
* میراثِ خور بهتر از چشته خور است.
* میراثِ گرگ مرده به کفتار می‌رسد.
* می‌رسد آخر به جایی هر که صاحب جوهر است.
* میر غضبی آهسته بُر ندارد!
* می‌رود چون کفش کج در پای کج.
* می‌زند عقرب چو فرصت یافت آخر نیش خود.



← «تجیر»